

پرولتراهای جهان متحد شوید!

# دنسا

۳

خرداد ۱۳۵۵

در این شماره:

- ترور، شیوه لنبنی مبارزه مسلحانه نیست (۲)
- ویژگیها بور جه ۱۳۵۵ وسائل اقتصادی و سیاسی مربوط به آن (۸)
- قصه پرغصه زندگی کودکان ما (۲۱)
- "پنجاه و پنج" در هشتاد و یک (۲۶)
- تشدید مبارزه در راه قدرت در رهبری مائوئیستی (۳۰)
- نظری اجمالی بهوضع کشور (۳۲)
- مبارزه ادامه دارد (۴۱)
- پیروزی باشی پیگیر لنبنی است (۴۶)
- حل بحران خاور نزدیک بد ون تامین حقوق ملی خلق عرب فلسطین درمیهن خود ممکن نیست (۴۹)
- حزب توده ایران، مبارزی گیر علیه فاشیسم و امپریالیسم (۵۸)

نشریه سیاسی و تئوریک کمیته مرکزی حزب توده ایران  
سال سوم (دوره سوم) **بیان‌گذار کمتر تلقی ارانی**

## تُرور ، شیوه لینینی مبارزه مسلحانه نیست

یکی از پیده های تاسف آور زیان بخش در پوزیسیون ضد رژیم اینست که کسانی بنام مارکسیسم - لینینیسم ، هم خود در رکوبیان مفاهم و مقولات مارکسیستی - لینینیستی دچار اغتشاش فکری ، سرد رگی ، گراحتی واشتباه اند وهم درین بخشی از مبارزان اغتشاش فکری ، سرد رگی ، گراحتی واشتباه بوجود آورده اند . زیان چنین پدیده ای بتویژه زمانی آشکار میشود که این اغتشاش فکری ، سرد رگی ، گراحتی واشتباه تنها رحیطه بحث تئوریک " خا لص " باقی نمیاند ، بلکه راهنمای عمل قرار میگیرد و قرار گرفته است . واین عمل با سرنوشت خشی از مبارزان ، با سرنوشت بخشی از تیروها و اسازمانهای ضد رژیم ، با سرنوشت بخشی از جنبش انقلابی میهن مسا بستگی دارد وستگی پیدا کرده است . زیان این پدیده باز هم بپیشتر میشود ، وقتی کسانی تلاش میکنند این رک و عمل غلط را بتمام جنبش تحمل کنند .

از جمله مهمترین این مسائل ، چگونگی درک و برخورد " چر یکها " به " مبارزه مسلحانه " است " چر یکها " شیوه مبارزه خود را ، که تما مختصات " تُرور " را رخداد جمع دارد ، " مبارزه مسلحانه " من نامند . مادر این باره در گذشته بارها و تفصیل سخن گفته ایم ، ولن از آنچاکه " چر یکها " میکوشند شیوه مبارزه خود را بتمام جنبش تحمل کنند ، از آنجاکه که هر کس با این شیوه مبارزه مخالف باشد ، وبویژه حزب توده ایران ، مورد حملات خصممه ، " چر یکها " قرار میگیرد ، از آنچاکه زیان شیوه مبارزه چر یکها روز بروز بیشتر آشکار میشود ، ما وظیفه خوب مید اینیم که باز هم در این باره بحث کنیم و باز هم با قاطعیت تمام " تُرور " یعنی شیوه مبارزه " چر یکها " را ، بعنوان تاکتیک انقلابی طرد کنیم .

### بحث بررسجیت ؟

هیچ نیروی واقعاً انقلابی نمیتواند در مبارزه برای تحول اجتماعی ، با " مبارزه مسلحانه " ( و دقیق تر : راه غیر مسلط آمیز ) ، بعنوان یکی از اشکال مبارزه ، و غالبترین شکل آن ، " اصول و مطلقاً مخالف باشد . ولن این بحث میتواند بین نیروهای انقلابی وجود را شهده باشد و وجود را در که برخی شرایط را در رحال حاضر برای " مبارزه مسلحانه " آمار و مناسب نمید اند و بعضی آماره و مناسب مید اند .

در این زمینه ، حزب توده ایران ، وفاداریه تاکتیک لینینی انقلاب ، چنانکه مبارها متذکرشده ، معتقد است که اولاً از تام اشکال مبارزه ، از جمله " مبارزه مسلحانه " برای تحول انقلابی میتوان نه " استفاده کرد . ثانیاً شکل مبارزه برای تحول انقلابی ، بویژه غالبترین شکل ، یعنی " مبارزه مسلحانه " را ، از پیش نمیتوان و نباید تعیین کرد . ثالثاً خود " مبارزه مسلحانه " دارای اشکال گوناگونی است که باید مطابق با شرایط ویژه انقلاب در هر کشور ، متناسب باشد و تکامل جنبش و بار رنظر گرفت — تغییر و تحول در اوضاع واحوال داخلی و خارجی ، بهترین و مناسب ترین آنرا یافته . رابع

**شرایط کنونی** در میهن ما آماره و مناسب برای درست زدن به "مبارزه مسلحahanه" نیست .  
ولی بحث کنونی ما با "چریکها" در ریاره لزوم یاد نمود لزوم "مبارزه مسلحahanه" نیست . بحث  
ما بر سر این نیست که ما شیوه مبارزه "چریکها" را "اصولاً" مبارزه مسلحahanه" بشیوه‌لشنی نمیدانیم ، بنظر ما این شیوه  
مبارزه ، "تزویر" است که هیچگونه وجه مشترکی با "مبارزه مسلحahanه" پنهان نمی‌شود .

تربیت و مبارزه مسلح

لینین، استاد بزرگ تاکتیک انقلابی، هرگز میان "ترور" و "مبارزه مسلحانه" علامت تساوی نگاشته و پی‌آنرا "شکل از اشکال مبارزه مسلحانه" نمایمده وندانسته است. لینین از "ترور" حد اکبر یعنوان "شیوه مبارزه" و "وسیله مبارزه" آنهم در شرایط کاملاً خاص سخن گفته و در همان حال تاکید کرده است که "... قتل سیاسی (بعضه مویرور) - ب) هیچ وجه مشترکی با عمل قبضه مینیک انقلاب خلق، ندارد" (۱) . ج ۱

برای اینکه اگر شرایط اصلی وحتی "مبارزه مسلحانه" پیوند گشست ناپذیر آن با جنبش توده‌ای آماره بودن شرایط عینی و ذهنی برای "مبارزه مسلحانه" و رهبری این مبارزه توسط حزب انقلابی طبقه‌کارگار است، بر عکس، بعقیده‌های نینی:

- "تровер توطئه گزوههای روشنفکری" است (۲) .

- "تُرور انتقام از اشخاص جداگانه" است (۳) .

- "تُرور . . . بھیچو جہ باکار در تودہ ها، برای توده و باتود ها پیوندی ندارد" (۴) .

- "تزویرنتیجه ... فقدان شرایط مقدماتی برای قیام" است (۵) .

"مبارزه مسلحانه" چریکها، "تربور" است

واعقباً بطور انکارناپذیری نشان میدهد که شیوه مبارزه "چریکها" ، که به آن نام "مبارزه مسلحه" را داردند ، با مختصاتی که لینین برای "تerror" بر شمرده ، عیناً تطبیق میکند . زیرا :  
- "چریکها" ، بنایه اعتراض خود شان ، از گروهها و گروهکهای روشنفکری تشکیل شده‌اند .  
- "عملیات چریکی" ، بنایه گزارشها و اطلاعیه‌های "چریکها" ، در ترور اشخاص جد اگانه و یا منفجر ساختن موسسات جد اگانه خلاصه می‌شود . ( اینکه "چریکها" ترور اشخاص را "اعدام انقلابی" مینامند ، تغییری در رواحیت عمل تروریستی آنها نمیدهد ) .

کارخانه افغانستان چگونه میتواند این را انجام دهد؟

"کیا تھے کہ یہ نہ ہوتے افلاطون سوچتے ہیں کہ اسی میانے از جمیں

- حکیم سیرپین - وسیع نر - دکتر میرزایی پریمہ درست در روزنامه جام  
مگر که شایطان من هنوز بای، انقلاب میا، مصلحانه آماره و موانا استیست.

سندست، ثانیاً "ت" و "اصلاً" معاً؛ همچنانه "همفهولنند آ" نیست، ثالثاً "عملیات چریکی" و "شیوه"

"چه بکهای اصولاً" تزویج است. و سرانجام در رتیخه شیوه‌های "چه بکهای" یعنی "تزویج"

جنیش زبان‌بخش است.

---

Digitized by srujanika@gmail.com

کلیات آثارلنین، بزبان آلمانی، جلد ۸، صفحه ۷.

١٠٦، صفحه ١٠٦ جلد

١٠٦ صفحه، جلد ١٠

١٦٧، صفحه ٦، جلد

جـ ١٠٣ صـ ١٠٧

## چرا "تُرور" زیانبخش است

لَنِين "تُرور" را "بِعْنَوَانِ تَاكِيَّةِ انْقلَابٍ . . . بِبِفَايدَه وَزِيَانِبَخش" مِيدَانَد ( ۱ ) . مَجْرِي اِينَكَه بِعَقِيدَه لَنِين :

- تُرور وَسِيلَه اِي اِستَه كَه "بِهَترِينِ نِيرُوهارا اِزمِهمَتِرينِ وَمِسْرَتِرينِ كَارِضُورِتِهبيجي وَسازِمانِي منْحرَفِ مِيَكَنَد ، پِيونَدِ انْقلَابِيونِ رَابِتَهُونِ هَاهِي طَبَقَاتِ انْقلَابِي اَهالِي مُختَلِ مِيسَارَه وَهَمِ دَرِ نِزَرِ انْقلَابِيونِ وَهَمِ دَرِنَزَدِ اَهالِي بَطَورِعِمَومِ تَصُورِكَامَلاً مِعِكُوسِي اِزوَظَافَه وَشِيوَهِ هَاهِي مِبارَه عَلَيهِ سُلطَنَتِمَطلَقهِ اِيجَادِ مِيَكَنَد" ( ۲ ) .

- "تَبَليغِ تُرور" . . . دَرِتَهُونِه اَهَاهِي كَارِگَرَاهِي پِنَدِ رِيزِيَانِبَخشِ رَابِجَودِ مِيَآورِدَه تُرورِمَرَدِ رَاحِتي عَلِيرَغمِ مِيلَشَانِ جَبُورِمِيَكَنَد كَه سِيَاسَه فَكَرِكَنَد" ( ۳ ) .

"تُرورِنَظَرِرِ اِزمِهمَتِرينِ وَظَاعَفِ مَجمُوعَهِ جَبَشِنِ مَحرَفِ مِيَكَنَد" ( ۴ ) .

- "تُرورِنَهِنِيرُوهَايِ دَولَت ، بِلَكَهِنِيرُوهَايِ اِنقَلَابِ رَادِ جَارِيرَاكِندَه مِيَكَنَد" ( ۵ ) . باِكمَالِ تَاسِف ، وَبِطَورِنَايَزِير ، دَارِشِرِعَلِيَا تَتَرَورِيَسْتِي "چَرِيكَها" ، اِكتُونِ دَرِيرَانِ ماَشِكَارَا باَنِتَابِعِ رِيزِيَانِبَخشِي كَه لَنِينِ بَرَاهِي "تُرور" بَرِشمَردَه ، روِرِوهِستِيمِ :

- اِينِ تصوَرِ رَغْلَطِ دَريَخَشِ اِزمِمارَزانِ پِيدَادَه كَه كَوْغِيَا باَكَشَتَنِ چَندِ پَاسِبانِ وَسِيرِيَا زَواَفَسِرِ چَندِ خَائِن ، چَندِ سِرِمَاهِه رَارِمَنْجَرِ سَاخِتَنِ چَندِ عَمَارتِ مِيتَوانِ هَمِ تَوَدَه هَارَا" بَحْرَكَت" دَرَآورِد وَهَمِ رَئِيمِ اِستَبدَادِي شَاهِ رَا "مَتَزِيلَ" وَسِيمِسْ "سِرنِكُونِ" سَاخَتِ .

- اِينِ تصوَرِغَلَطِ مَوجِبِ شَدَه كَه بَخَشِ اِزمِمارَزانِ بَجاَيِه نِيرِويِه خَودِ رَاصِرَفَتِه مِيَجِ وَتَرَوِيجِ سِيَاسَه ، شَرِكَتِ دَرمِها رِزَاتِ تَوَدَه اِي وَسَازِمانَهِي انْقلَابِي كَنَد ، يَعْنِي دَرِستِ هَمَانِ وَظَاعَفِ كَه دَرِحالِ حَا ضَرِدِ رِيرِنِيرُوهَايِ اِنقَلَابِي قَرَادِ اَرَد ، تَمامِنِيرِووَانِرِرِي خَودِ رَابِرَاهِي تَدارِكِ واَجْرَاهِي عَلِيَاتِتَرَورِيَسْتِي بَكارِمِيرِد .

- دَرِنتِيجِه عَلِيَاتِتَرَورِيَسْتِي "چَرِيكَها" ، دَرِمقَابِلِ اَزِيبِنِ رَفْتَنِ مَعَدَدِي اَزعَوَالِوهَوا دَارَانِ رَيَّم ، طَبِيقِ آماَرَه وَلَتِي دَرِجهَارِسَالِ اِخْبَرِيَشَرَه اَز ۲۰۰ نَفَرِ وَطَبِيقِ گَفَهِ خَودِ "چَرِيكَها" بَيَشَه اَز ۶۰۰ نَفَرِاَزِجَوانِه اِشكَالِ گُونَاگُونِ تَابُودِ شَدَه اَنَد . بَسَخَنِ دِيَگَر "چَرِيكَها" تَلَفَاتِ سِنَگِينِ وَغَيرِقابلِ جَبرَانِي دَارَه اَنَد ، بَدَونِ آنَهِ حتى نِيمِگَاهِي به هَدَفِ اَسَاسِي خَودِ نَزَدِ يَكِ شَونَدِ وَيَاهِي جَبَشِ كَمَكِ كَنَد .

- دَرِنتِيجِه عَلِيَاتِتَرَورِيَسْتِي "چَرِيكَها" ، رَئِيمِ اَمَكانِ يَافَتهِ اِستَه كَه بَهَانَهَاهِي جَدِيدِي بَرَاهِي تَشَدِيدِ تَرَورِوا خَتنَاقِ پِيدَاَكَنَد .

باَتَوِجهِ بَعْوَاقِعَيَاتِ اِنْكَارِناَيَه بَيرِفُوقِ اِينِ نِتِيجَهِيَگَرِي نَاَيَگَرِي وَصَحِيحِ اِستَه كَه شِيوَهِ مِيَارَه "چَرِيكَها" هَمِ بَخَشِ اِزِيرِوهَايِ اِنقَلَابِي رَابِهِرِ دَارِه مُوبِيدِه دَه ، هَمِ بَهَانَهِ بَرَاهِي تَشَدِيدِ رَيَّمِ تَرَورِ واَختَنَاقِ شَدَه وَمِيشَوَه وَهَمِ بَخَشِي اِزمِمارَزانِ رَاياَزِوجهِه بَه وَظَاعَفِ وَاقِعَيِه وَاسَاسِيِه جَبَشِنِ اِنقَلَابِي اِيرَانِ دَرِحالِ وَأَيَنَدِه باَزِدِ اَشَتهِ وَبَازِمِيدَارَه ، وَلَذِ اَبَدِ اَعلَى بَرَاهِي جَبَشِرِيَانِبَخشِ بَوَهَستِ .

چَرِيكَها؟ تَرَورِ تَوجِيهِمِيشَوَه؟

"چَرِيكَها" دَرِتَوِجهِه شِيوَهِمِيَارَه تَرَورِيَسْتِي خَودِ بَطَورِخَلَاصَه مِيَگَوِينَد : اَولاً رَئِيمِ تَرَورِوا خَتنَاقِ

- |     |  |
|-----|--|
| ۱ - | کَلِياتِ آثارِلَنِين ، بَزِيانِ آليَاني ، جَلد ۱۸ ، صَفحَه ۴۶۹ |
| ۲ - | جَلد ۶ ، صَفحَه ۴۷۳  |
| ۳ - | جَلد ۶ ، صَفحَه ۱۶۷  |
| ۴ - | جَلد ۵ ، صَفحَه ۷  |
| ۵ - | جَلد ۵ ، صَفحَه ۷  |

راهی جزاین برآی‌ها باقی نگذاشته است . ثانیاً آنها بدینوسیله میخواهند توره هارا "حرکت" را ورزند . ثالثاً آنها بدینوسیله میخواهند به رژیم "ضریه" بپرند .

در پیاسخ "استدلال" نخست، لینین حق دارد نظرکسانی که با توصل بیموقع به اشکال عالی مبارزه، یعنی مبارزه و قیامسلحانه، در رصد "تازاندن" انقلاب هستند، تاکید میکند که در زمانی که ارتقا ع "خشمنگین" و "قوی" است، در زمانی که حزب "ضعیف" وارتباط با توردها "سست" است، مباید به<sup>۲</sup> شکال پائین مبارزه "متول شد، زیرا فقط در چنین صورتی است که میتوان آگاهی توردها را برای مبارزه فراهم آورد و آنها را به پشتیبانی از اشکال عالی مبارزه جلبکرد.

لینین در انتقاد از چنین کسانی میگوید:

"اشکال عالی مبارزه، که هیچ جا و هرگز رجهان بدون فشار مستقیم توده های نمیتواند موقفيت را شته باشد، در زمان ارتبا ع خشمگین، قبل از هر شکل، بعنوان اشکال "ممکن" توصیه میشوند، و بر عکس اشکال پائین مبارزه، که مفترض قوانین توسيع مبارزه توده های پیشتر استفاده از این قوانین را برای ترویج و تهمیچ دیرد ارد **و آگاهی توده ها را** برای مبارزه فراهم می آورد، بعنوان اشکال "غیرممکن" عرضه میشوند" (۱) .

لنس. تاکید میکند که :

"هر قدر رنبروی مکانیکی ارتقا ع قوی ترویج و باتورده ها مستتر است، عاجل تراست که آگاهی تورده ها فراهم آید (نه اینکه مستقیماً وارد عمل شوند) و راههاي ایجاد شده توسط قدرت کمـنـه برای ترویج و تمهیج مورد استفاده قرار گیرد (نه اینکه تورده ها به حفظه مستقیم علیه خود قدرت کمـنـه مبارت ورزند" (۲۰).

اگرلنین برای تسلیم به اشکال عالی مبارزه، یعنی مبارزه مسلحانه، چنین شرایطی را قائل است، آنوقت پاسخ کسانی که بعلت رژیم ترورواختناق ویرای مبارزه را رژیم ترورواختناق به "ترور" متسلی میشوند، روشن است.

دریاست خبرنگاری "ستد لال" دوم، لنهین میگوید:

وسرانجام دریاسخ "استدلال سوم، لనین تاکید میکند که :

"بدون توجه کارگر، تمام بمب ها فاقد قدرت اند، مسلماً فاقد قدرت اند "(۴) و زندگی رموز "چریکها" ای ایرانی‌زیکار بگرتمام و کمال حقانیت لذین را باستمیکند.

- ١ - كليات ثارلنجن، بزيان آلماني، جلد ١٦ ، صفحه ١٩ .  
 ٢ - جلد ١٦ ، صفحه ٢٠ .  
 ٣ - جلد ٥ ، صفحه ٤٣٤ .  
 ٤ - جلد ٧ ، صفحه ١٨٣ .

شایان ذکر است که "چریکها" میکوشند گسترش جنبش انتسابی و مطالباتی را در دو رسان اخیر نتیجه عملیات چریک "واندود سازند . ولی اگر کمی نخواهد خود را بغیرید ، باید تصدیق کنند که گسترش جنبش انتسابی و مطالباتی زحمتکشان در دو رسان اخیر رست نشانه شکست شیوه مبارزه تروریستی "چریکها" و علامت آشکارطرد این شیوه مبارزه از جانب زحمتکشان است .

کشتن یک سرمایه دار از طرف "چریکها" موجب نشده است و نمیتواند بشود که اگرگران علیه کارفرما یا بن پای خیزند . این تشدد یا استثمار ، افزایش هزینه زندگی ، کمی دستمزد ، عدم رعایت قانون کار ویمه‌های اجتماعی است که اگرگران را به تشدد یک مبارزه برای احراق حقوق خود و اداشه است .

کشتن چند مامور سازمان امنیت از طرف "چریکها" موجب نشده است و نمیتواند بشود که اگرگران علیه سیستم پلیسی پای خیزند . این فقدان آزادی سند یکاگی ، فقدان آزادی اجتماعات فقدان حق انتساب ، نظارت ساواک بر کارخانه‌ها ، اخراج ها و توقیف های غیرقانونی است که اگرگران را به تشدد یک مبارزه برای آزادی‌های دموکراتیک وارد آشته است .

منفجرکردن چند موسسه از طرف "چریکها" موجب نشده است و نمیتواند بشود که اگرگران علیه بیعدالتی های اجتماعی پای خیزند . این خود بیعدالتی های اجتماعی است که اگرگران را برای استقرار یک رژیم دموکراتیک و عار لنه به تشدد یک مبارزه وارد آشته است .

توده‌های مردم ، و در پیش اپیش آنها کارگران ، باشم طبقاتی و نیاجریه زندگی و مبارزه خود میدانند که با کشتن چند سرمایه دار ، استثمار ازین نخواهد رفت ، که با کشتن چند مامور ساواک رژیم ترور و رواختاق و سیستم پلیسی پایان نخواهد داشت ، که با منفجر ساختن چند موسسه ، رژیم استبدادی شاه سقوط نخواهد کرد . آنها میدانند که فقط با اسلاماند هی انقلابی مبارزه توده ای است که میتوان هم حقوق معینی را در حال حاضر و رجارتی میتواند بستآورد و هم زمینه را برای آزادی نهایی و قطعی فراهم ساخت .

نشان؟ و انگیزه "تیر" چیست؟

لنین "ریشه مشترک" اکونومیستها و تروریستها را در "سرپرورد آوردن" "آنها" در برآورده اند خود بخودی "میدانند و مینویسد :

"اکونومیستها و تروریستها رقاب قطب های مختلف جریان خود بخودی سرفروز می‌آورند . اکونومیستها - ر مقابله جریان خود بخودی "نهضت صدر رصد کارگری" و تروریستها ر مقابله جریان خود بخودی خشم و غضب فوق العاده روش نفکرایی که نمیتواند یا امکان ندارند فعالیت انقلابی را با نهضت کارگری در یک واحد کل بهم پیوند نند . کسیکه ایمانش از این امکان ملبشد و یا هرگز بیان ایمان نداشته است حقیقتاً برایش دشوار است بجز تروراه چاره دیگری برای اطفاء احساسات خشم اگری و اثری انقلابی خویش بیابد" (۱) .

لنین متذکر میشود که تیر "منطق خود را در ، منطق نومید شدن از حزب وازانقلاب خلقی ، منطق باور از است رفته به توائی توده های به مبارزه مسلتم انقلابی . منطق حالت غیرعادی و هیستره کی مختص روش نفکرای ، منطق ناتوانی در کاربیگری و مصراحت ، منطق ناتوانی در کاربردن اصول اساسی تاکنیکی و تئوریک در شرایط تغییریافته ، منطق ناتوانی در کارتروریجی ، تهییجی و سازمانی در شرایطی که باگذشته نزد یک فرق فاحش را درد" (۲) .

۱ - منتخبات لنین ، بیان فارسی ، جلد اول ، قسمت اول ، صفحه ۳۴۱ .

۲ - کلیات آثار لنین ، بیان آلمانی ، جلد ۱۵ ، صفحه ۱۴۴ .

وسراجام لنین، "تورو را" محصول ضعف روشنگرانه "(۱)" و خصلت طبقاتی آنرا خرد بورزوایی "میداند (۲) . و تمام این مختصات دقیقادر "چریکها" ی مصدق میکند: بنابرآبسته بودن آنها برروشنگران خرد بورزوایی گرفته تا جد ابودن آنها از نهضت کارگری، از ناتوانی و عدم اعتقاد آنها به کارپیگرد و مصرا نه ترویجی، تهییجی و سازمانی در شرایط مخفی گرفته تا ناتوانی آنها را پیوند داد فعالیت انقلابی با نهضت کارگری، از نویمیدی به انقلاب خلقی گرفته تا باور نداشتن به توانایی توده های به مبارزه مستقیم انقلابی .  
وظیفه چیست؟

لئین قبل از هر چیز متذکر میشود که :

" ماباید به کارگران گوشزد کنیم که کشتن جا سوسان و خرابکاران و خائنان گاهی ممکن است ضرورت حتمی کسب کند ، ولی تبدیل آن بیک سیستم بینهایت نامطلوب و اشتباه است . ماباید بگوشیم سازمانی پدید آوریم که باکشف و تعقیب جا سوسان آنها را ب زیان سازد . کشتن تمام جا سوسان غیرممکن است ، ولی ایجاد سازمانی که بتواند آنها را باید و تود مکارگرا تربیت کند ، امریست ممکن و ضرور" (۳) .

سپس لnin تاکید میکند که وظیفه مبرم حزب :

"ایجاداریک سازمان انقلابی است که قار ریا شد تما نبیره و هارامتند سازد ، سازمانی که فقط خود را همیرساند ، بلکه جنبش را واقعه از هری کند ، یعنی همیشه آماره باشد که راه عراضی و هر ظاهرخشنی را مورد حمایت قرار دهد و آنها برای افزایش و تحکیم ارتشی که برای مبارزه قطعنی مناسب باشد ، استفاده کند " ( ۴ ) .

حزب توده ایران، حزب طبقه‌کارگر ایران، برای آنکه جنین سازمانی باشد می‌زاره می‌کند. حزب توده ایران از تمام تبروهات انقلابی، از جمله "چر یکها" هم می‌طلبید که از این مبارزه حزب توده ایران پشتیبانی کند.

روشن اصولی حزب توده ایران نسبت به "چریکها"

در پایان این مقاله بمناسبت نمیدانیم که بارگزاری حزب توده ایران را نسبت به "چریکها" مذکور شویم: حزب توده ایران عناصر و افراد صدیق چریک‌ها را صرف‌نظرزا سلوب غلط کار آنها، بد لیل آنکه بر ضد رژیم استبدادی شاه مبارزه می‌کنند و خسرو را بایک سلسله شماره‌های متفرق اجتماعی موافق اعلام میدارند، چنان‌نیز هرگاهی متفرق اجتماعی بشمایی آورد. حزب توده ایران شجاعتو قهرمانی سپاهی از این افراد را بین مبارزه می‌ستاید. حزب توده ایران از این مبارزان دنی برآبروزیم تبروختا ناق، در برابر ترویسم دلتی دفعه می‌کند. وهمه اینها علی‌غروم روشن آشکارا خصم‌اند است که "چریکها" نسبت به حزب توده ایران دارند. ولی نهدف‌های متفرق اجتماعی، نــ شجاعتو برخی مبارزان چریک و نــنــترورزیم شــاــعلیــهــ آــنــهــارــ لــیــلــ وــاــعــنــ اــزــ آــنــ نــیــســ وــنــمــیــوــاــنــدــ باــشــدــ کــهــ ما شــیــوهــ مــیــارــ زــهــ "چریکها" رــاــ، کــهــتــرــوــرــیــمــ استــ، مرــدــ وــدــ وزــیــاــ بــخــشــ نــشــعــارــیــمــ وــهــاــقــاطــعــیــتــ وــبــیــگــرــیــ باــ آــنــ مــیــارــ زــهــ نــکــیــمــ. نــیــراــ اــینــ وــظــیــفــهــ مــاــســتــ کــهــ بــرــایــ یــاــکــیــزــگــ مــارــکــیــســمــ لــنــیــنــیــمــ اــزاــنــحــرــافــاتــ "چــبــ" وــرــامــ (زاده در صفحه ۴۵)

<sup>١</sup> - كليات آثار لينين ، بزيان آلماني ، جلد ٩ ، صفحه ٢٧٨ .

- ۲ - " " " " " جلد ۱۵ ، صفحه ۱۴۰

<sup>۳</sup> - "نامه یه یک رفیق" ازلنین، بزبان فارسی، صفحه ۷، ازانتشارات حزب توده ایران.

٤ - كليات آثار لينين، بزبان آلماني، جلد ٥، صفحه ٨.

## ویژگی‌های بودجه ۱۳۵۰

### و مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مربوط به آن

مقدمه — هنگام بررسی بودجه ۱۳۵۴ دریکسال ونیم قبل (آذر ۱۳۵۳) مابه این نتایج رسید یم :

افزایش قیمت و درآمد نفت برای پیشرفت اقتصادی و اجتماعی، تامین رفاه عمومی و احیاء استقلال ایران شرایط مساعدی فراهم آورده است. لیکن رژیم شاه با تنظیم و تحمل بودجه های سلیحاتی، تورم و ورشکست کننده و افراط و تغیریت زیان آورد رشوت و درآمد نفت، ازیکسوجامعه ایران را زیسته گیری از پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی محروم می‌ارزد و ازسوی دیگر با تهدید امنیت منطقه و صلح، جامعه و کشور مارابا مصائب اجتماعی، ورشکستگی مالی و اقتصادی و خالل معیشت عمومی روپرور می‌سازد.

در همان برسی مامتنع کرد یم که دولت با تنظیم بودجه ضد ملی، «سلیحاتی، تورمی و ورشکست کننده ۱۳۵۴ فرصت» کاستن ازوابستگی بودجه به درآمد نفت "را که میتوانست با استفاده از افزایش قیمتها نفت علی شود ناریده باشد" وبا "چهار ریابر" کردن هزینه های نظامی در رفائله یکسال" بودجه را به تعیین ازمانع امپریالیسم و کنسرسیون بین الطی نفت" تنظیم نموده است. بالاخره دربررسی بودجه ۱۳۵۴ یار آورشید یم که بودجه تنظیمی دولت "موجب گرانی و تورم سرمایه ای و پیسابقه" خواهد بود و "تولید داخلی بیوژه کشاورزی را با خطر جدی ورشکستگی مواجه" خواهد ساخت.

این مطالب، که یکسال ونیم قبل در صفحات "دنیا" بر شته تحریر درآمده، فقط پیش‌بینی بوده است. اکنون خوانندگان "دنیا" تصدیق خواهند کرد که از جانب حزب توده ایران واقعیت تلخی در تراجم جهات و جوانب آن بد رستی پیش‌بینی شد و نسبت بواقع آن اعلام خط‌رسیده است. بودجه ۱۳۵۵ نیز که اکنون مورد بررسی ماست برا یاه همان سیاست‌های ضد ملی نفتی، «سلیحاتی، تورمی و ورشکست کننده بودجه ۱۳۵۴» بنا شده و طبیعی است که اجرای آن به تشیدی تضاده ای و تناقضات در همان جهات می‌انجامد که مادر مرمود بودجه ۱۳۵۴ پیش‌بینی کرد و بودجه ۱۳۵۵ آنکه در بودجه ۱۳۵۵ امکاناتی که دولت با استفاده از آنها میتوانست تاحدی بر سیاست ضد ملی و ضد خلقی خود سریوش بگذارد و از اثرات ناگوار حاد آنها را روضع اقتصادی و اجتماعی کشوری کا هد در مقایسه با بودجه ۱۳۵۴ بطور مشخص کا هش یافته است. حال آنکه به تاثیر عواملی که موجب تشید یار تناقضات و تضاد ها خواهد شد بمراتب افزوده گردیده.

با ذکر این مقدمه خوانندگان توجه خواهد داشت که ذکر آنچه از جانب مادر ریاره بودجه ۱۳۵۴ گفته شده و کماکان در بررسی بودجه ۱۳۵۵ بقوت خود با قیست ضرور تنخواهد داشت. بلکه مفید آن خواهد بود که متنگنانهای بودجه ۱۳۵۵ ویژگی‌های آن را نسبت به بودجه ۱۳۵۴ مورد مطالعه قرار دهیم. در واقع هم نوشته‌کنونی مکمل نوشته‌ای است که تحت عنوان "بودجه ۱۳۵۴

شود . مجموعه اقدامات ضد ملی و ضد خلقی رژیم نه فقط این درآمد را بباردارد ، بلکه تعهدات جدیدی بوجود آورد که سریار بود جه کنونی بود جه در سالهای آتی خواهد بود . در بود جه ۱۳۵۵ فشار این تعهدات بوضوح کامل منعکس است .

اتکاء سران رژیم در قبول تعهدات جدید تسلیحاتی و مالی دربرابر دوام پیشیستی به اعتبار افزایش درآمد نفت بود که ممکن است از راه صد و ربیعت نفت بخارج وبالا بودن قیمت آن در رابطه با تورم و گرانی تحصیل میشود . لیکن این معا سبه کوتاه فکرانه چنانکه پیش بینی میشده شکست مواد گردید . مسئولین امریکنگام تنظیم بود جه ۱۳۵۵ بجا آنکه با افزایش درآمد نفت روپرتو شدن با کاهش این درآمد هارنتیجه تقلیل صدر نفت بخارج و تاثیر فزون تر توم و گرانی در تنزل ارزش در رهای نفتی مواجه شدند .

بدینسان درست در حالیکه اراده سیاست ضد ملی و ضد موکراتیک رژیم بد ریافت درآمد بیشتر از نفت منوط و مشروط گردیده ، پایه اساسی این سیاست درنتیجه کاهش درآمد های نفت را چرا تنزل حدی شده است . این ویژگی مهم بود جه ۱۳۵۵ بشمار مریمود که در مرحله اولیه خود کسر بود جه و تکیه مجدد به وام های خارجی را پیش آورده در مراحل و سالهای بعد دلت را با مشکلات مهمتر مواجه خواهد ساخت .

مقامات در وقت پیش بینی کرد بود ندر رسال ۱۳۵۶ ( سال آخرین نامه پنجم ) با استخراج روزانه ۲/۳ میلیون بشکه نفت خام و صد و ۷/۶ میلیون بشکه آن بخارج ارزش افزوده بخشنفت به ۱۲۱۲ میلیارد ریال بالغ خواهد شد ( ۱ ) . همچنین محاسبه مسئولین امور آن بود که قیمت های نفت مناسب با تورم و افزایش قیمت کالا هار غرب ارتقا خواهد یافت . هیچ چیز از این پیش بینی ها به حقیقت نپیوسته است .

صادرات نفت ایران در رسال جاری ۱۳۵۵ به تبع از تعلیمات و مقاصد کارتل بین المللی نفت حتی نسبت بسال گذشته ۱۳۵۴ ( ۱۹۷۵ ) کمتوسط صد و روزانه نفت ۲/۳ ۴ میلیون بشکه بوده در سطح نازلتی پیش بینی میشود . بهمین مناسبت درآمد نفت در بود جه ۱۳۵۵ مبلغ ۱۴۰۹ میلیارد ریال برآورده شده که ۲۲ میلیارد ریال از سان قبل کفtraست ( ۲ ) . بعلاوه افزایش قیمت نفت با آنکه تورم شتابان و گرانی در غرب همچنان اراده دارد ، بعلت آنکه خود دلت ایران پکر از اخلاق لکنده گان عده در اتحاد " اوپک " میباشد ، با اشکان مواجه است .

نتیجه اینکه دلت در تنظیم بود جه ۱۳۵۵ درستون درآمد ها ، نه فقط افزایش درآمد های نفت به مبالغ پیش بینی شد محروم گردیده ، بلکه بعلت پافشاری در تعهدات ضد ملی با کسر بود جه مواجه شده است . رقم این کسر ، در بود جه کل کشور ۱۴۵ میلیارد ریال ، یعنی در حقیقت پیش ازد و میلیارد دلار کرشد که رقم سیار بزرگ است ( ۳ ) .

از خواص بود جه های تنظیمی دلت در شش ساله اخیر آن بود که در آنها کسر بود جه مشاهده نمیشود و بهر حال درآمد های رویزونی نفت کسر هزینه های تسلیحاتی و زائد رژیم رارفع و رجوع میکرد - ویژگی بود جه ۱۳۵۵ در آنست که نشان میدهد یک درآمد های عظیم نفت نیز قادر بر رفع و رجوع هزینه های سنگین تسلیحاتی و زائد نیست . از این پس تا هنگامیکه تحول اساسی در بود جه حاصل نشود کسر بود جه از تعامل مسلم بود جه های تنظیمی دلت خواهد بود و فته دامنه و تاثیر مخرب آن و خواهد یافت .

۱ - " برنامه پنجم عمرانی کشور " تجدید نظر شد ( ۵-۵۶ ) ، مرداد ۱۳۵۳ ، صفحات ۱۴۶ و ۱۴۷ .

۲ - " بود جه کل کشور " اطلاعات ، ۱۴ بهمن ۱۳۵۴ .

۳ - همانجا .

بود جه ایست ضد ملی ، تسليحاتی ، تورعی و ورشکست کننده " در شماره ۸ مجله " دنیا " در بهمن ۱۳۵۳ درج شده است .

کسریو جه و تکیه مجدد به امامی خارجی - بود جه ۱۳۵۴ در شرایط تنظیم شد که دولت در نتیجه افزایش جهشی قیمت‌های نفت به درآمد عظیمی دسترسی پیدا کرد . درآمد‌های بود جه از محل نفت و گازار ۳۱۱ / ۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۲ یکباره به ۱۲۰ / ۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۳ و ۱۴۸۰ / ۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۴ ارتقا یافت . ( ۱ )

افزایش جهشی درآمد نفت بدولت اجازه دادن فقط قروضی را که در نتیجه خرید های سنتی اسلحه و دیگر هزینه های زائد بوجود آمده بود یکباره پسپارازد ، بلکه با رهاشدن از خط روبرو شکستگی حق به اعتبار مالی خود در رصونه بین المللی بیافزاید . مبلغ بازییراد اخت و امامی خارجی و داخلی در بود جه ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴ به ترتیب ۵۶ / ۶ میلیارد ریال بوده است ( ۲ ) .

افزایش جهشی درآمد نفت بدولت امکان داد باوارد است مقادیر پر عظیم کالا ، بویژه کالاهای صرفی کشاورزی از خارج علیرغم پرداخت مبالغ عظیم بابت مابه التفاوت قیمت آنها ، به مقابله مصنوعی با تورم و گرانی در داخل اقدام نماید . مبلغی که بعنوان مابه التفاوت خرید مایحتاج عمومی مانند گندم ، گوشت ، شکر و لبنت از خارج از بود جه ۱۳۵۴ پرداخت شده به ۸۰ میلیارد ریال بالغ می‌شود ( ۳ ) .

دولتهای طی و مترقبی در کشورهای نفتخیز رحال رشد فرصت افزایش جهشی درآمد نفت را در جهت تقویت مواضع خود در مقابله با تحریکات انحصاراً تنقیق در امرانوسان استخراج و صدر و نفت و قیمت‌های آن مورد استفاده قراردادند . دولت ایران نه فقط به این امرکوچکترین توجهی ننمود ، بلکه بعکس افزایش جهشی درآمد نفت بمنظور اجرای نقشه‌ها فرمایش و بلند پروازانه در بدل " کم " مالی بدول امپریالیستی و تقسیم درآمد نفت بین دلالان حرفه ای استفاده نمود و تهران به قبله گاه ریاندگان دلا رهای نفتی بدل شد . در بود جه ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴ با ترتیب مبالغ ۱۲۶ / ۵ میلیارد ریال برای چنین مقاصدی در نظر گرفته شد و پرداخت شد ما است ( ۴ ) . جمع رونق اخیر از رقم درآمد نفت ایران در سال ۱۳۵۲ مبلغ سی میلیارد ریال بیشتر است . بالا خرمه آنچه ذکر آن بویژه مهم است اینست که فرصت افزایش جهشی درآمد نفت از جانب شاه بمنظور شدید سیاست تسليحاتی و خرید های سراسر آوراسلحه از امریکا و یگرد ول امپریالیستی مورد استفاده قرارداده شد . دولت ایران برخلاف منافع کشورها و صلح در منطقه وجهان به چند برابر کرد نه زینه های نظامی پرداخت و مبالغ سرگچه آوری به خرید اسلحه از خارج اختصاص داد . در بود جه ۱۳۵۴ تنها رقم هزینه های وزارت جنگ به ۲۵ / ۳ میلیارد ریال افزایش داده شد که یک برابر نیم هزینه های همین وزارت خانه در ۱۳۵۳ و چهار برابر بود جه آن در سال ۱۳۵۲ بود ( ۵ ) . درآمد عظیم نفت میتوانست بعنوان سرمایه ارزی بمنظور سرمایه گذاری در امور تولیدی ذخیره

- ۱ - " اطلاعات " ۱۰ آذر ۱۳۵۳ و ۱۴ بهمن ۱۳۵۴ .
- ۲ - بود جه کل کشور " اطلاعات " ۱۴ بهمن ۱۳۵۴ .
- ۳ - همانجا .
- ۴ - همانجا .
- ۵ - همانجا .

لیکن تنها رقه‌زگ بیسابقه کسریوود جه مین واقعی کسریوود جه ۱۳۵۵ نیست . با این رقی د ریافت ۱۲۹ میلیارد ریال وام از خارج رانیزیاید اضافه نمود تامیلوم گرد د کسریوود جه واقعی به ۲۴۰ میلیارد ریال یاعلا ۱۰ درصد بود جه کل کشور بالغ میشود (۱) . برای توجه به اهمیت چنین کسریوود جه ای هند کرمیشوم که مبلغ آن برابر مبلغ بود جه کل کشور در سال ۱۳۴۷ است (۲) . سیاست د ریافت وام و اعتبار از خارج در سالهای گذشته ، بویژه در د وساله اخیر کنار گذاشت شده بود . ازویژگهای بود جه ۱۳۵۰ اینست که مجدد الاجرا این سیاست خانمان برانداز در دستور کار ولت قرار داده شده است .

تنظيم بود جه کاملاً تعامل ، جلوگیری از پیدا یاش کسریوود جه و خود را زد یافت وام از خارج که موجبات وابستگی بیشتر اقتصاد و مالیه ایران بدلو امپریالیستی را فراهم می‌آورد ، در کشوری که صاحب د رآمد های عظیم نفت است کار مشکل نمیست . د ولت ایران میتوانست با کنار گذاشت سیاست مرگی ارسلیحات و حذف هزینه های زائد تا حدی مشکلات بود جه را مرتفع سازد . چنین کاری نه فقط تنگی های مالی را زسراه بود جه بر میداشت ، بلکه به ایران امکان میداد از آسیب پذیری خود د ریابر فشار انحصارات نفتی ، که در شرایط کونی کاهش استخراج و صد ورنفت بخارج را وسیله پائیمن آورد ن قیمتی ای نفت و جلوگیری از افزایش آن قرار داده اند ، بگاهد .

لیکن رژیم شاه در تنظیم بود جه ۱۳۵۰ نه فقط از این راه فرته ، بلکه در جهتی عمل کرده است که به تضیییف اقتصاد ملی و مالیه ایران میانجامد و ایران را در ریابر مطامع دول امپریالیستی و کارتل نفت د رموضع آسیب پذیری قرار میدهد . این امر تنها با آنچه بہتان منابع د رآمد بود جه ۱۳۵۵ مربوط است محدود و نمیگردد . د رمود هزینه های بود جه ۱۳۵۰ نیز همین سیاست پایه و مبنای عمل قرار گرفته است .

افزایش هزینه های تسلیحاتی علیرغم کاهش در آمد نفت - عدد ۵ ترین مشخصه بود جه رژیم در همه سالهای گذشته آن بود که افزایش هزینه های نظامی و تسلیحاتی آن به تبع و متناسب با افزایش در آمد نفت صورت میگرفت . ویزگی عده بود جه ۱۳۵۰ اینست که افزایش هزینه های تسلیحاتی و وظایم رژیم علیرغم کاهش در آمد نفت صورت گرفته است . برآورد د رآمد نفت نسبت بسال ۱۳۵۴ مبلغ ۲۲ میلیارد ریال کاهش یافته ، لیکن هزینه های نظامی بود جه نه فقط کاهش نیافته ، بلکه تنها ببود جه وزارت جنگ ۱۴ میلیارد اضافه شده است .

جدول شماره ۱ ، که در آن ارقام د رآمد نفت و هزینه ارتشد ریود جه سه سال اخیر (۱۳۵۰-۱۳۵۳) منعکس شده ، واقعیت راکه به آن اشاره گردیم بوضوح تمام بیان میکند (۳) .

جدول شماره ۱ ( میلیارد ریال )

۱۳۵۰ ( برآورد )	۱۳۵۴ ( مصوب )	۱۳۵۳ ( قطعی )	
۱۴۰۹۰ ۵۶۶۸	۱۴۸۰۸ ۵۲۵۵	۱۲۰۵۳ ۳۲۲۱	د رآمد نفت هزینه وزارت جنگ

- ۱ - " بود جه کل کشور " " اطلاعات " ۱۴ بهمن ۱۳۵۴ .  
 ۲ - " سالنامه اماری ۱۳۵۲ کشور " " اسفند ۱۳۵۳ ، صفحه ۶۵۲ .  
 ۳ - " بود جه کل کشور " " اطلاعات " ۱۴ بهمن ۱۳۵۴ .

افزايش هزينه‌هاي تسلیحاتي همزمان افزايش درآمد نفت در سالهاي گذشته برای کشور مصوب است بيا آورد و قسمت اعظم درآمد نفت ايران را در رچاهه هزینه‌هاي نظامي سرازيرکرد . افزايش هزينه‌هاي تسلیحاتي عليرغم كاهش درآمد نفت سياستي است كاملا مصالصب جدي تري را در منغير ايران ميسازد و نتيج مهلكتري بار مي‌آورد . از همین ابتدا باید عليه اين سياست بهارزه قاطع برخاست .

دولت در تنظيم بود جهابتفكيك هزينه وزارت جنگ تحت عنوان "امور فاعل على "از هزينه راندار مرسي و شهرباني كل کشور و يگرسازمانهاي نظامي كه در بخش "امور عمومي" ذكر ميشود سعى دارد سهم هزينه‌هاي تسلیحاتي را در بودجه کمتر آنچه هست نشان دهد . اين اقدام ، که حاکمي از گرانی خود و لطفیان ازواکش مردم در رباربر هزینه‌هاي سنگين تسلیحاتي است ، قادر نميست واقعيت امر را پرورد هنگاه را در . هزينه‌هاي نظامي و تسلیحاتي ، صرف نظر از آنکه تحت کدام عنوان "امور دفاعي" یا "امور عمومي" در بودجه ذکر شود ، بعد غيرقابل تحمل افزايش يافته و اقتصاد و ماليه کشور را با خطرات بسیار جدی مواجه ساخته است .

در بودجه ۱۳۵۵ جمع هزينه‌نيروهاي مسلح ( ارتش ، راندار مرسي و شهرباني كل کشور ) ۶۱۷ ميليارد رياли ( ۹۲۸۱ ميليون دلار ) براورد شده است ( ۱ ) . هرگاه هزينه صنایع نظامي و دیگر سازمانهاي وابسته به نيزوهاي مسلح را به اين رقم بيا فرائيم ، مبلغ هزينه‌هاي تسلیحاتي به ۴۶ تا ۶۵ ميليارد ريال ، يعنی ده ميليارد لا ربالغ مشهود . اين بدان معنی است كه سهم هزينه‌هاي تسلیحاتي و انتظامي در بودجه ذکر شود . چنانکه دولت ادعانموده ۲۷ درصد نبوده ، بلکه ۳۶ درصد است و آنچه صرف هزينه‌هاي نظامي ميشود يك قلم ۵ درصد درآمد نفت را ميل .

ازويژگيهای بودجه در سال ۱۳۵۵ همچنین افزايش هزينه‌هاي رايد در رباري و پليسي و تبلیغاتي عليرغم کاهش درآمد نفت و با وجود پيدايش كسر در بودجه است . در جدول شماره ۲ كه مانند را بر اساس ارقام بودجه ۱۳۵۴ و ۱۳۵۰ ترتيب را در ايم تنهها افزايش هزينه سه سازمان از عدد اكثیر سازمانهاي رايد در رباري ، پليسي و تبلیغاتي رژيم منعکس است . ( ۲ )

جدول شماره ۲ ( ميليون ريال )

مبلغ افزايش در يك سال	۱۳۵۵	۱۳۵۴
وزارت در رياز	۹۱۷	۲۸۴۶
نخست وزيري ( سازمان امنيت )	۱۶۰	۶۳۹۸
سازمان رايد ـ تلوزيون	۱۴۸۹	۱۳۶۴۳

بطوريكه از جدول مشاهد ميشود تهاتي يك سال عليرغم کاهش درآمد نفت و كسر در بودجه به هزينه سه سازمان در رباري ، پليسي و تبلیغاتي ۴۰۵۶ ميليون رياز افزوده شده . با اين حال مقامات دولت مدعى رعایت صرفه جوئي در بودجه ۱۳۵۵ هستند .

۱ - بودجه کل کشور "اطلاعات" ، ۱۴ بهمن ۱۳۵۴ - تذکر : نرخ برابري دلا روريال رخى كه در سه من ۱۳۵۳ از طرف بانک مرکزي معين شده ، يعنی ۱۶۵ رياز در رازه هر دلار مبناي محاسبه قرار گرفته است . رجوع شود به "گزارش ساليانه و ترازنامه ۱۳۵۳" بانک مرکزي ، صفحه ۵۸ "The Budget 1354" , Plan and Budget Organisation Part III , P.15-57-۲

"بودجه کل کشور" اطلاعات ، ۱۴ بهمن ۱۳۵۴ .

رژیم شاه از نظر تحمیل مبلغ کلان هزینه‌های تسليحاتی وزائد به بودجه ، بقول معروف همه رکورده را شکسته است . ایران ، کشوری با اقتصاد ضعیف و سطح نازل زندگی توده رحمتکش از نظر هزینه‌های تسليحاتی در جهان سرمایه داری پس از امریکا در ریف کشورهای نظریانگلستان فرانسه و آلمان غربی قرار دارد شده است . هم اکنون در همچیک ارکشورهای اعضاء پیمانهای نظامی ناتو و سنتوچزا مریکا مبلغ هزینه‌های نظامی به پایه هزینه‌های نظامی رژیم در کشورها ایران نمیرسد . مادیکه موضوع افزایش هزینه‌های نظامی و چند هزار برآمدن آنرا طی مدت بسیار کوتاه چند ساله اخیر روزنمیگیریم . در این زمینه هیچ دولتی به پای دولتشنا منعیرسد .

تحمیل هزینه‌های بسیار سنگین تسليحاتی و افراط و تغیریت‌های فقرآورد بودجه ایران تحت هیچ عنوانی قابل توجیه و تبرئه نیست . بعکس هم جریانات جهانی ، پیشرفت روزافزون روند تشنج زدائی و توفیق سیاست همیزیست مسالمت‌آمیزوتام امنیت جمعی که پس از اروپا بر قاره‌های دیگرتری می‌باشد ، وهم ضرورت رشد اقتصادی - اجتماعی به منظور پایان دادن به فروع عقب ماندگی در ایران طلب میکند به این وضع پایان داده شود . تعایل افکار عمومی در این جهت است و مقامات سرشناخته سران رژیم قادر نخواهد بود مردم ایران را ایرسیاست مرگی‌گار تسليحاتی و تضییقات پلیسی وضد خلقی باقی نگاه دارد .

کاهش چشمگیر اعتبارات تولیدی و عمرانی - در بودجه ۱۳۵۵ مانند بودجه ۱۳۵۴ ارقام هزینه‌ها جاکه مربوط به تامین خواسته‌ای عمومی مانند توجه به توسعه تولید داخلی اعم از صنعتی و کشاورزی، پیشرفت آموزش و پرورش و بهداشت و بهبود معیشت عمومی است ، در سطح نازل باقی نگاه داشته شده است .

پیدا ایش و پرور علام آشکار حران در کشاورزی که به کاهش تولید ، نایابی و گرانی ماحتاج عمومی انجامیده مستلزم تجدید نظر و تغییر چند در روسیاست کشاورزی رژیم است . دولتی می‌باشد سیاستواره ساختن محصولات کشاورزی از خارج ، بویژه ایام ریکا پایان میدارد ، موجبات شویوق تولید کنندگان داخلی و خرید محصولات کشاورزی با قیمت‌های عادلانه و ثابت را فراهم می‌آورد و بویژه تقویت شرکت‌های تعاونی و رستaurان وارتقاء آنها به سطح تعاونیهاست تولید را که بهبود زندگی اکثریت سکنه روستاهای آن بستگی دارد در مرکزی سیاست و فعالیت خود در کشاورزی قرار میدارد .

آنچه در بودجه ۱۳۵۵ دیده میشود اینست که خریدهای سنگین محصولات کشاورزی از خارج بویژه ایام ریکا همچنان ادامه خواهد یافت . در روسیاست کشاورزی تغییری روی نخواهد دارد . در بودجه ۱۳۵۵ خرید ۱۳۵ میلیون تن گندم ، صدها هزار تن برنج ، شکر ، گوشت کره و پنیر از خارج در نظر گرفته شده که عمدتاً آن ایام ریکا خرید اری خواهد شد . خرید وعرضه این کالاها متضمن تنها پرداخت ۷۰ میلیارد ریال مابه التفاوت قیمت است که کلیه آن بحساب بودجه پرداخت میگردد ( ۱ ) . حق اختصاص یک سوم از این مبلغ به خرید محصولات داخلی کشاورزی با قیمت‌های مناسب ، چنانکه "اطلاعات" تایید میکند ، میتوانست به تغییر محسوس در روضع کشاورزی و کشاورزان بیانجامد ( ۲ ) .

۱ - "اطلاعات" ۲۱ بهمن ۱۳۵۴

۲ - "اطلاعات" ۱۷ اسفند ۱۳۵۴

با اینحال جالب است که در بودجه ۱۳۵۵ مبلغ ۱۳ میلیارد ریال از اعتبارات کشاورزی نسبت به سال قبل کاسته شده.

در زمینه اعتبارات صنعتی و معدنی بودجه ۱۳۵۵ فقیرتر از بودجه ۱۳۵۴ است. در بودجه ۱۳۵۴ مبلغ ۱۱ میلیارد ریال برای بخش صنایع و معادن در نظر گرفته شده بود. اعتبارات صنعتی و معدنی بودجه ۱۳۵۵ مبلغ ۱۰۵ میلیارد ریال برآورده شده (۱). کسراعتبارات صنعتی و معدنی در شرایطی صورت گرفته که ضرورت رشد این بخش از اقتصاد ملی ایران سرمایه گذاریهای بیشتری را طلب میکند و سال بسال ارقام بزرگتری از بودجه باید به آن اختصاص یابد. در بودجه ای که از اعتبارات صنعتی و کشاورزی آن کاسته شده تا باضلاع گودال کسریو جه پر شود، یک قلم ۲۱ میلیارد ریال اعتباربرای "سازمان انرژی ایران" در نظر گرفته شده است (۲). کاملا مشهود است که اختصاص چنین اعتبار عظیمی در مدت یک سال، نه برای تامین پیشرفت واقعی صنایع انتی واستفاده مصالحت آمیز آن در ایران، بلکه برای استرداد رأس نفت به انحصار امیرالیستی وايجار تعهدات بيشتر ربراورد و غریب به بودجه کشور ماتحتمیل شده است.

در آموزش و پيهداشت نيز بودجه ۱۳۵۵ از تغيير محسوس و مطلوب مردم برخورد ارنیست. مقامات دولت مدعا هستند که گوياي ربورج ۱۳۵۵ برای آموزش و پرورش اولويت خاص قائل بوده اند. لیکن آنچه در بودجه ۱۳۵۵ به اعتبارات آموزشي افزوده شده به بهيجوجه پاسخگوئي نيازهاي موجود ننيست.

هم اکنون ۳ ميليون کودک و اجب التعليم سنين دبستانی از اماكن تحصيل محرومند، ۴۴٪ اطفال روستاها و سيلمه آموزش ندارند، تعداد دانش آموزان مدارس حرفه اي و دبیرستانها و انشجويها دانشگاه ههار ر مقايسه با تعداد مقاضيان و دا طبلان بسياراند ک است. کار رآموزگار و بيمار پاسخگوئي نيازمند يهای آموزش نيميت و بالاخره قسمت مهم از ساختمانهاي موجود مدارس ياكهنه و فرسوده است ويا اصولا برای اينکار ساخته نشه. وزير آموزش و پرورش رسما علام داشته است که "در برازرسی که بعمل آمد ۶۵ درصد از بنيه موجود مدارس که مورد استفاده است برحسب ظاهر نيز خطرناك تشخيص داده شده" (۳).

رفع همه اين نابسامانيها مستلزم افزایش بيش از پيش بودجه هاي آموزشی است. آنچه به پور جه ۱۳۵۵ آموزش و پرورش اضافه شده، طبق اعتراف نمایندگان مجلسين شوري و سنا، در مقايسه با تنگها رقم ناچيزی است" (۴).

طی بيش از ده هفته گذشته نهتهدار را رآموزش و پرورش، بلکه در امر پيهداشت و مسكن نيز خواست جامعه ايران برآورده نشه. در آن زمينه ها مانند همه زمينه هاي معيشت عمومي مشكلات بسيار طاقت فرسا عظيعي را منغير سکنه روستائي و شهری است.

در پيام اشرف بمناسبت روز پرستار اعتراف ميشود که در سراسر روستاهای مملکت فقط ۱۵۰ هزار دار و کمود کار رپزشك متاجواز ۲ هزار نفر است (۵). طبق آمار تعداد رپزشكان کشورتها در هزار نفرند و تعداد آن خدمه پزشكی که باید متاجواز ۱۵ هزار نفر باشد به ۱۵ هزار نفر هم نعيرسد.

۱ - "اطلاعات" ، ۱۳۵۴ بهمن .

۲ - "بودجه کل کشور" ، ۱۳۵۴ بهمن .

۳ - "اطلاعات" ، ۱۳۵۴ اسفند .

۴ - "اطلاعات" ، ۱۳۵۴ اسفند .

۵ - "اطلاعات" ، ۱۳۵۴ اسفند .

مسکن در شرایط کنوی بیویه برای طبقات زحمتکش و دارای درآمد ثابت به مشکل عظیم اجتنماً بدل شده . سران رژیم نه فقط به خواست عمومی ملی کردن ساختمان و مسکن پا سخ مشتبه نمید هند بلکه تصمیمات آنها رجھتی است که به تقویت مالکیت خصوصی و غنوف بپیشتر سرمایه های امریکا بستگی د رضنا بع نویا می شین ساختمان و مسکن میانجامد . تصمیم استعفای د ریور جه ۳۵۵ در زمینه مسکن بفارت دسترنج زحمتکشان از راه پرداخت اجا ره بهای سنگین بازهم می افزاید .

ریشه این نابسامانیها ربطن رژیم نهفته است که بجای افزون بجهزینه های آموزشی بهداشتی و تامین مسکن درآمد های کشور را در راه افزایش سراسما آورده زینه های تسليحاتی ، پلیس و نظاير آنها بهداشتی رمید هد . این میاست خد خلق د رجد ول شماره ۳ ، که در آن از افزایش هزینه های آموزشی و بهداشتی از یک طرف و هزینه های پلیس و تبلیغاتی بود جه در آن ۲۳ سال گذشته مقایسه بعمل آمد ، بوضوح تمام منعکس است (۱) .

جدول شماره ۲ ( میلیون ریال )

بود جه راد پووتولویزیون	بود جه سری نخست وزیری ( سازمان امنیت )	بود جه بهداشت	بود جه آموزش و پرورش	افزایش چند برابر	۱۳۶۴۲	۱۳۶۴۲	۱۳۵۰
۸۹۷	۱۵۲	۶۶	۱۴۳۳	۹۵	۱۳۵۹۱۰	۲۳۰۳۷	۵۳
۱۰۶۶	۶۶	۴۲۹۵	۲۳۹۸	۱۰۶۶	۶۳۹۸	۲۳۹۷	۹۵
بود جه راد پووتولویزیون	بود جه سری نخست وزیری ( سازمان امنیت )	بود جه بهداشت	بود جه آموزش و پرورش	افزایش چند برابر	۱۳۶۴۲	۱۳۶۴۲	۱۳۵۰

چنانکه از جد ول دید ممیشود ، طی سالهای پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۲۲ اتاکون ارقام هزینه های آموزشی و بهداشتی به ترتیب ۹۵ و ۵۳ بار افزایش یافته است . حال آنکه رقہ زینیه های تسليحاتی و پلیس رژیم به ترتیب ۸۹۷ و ۱۰۶۶ برابر شده است . ارقام این جدول منعکس کننده تغییرات بود جه در رهبری مینه های دیگراست . طی سالهای پس از تسلط رژیم کودتای را ایران هزینه های تسليحاتی ، پلیس ، درباری و نظاير آنها صد ها و پلکه بیش از هزار برابر افزایش یافته اند ، حال آنکه افزایش هزینه های صنعتی ، کشاورزی ، آموزشی و بهداشتی و مانند آنها بین ده و صد برابر در نوسان بوده است . تناقضات در رگرهای اقتصادی ، اجتماعی و طبقاتی که رفته رفته حار ترمیشود نتیجه قهری چنین جریانی است . بود جه ۱۳۵۵ در جهت شدید این تناقضات سیر میکند .

از پیزگیهای بود جه ۱۳۵۵ تحمیل هزینه های زائد و تشریفاتی تازه به بود جه است . درگذ هزینه های تحت عنوان هزینه ایجاد حزب و پیاسازمانهای فرمایشی در بود جه مشاهد همیشده . در بود جه ۱۳۵۵ اقلام هزینه های مانند ۲۱۴۹ میلیون ریال هزینه های حزب رستاخیز ، بیش از دو میلیارد ریال هزینه برگزاری جشن های پنجا ه سالگی ۷۵۷ میلیون ریال هزینه سازمان زنان ، ۴۳ میلیون ریال هزینه سازمان جشن و هنر ، ۲۰ میلیون ریال هزینه ایجاد کرسیهای امریکا شناسی و نظاير این اقلام دید ممیشود (۲) . در حالیکه کسر بود جه وجود دارد ، میلیارد هاریا ل ارقام بود جه به چنین هزینه های اختصاص داده شده است .

- ۱ - "بود جه کل کشور " با ختام روز " ۱۱ خرداد ۱۳۲۲ ، "اطلاعات " ۱۴ بهمن ۱۳۵۴ .
- ۲ - "بود جه کل کشور " "اطلاعات " ۱۴ بهمن ۱۳۵۴ .

هزینه نگاهداری دستگاه متمرد دولتی بانیم میلیون نفر کارمند پس از هزینه های تسلیحاتی و پلیسی رژیم سالهاست بعنوان باریگران برپود جه کشور سنگینی میکند . اکنون دیگر رصفات مطبوعات زیرسا نسوز نیز میخواهیم که " تعداد نیم میلیون نفر کارمند در اقتصاد نویا کشور نه هنگفت بازسنگینی روی دش بود جه است . . . بلکه وسائل مالی بود جه رامد و دکر ها مکانت سرمایه گذاری بیشتر را گرفته است " (۱) . با اینحال برپود جه ۱۳۵۰ نیز مبالغه هنگفت دیگری به تامین هزینه های اداری دستگاه متمرد دولتی اختصاص دارد شده .

سنگینی باره زینه های تسلیحاتی ، پلیسی ، اداری ، تشریفاتی وزائد دولتی و درباری در نتیجه نهائی بدش کارگران ، دهقانان ، پیشهوران و دیگر حمکشان کشور میافتد . اینان نه فقط ازد آمد نفت نصیبی ندارند ، بلکه اکنون احتیاج روزمره شان در حد و بارگزاشتن بقول معروف " یک دیزی " همتا مینمیشود . زیرا بفرض داشتن پول ، سبب زمینی و پیاز آن را پیدا نمیکند و باشد باگشت بخ زده استرالیائی و نان ناطبعی که از گندم امریکائی پخته میشود سد جوع نمایند . رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک چنان اختلالی در معیشت عمومی بوجود آورده که حتی مجله درباری " خواندنیها " نیز اعتراف میکند برای تمهیه یکناها را ایرانی باید آنرا بابرنج امریکائی ، گوشست استرالیائی ، کره هلندی و پیازهندی مونتاژ نمود (۲) .

بود جه ۱۳۵۵ آئینه تمام نمای فعالیت رژیم ضد ملی و ضد خلقی در جمهت زیر پا گذاشتن منافع توده های زحمکش واقعاً رملی و میهن پرست جامعه است . اجراء تمهیات رژیم در ریابر دول امپریالیستی و خواستهای دیرارخود کامه دراین بود جه انعکاس کامل دارد . طبیعی است که از طرح و اجرای چنین بود جه ای جزیره بار دادن شروت و درآمد ملی ، ابقاء کشور رمحومیت ارزش ر سریع اقتصادی و اجتماعی ، تشدید استثمار زحمکشان ، فقر مردم و اختلال معیشت عمومی نتیجه دیگری حاصل نخواهد گشت .

**بود جه ۱۳۵۵ و محیط اجتماعی - سیاسی** طرح بود جه ۱۳۵۵ موجب طرح یک سلسه مسائل اجتماعی و سیاسی ، حتی از جانب نهایندگان مجلسین و مخالفین و مخالفین بنای انتگریه های مختلف گردید . این پهلوی دیده بیانگر پیدا یاش برخی تفاوت هادر محیط سیاسی - اجتماعی جامعه بزیان رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک است .

قبل از همه دولت چنانکه وعده داده بود نتوانست بود جه ۱۳۵۵ را در رهبرماه و حتی مانند بود جه ۱۳۵۴ در آذرماه ۱۳۵۳ تنظیم و با تقدیم به مجلسین از مراجع قانونی بگذراند . بود جه ۱۳۵۵ در ۱۴ بهمن تقدیم مجلس شوری شد و شناخته ۲۱ اسفند به تصویب نهائی رسید . آنچه در کار طرح و پرسی بود جه ۱۳۵۵ جلد نظر میکند نام نویسی تعداد کشیری از نهایندگان برای صحبت در اطراف کلیات لا یحده بود جه بود . چنانکه روزنامه ها خبر دادند ۸۳ نفر از نهایندگان مجلس شوری برای صحبت در کلیات لا یحده بود جه اس نوشتند و ۲۲ نفر از آنها با خوابیدن در مجلس نویت گرفتند . " اطلاعات " در بیانورد ، خاطرنشان ساخت کنام نویسی چنین تعدادی از نهایندگان برای صحبت در اطراف کلیات لا یحده بود جه در " طول ادوار مشروطیت سابقه نداشته است " (۳) .

- 
- ۱ - " اطلاعات " ۶ اسفند ۱۳۵۴ .
  - ۲ - " خواندنیها " ۲۳ آذر ۱۳۵۴ .
  - ۳ - " اطلاعات " ۲۶ بهمن ۱۳۵۴ .

البته دولت با استفاده از سلط کامل خود بر مجلسین که اعضاً آن از فریالهای متعدد در زمین گذشته اند، مانع از آن شد که همه کسانی که اسنونشته بودند از حق قانونی خود استفاده و اظهار نظر کنند. با اینحال چنانکه روزنامه‌ها خبردار اند . ۰ نفرا زمانی‌پندگان شوری به صحبت در اطراف لا یحه بود جه پرداختند ، که ۱۸ نفراتان راناییندگانی تشکیل میدارند که بتارگی و در جریان انتخابات باصطلاح "رستاخیز" "مجلس آمده اند (۱) . در جریان مذکوره لا یحه بود جه د رسانایزه‌هیمن وضع مشاهده شد .

نمایندگان شوری و منار رصیحت خود البته مسایق اصولی رامطروح نساختند . در حقیقت آنها فاقد جراحت‌واختی برای طرح این مسائل هستند . با اینحال "اطلاعات" ۹۵ برایه نطق نمایندگان خاطرنشان ساخت که آنها "لحن تند و انتقاد آمیز" داشتند . . . واژه‌نکه روزنامه‌ها همه سخنان آنرا منعکس نکردند تاری د هندگان متوجه‌تمام سخنان آنها شوند ، گله داشتند و حتی پشت‌تریبون بنحوی روزنامه‌ها مرور انتقاد قراردادند (۲) . دریاسخ همین نمایندگان است که "اطلاعات" نوشت : "آنها با مشکلات روزنامه‌ها آشنا هستند و میدانند که روزنامه‌هار است باز ندارند" (۳) یعنی اینکه شمشیرسازمان امنیت رژیم روی سر هردو ، هم نمایندگان مجلسین و هم مطبوعات‌آخته است . بهر حال بنوشه طبعات داخلی "طرح بود جه کشور فرصتی بود برای جمعی از نمایندگان تاذکرات بد هند" (۴) .

بررسی نطق معدودی از نمایندگان شوری و مناره "قیچی کایتمد اکرات" شامل حال آنان نگردید و تواستند از تریبون مجلسین استفاده کنند نشان میدهد که اظهارات آنان از مرحله تذکر فرازرتقه و عمل برخی جهات سیاست دولت را تحت علامت مسئول قرارداده است . از نطق این نمایندگان که ماده برخی از آنها اشاره میکنیم دید میشود که روزنامه‌ها طرح لا یحه بود جه ۱۳۵۵ از زبان "دست چین شدگان" خود رژیم بهنا سامانی د رامورملکت اعتراف شده است . اولین نماینده ای که در کلیات لا یحه بود جه صحبت نموده اعتراف میکند که "فسار دستگاه های اداری و سازمانی مملکت به هیچوجه قابل تحمل" نیست (۵) . دوین و سومین سخنران میگویند که "بود جه با توجه به نیازهای هر منطقه تنظیم نشد" ، "در فرضی کوتاه د رکمیسیون بود جه مورد رسیدگی قرارگرفته و در فرضی کوتاه د رجلسه علنی بررسی میشود" . . . "مطبوعات باید بعنوان رکن چهارم مشروطیت وارد عمل شوند . . . و در کارهای مملکتی بعنوان یک چشم‌مراقب عمل کنند" . "باید قانون تعليمات اجباری اجرای شود . . . بچه‌امد رسه‌قول نمیکند ولی پدریزگ راه‌کلاس مبارزه با بیسوادی میبرند . تعليمات مجازی د رعمرض خطراست" (۶) .

مختران د یگر مجلس در نطق خود با اشاره به فلاکتی که سیاست‌کشاورزی بیاراورد مجنن میگوید : "چرا باغ رازیجانی که انگور را بیاراورد تهران میرساند عایدی که نبردی پول صندوق جای انگور را مضری میشود ؟ زر آلوچه را روی درخت باید بماند ؟ شاید فکر کنید مزد کارگر زیاد است . ابد ا ، مزد کارگر زیاد نیست ، بلکه کم هست . عدم حمایت از محصول این پیشرآمد را برای با غذا بینا راورد . شاید هم این خود برای فرار باغدار را زروستبه شهر . . . ورفت د نیال سرنوشت غیر معلوم د رشهرها باشد" (۷) . نماینده د یگری د رهمین زمینه میگوید : "باید سیاست‌کشاورزی مبتنی بر این باشد

- ۱ - "اطلاعات" ۲ اسفند ۱۳۵۴ . ۵ - "اطلاعات" ۲۸ بهمن ۱۳۵۴ .
- ۲ - همانجا .
- ۳ - همانجا .
- ۴ - "اطلاعات" ۱۹ بهمن ۱۳۵۴ .

که هرچه ممکن است سطح کشت وزیر ارام رمعلکت بیشتر شود . . . تا هم تغذیه اساسی مردم مملکت تامین باشد وهم از مملکت صرف مواد مصرفی روزانه نشود . چراکنون هم گندم وهم گوشت وهم گوسفند ارخاخ خریداری ووارد میکیم ” ( ۱ ) .

سخنران دیگری در مجلس با اشاره به سیاست عمومی رژیم و عدم تناسب معقول بود جه بـا در آمد ملی متذکر میشود که "نسبت بور جه به درآمد ملی و تولید ناخالص ملی" بسیار زیاد است، و این وضع "مسئله" بوجود میآورد (۲) . در زمینه اختلال اوضاع بنادر رهواردات بسیار قبه نعاینده دیگری خاطرنشان میسازد "یکی از تزئونهای اعدام هما هنگی اینست که قبل از آنکه قدرت کشـش وجود بـنادر رمحاسبه شـد باشد و قبل از آنکه سیستم حمل و نقل بررسی گردـد و به تجهیزات کافـی بپردازـد، قبل از آنکه سیستم توزیع مورـد مدـاـه قرار گیرـد قرارداد بـسته شـد، کـالـا هـا وارد بـندـیـگـردـید و سروشـا رـزـیرـدـ اـختـیـم " (۳) .

نماینده دیگری رنطق خود را کلیات لا په بود جه "احترام و رعایت حقوق حقه و قانونی مردم از طرف رستگارهای اجرایی" را بدولت خاطرنشان ساخت و خواستار آن شد که "بود جه" پیشنهادی د ولت واعتباراتی که در آن مندرج است بطور دقیق مورد بررسی نمایندگان مجلس فرازگیرد" (۴) .

در سنا نیز لا یحده بود جه د رکلایت و اصول عمد آن مورد استفاده قرار گرفت . یکی از سنا توره ادار نطق خود گفت : " با یاد به مساعی مختلف ارقبیل تشویق و حمایت اصنایع داخلی توجه داشت " ، ماد مرحله عموری " به حفظ قسمه ای از کشاورزی سنتی و حمایت از محصولات کشاورزی داخلی احتیاج داریم " (۵) . سنا تورد یکری متن کرد " باید از قابتها های خارجی و ورود کالا هایی با قیمت مناسب از خارج که موجب سست شدن پایه های اعتماد بخش خصوصی در سرمایه گذاری هست قویا جلوگیری کرد " و " به پیشرفت سیاست صنعتی کردن کشور کم " نمود (۶) . بالاخره سنا تور د یکری به نهان بحث درباره لا یحده بود جه ای اهارد اشت که " ایران در شرایط کوتی از چنان قدرت و توانائی فنی و مالی وین المثل برخوردار است که ... میتواند نفت خود را سوابد و رخالت شرکتهای کنسرویوم صادر کرده و به بازارهای دور دست جهانی، پرساند " (۷) .

چنانکه می‌بینیم در سنا هم لا یقه بود جه علا در کلیات و اصول عده آن ( البته فقط در زمینه های اقتصادی - اجتماعی، زیرا عایندگان مجالس درست نشاند هنوز جرات آن را بیافتند اند که از مسائل اساسی یعنی سیاست‌مرگی‌تر مصلحاتی و پلیسی رژیم انتقاد بعمل آورند ) مورد انتقاد قرار گرفته است. این تحویل برخوردن نمایندگان بالا یقه بود جه بیانگران‌کاران عدم رضایت در پیشین در قشرهای بالا و ارگان‌های است که جزء رژیم و مد فاعل آند. این تفاوت از دید مطبوعات زیرسانسور نیزینهان نمانده است. مخبر "اطلاعات" مینویسد: "یک بررسی ارسخنان ۲۲ ناطق‌نشان میدهد که . . . نطبقاً همه شبهیه نطقه‌ای قبل از استوریو" (۸). "برخلاف سالهای قبل صحبت در اطراف ارقام واحد از وضوی و هدف بود جه کمیود، ببستری پیراون . . . مسائل عمومی مملکت سخن رفت" (۹).

- ۱ - "اطلاعات" ۲ اسفند ۱۳۵۴

۲ - همانجا.

۳ - همانجا.

۴ - همانجا.

۵ - "اطلاعات" ۱۸ اسفند ۱۳۵۴

۶ - "اطلاعات" ۱۸ اسفند ۱۳۵۴

۷ - همانجا.

۸ - "اطلاعات" ۲۹ بهمن ۱۳۵۴

۹ - "اطلاعات" ۱۳۵۴

اما جالب تر از آنچه بدان اشاره کرد یعنیکه ، در بحث لا یقه بود جه ۱۳۵۵ مسائلی بعیان کشیده شد که کاملاً جنبه سیاسی داشته و مستقیماً اختیارات شاه و دیرارامورده حمله قرار میدهد . پیشنهار اینکه "حزب رانتخاب وزراء رخالت را شته باشد" وکلیه رآمد نفت به امور دولتی و عمرانی اختصاص یابد و در حقیقت بود جه بدون رآمد نفت تنظیم گرد را زجمله چنین مسائلی هستند .

البته هوید ان خست وزیریه این پیشنهارهای بقول او "اعجاب آور" واين امرکه نمایند گان جراتکردند در مجلس "از لزوم بود جه بدون نفت سخن بعیان آورند" و پیشنهار کردند که "حزب رانتخاب وزراء رخالت را شته باشد" بسیار خشن و با تکیه به ضرورت تعویت و تکیه بیشتر بر دیکتاتوری فردی پاسخ داد . در پاسخ به تذکرات نمایندگان هوید افکت : "بهیچ روی ما نمیتوانیم شریکی برای رهبری جامعه خود به صورت و شکلی که تصور شود بپذیریم، فرماند هی درعالی ترین مفهوم آن همانند استقلال و آزادی ایران تقسیم ناپذیر پرسش ناپذیر است . آنانکه این مفهوم را در رک نمیکنند . . . حاصلی جز خرد شدن کامل نخواهند داشت" (۱) .

اینکه هوید از ریاست به تذکرات نمایندگان به حریه تهدید متول شده ویک خواست قانونی را بامبتدلاً تی نظریار اینکه گویا مفهوم دیکتاتوری فردی همانند استقلال و آزادی ایران امری تقسیم ناپذیر پرسش ناپذیر است "پاسخ گفته برای خوانده کاملاً معلوم است و احتیاج به توضیح و تفسیر ندارد . لیکن شاید از زم باشد این نکته روشن گردید که وقتی در اواجه دیکتاتوری واست داد و آنچه باه قول معروف "بالاتر از سیاستی هی رنگی نیست" "لیوو ریزد" وغیره مستقیم مسئله اختیارات مطلقه شاه مطرح میشود ، آنچه بگری با تهدید نمیتوان جلوی یک روند ناگیربرابری مدتی طولاً تی گرفت . کشیده شدن مذاکرات لا یقه بود جه به طرح مسائلی کیا در کرد یم معرف شکل گرفتن تدریجی محیط سیاسی جدیدی است و این خود از اهم نتایجی است کما زیررس بود جه ۱۳۵۵ و محيط اجتماعی آن میتوان بدست آورد .

بحث در ریاه طرح بود جه ۱۳۵۵ در رخراج از مجلسین با انتقاد شدید ترمطبوعت زیرسانسور واعتراضات نسبتاً جدی مخالف روش فنگری کشور بویژه استاید . انشاها همراه بود . در صفحات مطبوعات سیاستکلی بود جه سازمان برنامه به انتقاد گرفته شد و مقالات بسیاری در انتقاد از بودجه در جهات گوناگون درج گردید . این نوشته هار مقایسه با در وران مشابه ، یعنی هنگام طرح لا یقه بود جه ۱۳۵۴ در یکسال و نیم پیش ، لحن شدید تر رانشان میدهد . البته درج نوشته های انتشار این نوشته ها بدین معنی است که از جلوگیری ازانعکاس عدم رضایتمند در صفحات مطبوعات زیرسانسور با اشکال بیشتری مواجه است .

بود جه ۱۳۵۵ در شرایط شدید آشکارا تضاد ها و تناقضات بین رژیم خود کامه و نیروهای خلق ازیک طرف ، جناحهای هیئت حاکمه و مخالف گوناگون امپریالیستی در میان خود ، از جانب دیگر مطرح گردید . بهمین جهت مادر جریان طرح و تصویب بود جه شاهد اعتراضات ، در گیریها و پروزتناقضات واختلافات درجهات گوناگون بود یم .

از یکسو برای زعدم رضایت عمومی از گرانی ، سطح نازل دستمزد ها ، سختی شرافط مسکن ، کمبود و نایابی ارزاق عمومی ، رکور تولید داخلی بویژه در کشاورزی بصورت نگرانیهای همگانی ، اعتراضات کارگری و شکایات قاطبه کشاورزان ، پیشموران و حتی مخالف کارفرمایی تجلی داشت . ازوی دیگر

اخبار پژوهش‌های وسیع سازمانهای امنیتی و حملات سبعانه ترآنها که به کشتارهای جمعی و صد ور بی‌دریب احکام اعدام در هفتاد آخرسال گذشت و اجرای آنها انجامید جلیت‌وجهمینه موده است همزمان طرح بودجه در مجلسین ما همچنین شاهد بروز اختلافات و تناقضات آشکار و مقاما بالائی درستگاههای دولتی وارتشی بودیم . افشاء در زدیها و اختلالات عظیم و بیسابقه ورسائی های بی‌دریب مقامات عالیه دولتی وارتشی از حوارث فراوان ما همای آخرسال گذشته بود .

شکستی که افشاء این دزدیها و اختلالات به دربار و ولت وارد کرد تابدان درجه بود که شاهه مجبور شد فرمانت هی نیروی درباری را از کاربرکار کند و هویداد رجریان طرح بودجه در مجلس نیا گزیره‌تر تمیم و تغییر رکابینه گردید . از این تغییر که البته درسیاست رژیم هیچ‌گونه تاثیری ندارد، روزنامه‌ها بعنوان "زلزله در کابینه" یاد نمودند و متذکر شدند که در طول چهارماه‌نیم کابینه سه باره چارزیزله شده است ( ۱ ) .

طرح بودجه ۱۳۵۵ در مجلس مقارن بود با افشاء اختلال کنسرسیوم در صنعت نفت ایران . این بار خود دولت ایران نظره‌نیازمندیها می‌بردند مالی بجنین "افشاگری" مبارزه‌ورزید، که گفتم چه نمیتواند نشانه حسن نیت آن دراستیفای حقوق ملی در نفت باشد، لیکن مسلماعلامت بروز اختلا بین غارتگران امپریالیستی نفت و رژیم درست‌نشاند آنها در رکشوار ماست .

از آنجه گفته شد نمیتوان چنین نتیجه گرفت که رژیم در کار اراده سیاست ضد ملی و ضد مرکزی خود، منجمله تحمیل بودجه های تسليحاتی توریعی، و رشکست کنند و قفر آور بحران عدم توانائی مواجه شد و بی‌باب مخالفتی جدی و شکل یافته روبروست . بیان حیطه سیاسی که بهان اشاره شد تنباهه این معنی است، که اولاً اراده سیاستهای ضد ملی و ضد خلق رژیم که در بود جمهوری منعکس است با مقاومت جدی پیروگسترده ترنیروها خلق مواجه گردیده، و ثانیاً مقاومت در برابر این بد رجه ای رسیده که بروزا خلاف و تشتبه در حل مسائل ملکیت در برابر و رجناحهای طبقه‌حاکمه راجح بشد است .

**هنر مندان ! میدان خدمت به خلق و آرمانهاش در  
گستره هنر وسیع و تأثیر آن در جانها شگرف است . با  
سخن و تصویر و نغمه، دیو استبداد و استعمار را بکو بیدا**

# قصه پر غصه زندگی کودکان ما

## بدفاع از کودکان خود برخیزیم!

زندگی کودکان ما، پریشان و بی سروسامان است. نسلی که با زسازنده ای میهند ماست، گاه قبل از آنکه دست نوازشگری او را دریناه گیرد، مرگ اوراد رکا همیکشد و راکشیت خود با فقر و بیسواری و بیماری روپرداخت. علیرغم رعایت رژیم و رعورت بهداشت رایگان، نرخ مرگ و میرکود کان بالاست. آمارهای دولتی که به یقین لعاب تبلیغات بر رخسار ارزند، میزان مرگ و میرنوزادان را در روز استاده که اکثریت جمعیت کشور را ریزمه میگیرد، ۱۷۶ در هزار میگوید. این خود رقم بزرگی است، اما رقم واقعی از اینهم بیشتر است، زیرا در روز استاده ای ایران که از پیشکش و ماده اروپنده رتبخربی هست، هر بیماری ساره ای منجر بمرگ کودکان میشود. در شرایطی که بطوط و متوسط برای هر ۱۰۰۰۰ نفر سه پزشک و ۱۲ تخت بیمارستان ویرای هر ۲۰۰۰۰ نفریک رند از پیشکش وجود دارد کدام اتهام بطور عمده در تهران متصرکراست و در سترس خانوارهای همانی است که در استشان به رهانشان میرسد، امری بدینه است که میلیونها کودک شهری و روستائی از طبیب و درمان محروم بوده و یک قرص مسکن در درسترس نداشته باشند. زندگی این کودکان معصوم را با زندگی سگهای در باریان و اطراف افغانستان مقایسه کنید تا مفهمو "عدالت اجتماعی"! علیحضرت رسول شود. روزنامه اطلاعات زندگی "پاشا" یعنی سگی را که اخیراً رمسابقه زیبائی سگ در تهران جایزه اول را بود چنین توصیف میکند: "پاشا هر سه ماه یکبار توسط دامپزشک "چک آپ" میشود و هر هفته با شامپوی مخصوص شستشو میشود. پاشا چهار سال و نیمه است و غذای او گوشت بی استخوان آب پزاست" (اطلاعات - ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۵). امدادها هزار کودک محروم میهند ما از لحظه هستی تا ده مرگ رنگ. پزشک نمی بینند و رهبرها و روستاهای، چه بسا که یک سرمه خوردگی منجر بمرگ کودک میشود و سیاه سرفه و سرخک و مخلک زندگی کودکان را در رومیکند. هنوزیه بسیاری از روستاهای کشوریا ای طبیب رنسیده اما بلندگوهای تبلیغاتی رژیم شب رو زید روغ و رشیپورتا مین "بهداشت رایگان" میدند. بهداشت رایگان برای مردم تامین میشد اگر میلیارد ها را رد آمد نفت بجای آنکه بچاوهیل خرید اسلحه سرازیر شود، صرف ساختمان بیمارستان و درمانگاه میشد. شاه فقط در پیکمال ۴ میلیارد دلار اسلحه خریده، درحالیکه تنها بایک میلیون دلا رمیتوان یک بیمارستان مجهز ۵۰ تختخوابی و یا ۵۰ درمانگاه بنا نمود، با پول کلانی که صرف خرید سلاحهاست آتش را میشود میتوان از میان ۴۰ هزار دلیل ای که پشت درد انشگاهها مانده اند، کار را زمینه داشتی رابرای مردم تهیه نید.

نه شیرخوارگاه، نکودکستان از نظر رژیم تاسیس شیرخوارگاه کودکستان امری فرعی و تصادفی است. با آنکه قانون کاراژد همها سان پیش کار فرمایان را موظف ساخته در جوار هر واحد تولیدی که بیش از ۱ کارگر زن دارد، مهد کودک تاسیس کنند و کارگران در قطعنامه ششمین کنفرانس کار در

تهران ( خرداد ۱۳۵۴ ) تصویب نمودند که : " بخاطر حیاتکوک کان موسسات نگاهداری کورک باشد با سرمایه‌گذاری ویامشارکت دولت در جووار واحد های صنعتی و تولیدی ایجاد گردد " ، هم در لستوهمن کارفرمایان ازانجام این تعمید طفره رفته است . دللت بمثابه کارفرمایی د روسساتی که خود در رمالکیت دارد قانون کاررا اجرا میکند . مثلا در کارخانه دخانیات ۲۰۰ کارگر کارمیکنند که ۱۵ درصد آنان زن هستند . در مزارع کشت‌توتون شرکت دخانیات ۴ هزار د هقان و کارگر کشاورزی بکار مشغولند و تعداد کارگران فصلی در برخی از شهرستانهای ۲۵ نفر میرسد که هشت ماه از سال را برای شرکت کارمیکنند و سیاری ازانها زن هستند . اما دللت آنهم زیرنشار کارگران فقط یک مهد کودک در جووار کارخانه دخانیات در تهران تاسیس کرد که گنجایش ۵ کودک دارد و بقیه مدار ران زحمتکش را بحال خود رها ساخته است . مسئله استغفال ماران و فقدان موسسات نگاهداری کودک در شرایط کنونی چنان حاد است که باره‌احتی در مجلس فرمایشی طرح شده است . اخیرا یکی از نمایندگان زن مجلس گفت : " ... مادر بیرون گاهی یک جرم و گناه است ... چون خانمهای که بجه دارند ، طبق قوانین کارپايد کارگارگاهها مهد کودک برآشان فراهم کنند . اما د عمل بطریغیررسمی از استخدام اینگونه مادران جلوگیری میشود " .

آموزش قبیل ازد بستان برای ۲ میلیون کودک به روای میماند . هزینه نگاهداری کودکان در کودکستانهای چنان سراسما و روتعداد کودکستانهای آنقدر رکم است که فقط معدود دی ارکود کان خانوارهای مرغه میتوانند به کودکستان بروند . پدری به روزنامه اطلاعات مهیویسید : " سال گذشت هفقط ۵ هزار تومان بابت یک و عده غذای فرزند د رکود کستان غیرد ولتن پول گرفته است . اگر هزینه ایاب و دهاب وغیره راهم بگویم میترسم ازیاد آوری قضیه د و دلکله ام بدلند شود " ( اطلاعات ۱۵ تیر ۱۳۵۴ ) . اما وزیر آموزش و پرورش صریح میگوید : " ... در مرور کودکستان باید بگویم خارج از وظیفه قانونی ماست . ایجاد کودکستان مستلزم است که معاولا و بر محل ، مربی کودک شئته باشیم که خود تربیت‌نمیریں کودک ، مسئله ایست " ( اطلاعات ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۵ ) .

معلوم نیست اگر تاسیس کودکستان در حیطه وظایف وزارت آموزش و پرورش نیست ، پس برعهده کدام ارگان است . نتیجه چنین برخورد بی مسئولیتی به مسئله مهم آموزش قبیل ازد بستان کودکان آنست که در حال حاضر از د بیش از ۲ میلیون کودک در سنین ۳ تا ۵ سال فقط ۱۶۵ هزار کودک در سراسر کشور بد کودکستان میروند ( اطلاعات ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۵ ) و کودکان ۳۰۰۰۰۰ نفر زن شاغل که اکثریت آن جوان هستند و دارای کودک خرد سان سرگردانند . رژیم شاه ضممن استفاده بی رحمانه از نیروی کارفرمایی و جسمی کودکان ، حاضر بیهودگانه سرمایه‌گذاری برای تاسیس شکه شیرخوارگاهها و کودکستانها و سبک کردن بار مسئولیت زنان شاغل نیست .

سه میلیون کودک بیسوار بیش از ۴ سال است که خاندان پهلوی دم از مبارزه با بیسواری و اجراء قانون تعلیمات ابتدائی اجباری میزند ، اما بگفته مرکز آمار ایران هم اکنون ۱۴ میلیون نفر بیسوار داریم و در مناطق روستائی بیش از ۲۰ درصد کودکان امکان تحصیل ندارند . کمیته ملی مبارزه با بیسواری ضمن تایید این اقام اعتراض میکند که در حال حاضر ۳ میلیون کودک لازم التعلم هفت تا ۱۴ ساله در سراسر کشور بد رسمه نمیروند ( رستاخیز - ۲ دی ۱۳۵۴ ) این کودکان سرگردان د راکریت مطلق خود فرزندان کارگران و هقانان هستند که جای آنکه درس معلم بیاموزند ، برای کمک به خانوار مخوب بیا زوی کارتید بیل میشوند و هنوز لذت دنیای کودکی و بیخبری را نجشیده ، بدام استثمار می‌افتد .

وزیر آموزش و پرورش در توضیح علل بیسوار ماندن کودکان روستائی میگوید : " بیش از بیست هزار

روستا کمتر از ۲۰ نفر جمعیت دارد . برای این روستا ها تا حالا نتوانسته ایم کاری انجام دهیم یعنی زیر پوشش سپاهی را نیامده ۰ ۰ ۰ چون وقتی بخواهیم ۵ یا ۱ ۰ بجه را رتی بیک ده در رسیدهیم که حقیقیت همیزند از این ، حتی اطاق خرابه هم نیست نمیدانم چنان کارکریم ۰ اولاً کسی را ندیدهیم که حقیقیت همیزند از این ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۰ مسلمانه میلیون کودکی که بعد رسیده راهنماییته اند ، تنها متعلق به این ۲۰ هزار دهنه استند ، این کودکان در سراسر کشور پراکنده اند ، متعلق به خانوارهای زحمتکش اند و چون راهنمایی رسیده برا آنها بسته است ، باز رکار آنها را بدام استشماریا ندازد .

د شواریها آموزش کودکانی که بعد رسیده میرونند ، در هرگام با مشکلی روبرو هستند . بهتر است از کیفیت مدارس رهمنی پایتخت کشور شاهنشاهی صحبت کنیم و نه از روستا ها که اگر مد رسیده ای را شته باشند ، بیک ختخه سیاه و بیک قطعه همچنان در مکانی متحرک از جیاط مسجد تاضای بازد هنگ است . یک مهندس آبیاری از ساکنان محله سیروس تهران که ۴۰۰ هزار نفر جمعیت دارد به خبرنگار روزنامه حزب دلتی رستاخیز میگوید : " شما از " کبوتر " حرف میزنید ، حال آنکه مادا صلاحتی نداشیم " . سپس در ریا مدارس محله سیروس میگوید : " در این منطقه ، مدارسی که پاسخگوی نیاز فرهنگی بچه های شند وجود ندارد . مدارس محله عموماً نصفه روزه اند که مسلمانها سخنگوی نیازهای فرهنگی منطقه نیست " ( رستاخیز جوانان - ۲۳ خرداد ۱۳۵۰ ) . برگفته نازل تدریس ، بلبشوی کتاب های درسی ، مدارس مخصوص ، کلاس های هشتاد نفری ، فقدان وسائل ضروری نداشتند زمین بازی و ورزش ، دشواری ایابوز هاب وبالا تراز همه ، هزینه سنگین زندگی را باید افزود که برآست پشت خانوارهای کم درآمدی را که یک یار و کودک مد رسیده رود از دنی خمکرده است . از نظر رزیم هیچیک از اینها مهمنیست . مهم آنست که کودکان دستیانی کتاب " انقلاب مفید " شاه تدریس شود و کودکان بیاموزند که " انقلاب " آرایه های ایران را یک قرن به چلپرتا بکرده است ۱

کارکود کان آئین نامه دید اشتغال ، برروی کاغذ کارکود کان کمتر از ۱ سال رامضن کرد . است . اما در سراسر کشور کودکان شاغلی وجود دارد که سنشان حتی از زده سال کمتر است . این کودکان در رکارکش ، آبیاری ، دامداری ، علفزنسی ، هیزم چینی مشارکت دارند ، به شاگردی و پار وئی به رکاند اران سپرده میشوند ، بليط بخت آزمائی میفروشنند ، ماشین شوئی میکنند ، در کارخانه ها و کارگاه های بار ستمز ناچیز و ساعت کارنا حدود زیر فشار کار خممشوند . کارگاه های تاریک و نمود کارگاه های قالی بافی ، رقم درشت کارگران خرد سالی را بخود تخصیص داده اند ، که در عرض یک شکم نیمه سیر ، سلاحت و شارابی شان پای کارگاه های قالی مدفعون میشود . سال گذشته در رهمه پرمی از کارگاه های قالی بافی خراسان ، ۱۴ کارگاه حداقل سن کارگران را ۱۲ سال و پنکه کارگاه ۱۰ سال زکر کردند . حداقل سن کارگران قالیافی از این کمتر است و گاه به ۶-۵ سال میرسد . کارگران خرد سال در خیاطخانه ها ، کارگاه های پارچه بافی ، نخریسی ، پشم پاک کنس وغیره هزاره زار رید ترین شرایط بکار مشفولند و زیم چشم براین واقعیت هولناک بسته است .

پارک لام نیست شاید در شرایط فقر و میسواری و محرومیت وحشتناک میلیونها کودک خانوادهای زحمتکش ، صحبت از کتاب کودکان ، کتابخانه کودکان ، فیلم کودکان ، پارک ، زمین بازی و استخر شنای کودکان در نظر راول تجمل جلوه کند . ولی در نیای اینها تجمل نیست ، بلکه ابزار ضروری رشد فکری و جسمی کودکان است و در شرایط شخص میهن ما بیلیارد هارالا رد آمد نفت و شروتها را دستخورده زیرزمینی ، تامین همه اینها کاملاً میسر است . اما شاه که شرود مردم را برای خرید توب و تانک و انباشتن حسابهای بانکی خود لام دارد ریاست بخبرنگار مجله

"بیزنس ویک" که درباره کاهش درآمد نفت و تجدید نظر در برنامهای عمرانی از اسنواں میگیرد میگوید : " . . . اگریک پارک مرور نظریاً شد ، میتوانیم اجرای برنامه را به تاخیر اندازیم ، زیرا صدر ها سال بدون پارک زندگی کردۀ ایم " ( کیمان - ۲۸ آبان ۱۳۵۴ ) بایده این جناب گفت شما صد هاسال هم بدون اتومبیل و هلیکوپتر زندگی کرده بودید ، جه لزومنی دارد که اکنون حتی برای نقل مکان سگ و گربه درباره اتومبیل های آخرین سیستم هلیکوپتر استفاده میگنید . اگر بدنبال این منطق لنگ برویم ، بهتر است خاندان سلطنت پیاره هر چیز را بفرمایند که از لحاظ بهداشتی هم بهتر است . ولی البته چنین نخواهد شد . زیرا صرف نظر از عذر دیگر ترس از خشم مردم ، استفاده از اتومبیل راهم برایشان غیرممکن ساخته و کلیومترها بالای سرمردم با هلیکوپتر را میگنند .

آنچه که صحبت ازین زمینه اکوند ایرانی است ، شاهی که از مردم بیگانه است میگوید به پارک وزمین بازی احتیاج نیست ، ولی وقتی مسئله گذران پرتنعم درباران مفتخار مطرح است ، کود کان قد و نیم قد شاه و زاد ورود والا حضرتها ووا لاگرها ! هر کدام به کاخهای جم - ز به زمینهای فوتیال ، والبیال ، تئیس ، گلف ، اسب سواری و استخرشنا ، به بیلاق و قشلاق ، به استراحتگاهها ی زمستانی و تابستانی در بهترین مناطق اسکی جهان و دل انگیزترین سواحل کشور های اروپا و امریکای زمینه دارد . منطق غریبی است ۱

پدران و مادران بهتر از کاشت کرده اند که در مطبیلات تابستانی مد ارس ، کود کانشان سر گردانند و حوض آب و جرخ اتومبیل حیات آنها را تهدید میکند ، حتی یک زمین بازی و وزرش ویک قرائت خانه در منطقه مسکونی خود ندارند . کمیته تربیت بدنه حزب دلوتی اعتراف میکند که : "هر دانش آموز فقط ۲ سانتیمتر برای وزش دارد ، در حالیکه برای استادان لااقل به ۲۰ سانتیمتر زمین نیازمند است " . اما گوش رژیم شنواست . تازه این وضع وزش مد ارس است . در خارج از مردمه بندرت وسیله هنایی برای گذران اوقات فراغت کود کان وجود دارد . برای نمونه در سراسر ایران یزد باحد و دصد هزار کود و نوجوان فقط . یک کتابخانه ویژه کود کان تاسیس شده است .

**بدآموزی برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی** برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی برای خانوارهای که به آن دسترسی دارند ، سمت مهملک برای روح منزه و تاثیرگذار کود کان است . خبرنگار روزنامه کیمان درباره برنامه تلویزیونی کود کان مینویسد : " نسلی که متوسط سن اویزحمت به ده سال میرسد . . . ده سال دیگر که "نوبای" پاک امروز شما مزه های ۲۰ سالگی رالمس کند ، چه انتظاری از اخواهید داشت ، اگرایک حساب سرانگشتی دریابید که در این ده سال به برکت تلویزیون ، شاید بیش از ۱۱۵۰ باصطلاح فقره دزدی و آد مکشی و صد ها عمل غیر انسانی دیگر یید است " خبرنگار می‌فراید : " اگر قرار بود فیلمهای نامناسب و باصطلاح بدآموز از فهرست برنامه های ویژه کود کان و نوجوانان حذف کنیم ، آیا جز "کارتون" چیزی بر جای میماند " ( کیمان - یازدهم اردیبهشت ۱۳۵۵ ) .

کتاب کود کان - در میهن ما کتاب کودک در مسطح نمایش و تجمل است . بجز کتابهای که در اتحاد شوروی برای کودکان ایران ترجمه میشود ، بقیه کتابهای اگران و دراکتریت خود را از ایرانی نمایند ، زهن کود کان را در دنیای جن و پری نگاه میدارند و یگنده خبرنگار کیمان " از مقوله ادبیات کودک ( پرت ) هستند " . باید اضافه کنیم که تعداد کتابهای کودکان بسیار آن دکا است . در سال ۱۳۵۳ تنها ۲۳ جلد کتاب تازه مخصوص کودکان درستگانی باتیراژکم انتشار یافته ، در حالیکه ما هفت میلیون کودک ۷ تا ۱۴ ساله داریم . با این ترتیب تعجب آور نخواهد بود اگر علاوه به مطالعه در حد لازم نیست .

در تشریح زندگی تباکه کودکان میهن ما میتوان از نقاеч قانون مدنی و قانون حمایت خانواره

ود ورماندن هزاران کودک از آغوش مادر، از کودکانی که معلت ترور رژیم، پدران و مادران خود را ازدست دار ماند و یا بد ران و مادر رانشان در زندان و وزیر شکنجه اند، از کودکانی که در زندانها ی شاه از مادر ران تبرخورد و شکنجه دیده چشم بد نیا میگشایند و از کودکانیکه بد ران خود را در جنگ تجاوز کارانه ظفارود رتigure کات رائی رژیم شاه ره رمزهای کشور ازدست میمدد هند سخن نگفت.

اعلامیه حقوق کودک که هفده سال پیش به تصویب سازمان ملل رسیده تصویح میکند "کودک از لحظه هستی دارای حقوقی است که جامعه موظف به شناسائی آنست و آنچاکه کودک کان به علت ناتوانی جسمی و فکری قادر برد فاع از حقوق خود نمیبیند، توجه به حقوق آنها در رحیطه وظایف دولتها خانوار هداوسازانه ای مربوطه در سطح ملی و بین المللی است تامیلات رشد جسمی، فکری علیک اخلاق و روحی کودک ازد و رایش تامین شود". کنگره جهانی زنان که سال گذشته در برلن دموکرا تشکیل شد راعلامیه خود شناسائی حقوق مادر و کودک و حمایت قانونی و عملی دولتها را خواستار شده است.

ما از همه پدران و مادران که بد و هیچ تردید به خوشبختی کودکان خود علاوه نمندند، طلب میکنیم برای وار ارساختن رژیم شاه به اجر ای اعلامیه حقوق کودک و توجه و افی به تصمیمات کنگره های جهانی زنان در مکتبکو و برلن دموکراتیک با پیگیری مبارزه کنند. بینگته "مارکس" نخستین کلام سرمایه داری استفاده از کارزن و کودکان است و رژیم شاه که رشد سرمایه داری را در شهرهای روستا تسریع میکند، در آینده بیشتر از پیش کودکان خرد سال را به زیر چرخ سنگین استثمار خواهد افکند. وظیفه همه پدران و مادران است که بامیاره مستمر خود بخواهند کارکرد کان نه در حرف، بلکه در عمل در رسانسرکشور، در شهر و روستا مصنوع گرد، پولهایی که صرف خرید اسلحه و جرای سیاست ماجرا جویانه رژیم مشود، برای گسترش شبکه بیمارستانها، درمانگاهها، شیرخوارگاهها کودکستان، و دستانها سرمایه‌گذاری شود. بران وضع و اجرای قوانین متفرق بمنظور میبد شرایط زندگی و آموزش کودکان، برای ایجاد محیط سالم برای پرورش کودکان با روح دوستی، صلح و دموکراسی پدران و مادران وظیفه دارند مبارزه خود را تشدید کنند.

**پرولتاریا برای بدست آوردن قدرت حاکمه**

**هیچ سلاح دیگری جز سازماندهی ندارد**

لیبن

”عقل نفیست راچه رسید که نفس خسیست  
غالب آمد؟“

سعدی - گلستان

## «پنجاه و پنج» در هشتاد و یک

آقای سنا تورعلی دشمن بشهادت رائیره المعارف "فرهنگ دانشوهنر" چاپ تهران، در کربلا  
در سال ۱۳۷۴ شمسی منتولد شده است. ماحالا در سال ۱۳۵۵ شمسی هستیم و آقای سنا تور  
اکنون ۸۱ سال شیرین دارد. نیز نگاه بازی و جیرا صفتی بامزاج رجال هیئت حاکمه ایران خوب  
می‌سازد و آنها را به حد فراتوی میرساند. در این سن ۸۱ سالگی دشته کتابی نوشته است بنام  
"۵۵". این عدد معماهی اشاره است به ۵۵ سال تسلط خاندان پهلوی که بعضاً بست پنجاه  
سالگی سلطنت پهلوی از جانب سنا تور صادر شده، یعنی دشته تحت این عنوان  
خطاطرات خود را برایه این ۵۵ سال، که وی طی تمام دوران آن، گلاب آستان دودیکتاتور  
این خاندان و از بانیگران صحنه بوده، نقل کرده است. روزنامه "کهیان" با سلام وصلوات  
این یار داشتها ای غفلته و سفسطه و تملق آمیز جناب سنا تور فرا ماسونر انشدراه و بالا قابله پس  
از انتشار رکیهان، یار داشتها بصورت کتاب جداگانه ای منتشر شده است. آقای دشته این  
یار داشتها را در ریختن پائزد هم آن بایی گفتاری موشح فرموده است که شان نزول نوشته حاضر  
همان یگفتار است.

دراین پی گفتارکه چنانکه گفته شد بخش ۱۵ "پنجاه و پنجم نامه" جناب سنا تور هشتاد و پیک ساله است آقای دشتی از جمله مینویسد: "آیوقت که نیروی حیاتی خاموش نشده و شوری در رسربود، زنگ تلفن بصدار آمد، صدای خسته و نوازشگرنی ازد و رمیرسید". آقای دشتی همیشه علاقه دارد بازی سرگردانی اشته باشد و این زن که جناب دشتی، این "کازانوای لایپوت اورا گ" دلبریلشویک مآب" و گاه "خاتم سرخ پوش" مینامد، در تلفن قسمت‌هایی از کتاب "نقشی از حافظ" دشتی را (یعنی آن قسمت‌های راکه دشتن در آن آشکارا درست به "پادشاهان ایران" می‌نارد و همچنان‌هارا چارک‌طلب و چا لوس پسند خ خواند) قرائت کرد و سپس پرسید اگر شما بآن عباراً تمعتقددید پس چرا خود تنان آن نطق چا پلوسانه و چا کارنه را در مردم شاه در مجلس سنای کرده اید؟ پس ازانکه آقای سنا تور مذکور از تلفنی "دلبریلشویک مآب" رانقل میکند، با آن مایه رو که از سرمایه‌های مهم "ترقی" امثال ایشان است به جواب برمی‌خیزد و فرماید: "آری، بهمین دلیل که نقشی از حافظ و آن جمله‌های را که نقل فرموده اید نوشته ام، آن نطق را در سنا کردم، برای آنکه ..... اگر حدس زدید برای چه؟ ..... برای آنکه محمد رضا شاه را درست دارم!" واقع‌جاوایدندان شکن و قانع کننده ایست! پادشاهان ایران مخالف فضائل انسانی هستند ولی ایشان بهمین دلیل که چنین عقیده‌ای دارند، پادشاه موجود را درست دارند! اماین داستان تلفن "دلبریلشویک مآب" مجموع و مشکون بینظر مرمرس. حقیقت آستکه در شماره ۲۵ فروردین ۱۳۳۸ روزنامه "صحیح امید"، نشریه حزب‌مادر رخارج، در همان هنگام

که "نقش از حافظ" بتأثیرگذاری منشر شده و سپس سناتور شتی آن نطق غرای چاپ و سانکر در مقاله ای نشیرافت تحت عنوان "کیش چاپووس" . سناتور رنط خود در مجلس سنای افغانستان بود : "سلطنت دایران شبیه تاریخ ایران است ، شبیه زبان فارسی است ، شبیه عید نوروز است ، شبیه قومیت شما که در کتاب "نقش از حافظ" خود تان نوشته اید : "پادشاهان ایران مدار و چاپووس میخواستند . پیشانی بلند ، آزادی فکر ، استقلال روح در نظر شاهان ایران بزرگترین گناه محسوب میشود" . چطور شد پکرتیه شاهی و سلطنت راه هم عید نوروز زبان فارسی شیرازه قومیت و جمهور استقلال مملکت میشمیرد ؟ حال آن دار رواع دلبریل شویک مأبی هم بود که همین مطلب را در تهران با تلفن به دشتی گفته باوی این مقاله "صیح امید" را (سباقه روابطی که دشتی همیشه با "سازمانهای ازما بهتران" را شتی دیده است و این عقده را در دل نگهدارد اشته و پس از ۱۷ سال آن پاسخ میدهد ، نمیدانیم . مهم همینیست که این غمزات کاوانوایی از جانب یک مومیانی عاشق پیشه است یا محصول اختراع زورنالیستی ایشان . مهم اینست که دایران بخش ۱۵ از کتاب "خود کوشیده" است تضاد صریح و بین مأبین دو سخن خود را با هوجی بازی مضحک و ارزانی صاف و صوف کند و خراج چاکری دیرینه را یکباره بگزینیم برادر ازد .

میتوان حد س زد - و این حد س منطقی است - که آن نطق غرای سناتور شتی در مجلس سنای نیز رد موقع خود برای شستن خود آزان بن ادبی و فضولی بود که در "نقش از حافظ" گزده بود . گویا بعلتی رنجید و فحشی داد و سپس هزار ش را ستاند و فحش را پس گرفت . آخرین آثاریزه خوار دیرینه مفرغه سلطنت استبدی است ، چطربوت واند از عمارت "تیفستان" و آنهمه لذات ضمیمه اش صرف نظر نکند ؟ ولی مثل آنکه آن نطق سنابرای محمد رضا شاه کافی نبود . حالا سر ۸۱ سالگی ، با یک پار رگور ، این مرد به نگارش "دستزده" است تا چنانکه گفتم باج نوکری دیرینه خود را ببرد از زیر اراحتیات و خدمت بظلم سراشیب است و باید تا آخرین در را کات آن غلطید و برروی هر چه آبرو و حیثیت اجتماعی و تاریخی است تف انداخت .

اما پاسخ دشتی از آن هوجی بازیهایی مضحک است که اگر رایام طلبگی ایشان در کریلا جلوه داشت حالا بسیار دیگری مزه و لفواست . در "نقش از حافظ" دشتی ، پادشاهان ایران را یک تبعیق و یک قلم با اوصافی که لازم است وصف میکند ولی محمد رضا شاه - دیکتاتور وقت ، ولی نعمت بلا واسطه دشتی ، یکی از مستبدترین مستبدان ، ناگهان استثنای میشود ، برای اینکه گویا ایشان ، او شان را "دست زارند" ! ! اگر محمد رضا شاه احیانا سخن این دروغگویی هشتاد و پیک ساله را بجذب گیرد کار خود را است ولی مردم ایران هر دوی این آقایان را هم شناسند .

میگویند "دروغگوک حافظه است" و این در مردم دشتی کاملاً صدق میکند . دشتی در جای دیگر پنجاه و پنج نامه "خود مینویسد" : من جوان بود و تاریخ جمهوری روم و تاریخ انقلاب فرانسه قوه تختیل مرا افروخته بود . علاوه بر آن فرویختن امیراطوری آلمان ، اتریش ، روسیه ، عثمانی ، پکارچه را طرفدار جمهوری کرده بود . خیال میکرد اگر نفعه جمهوری بلند شود ، تمام آزادی خواهان بزیر پرچم سرد ارسه جمع مشوند و حکومت شوروی نیز از آن پشتیبانی خواهد کرد .

پس معلوم میشود جناب سناتور هم روزی ، بنای اصطلاح ایشان "بلشویک مأب" و "آقای سرخ پوش" بوده اند ! اگر سرایای این روانکاوی دران جوانی آقای دشتی را که گویا احساسات افروخته داشتند ، بعنوان سکه نقد هم قبول کنیم ( چیزی که خلاف واقعیت است ) ، تازه این سوال پیش می آید : چطربورا است که تاریخ جمهوری روم و انقلاب فرانسه و سقوط قیصر آلمان و اتریش و ترا روسیه —

تب

و خلیفه عثمانی "قوه تخیل" ایشان را باید بیان فرمود، ولی اگر کسی در دنیا مادر را شرحوار شی بمرا عظیمتر مانند ایشان در موقع آمدن ازکریلا به ایران "پکارچه طرفدار جمهوری شود" آنوقت حتماً سرخ" و "بلشویک مآب" است یعنی شایسته اصطلاحاتی است که مهنا پیش در ایران محمد رضا شاهی یعنی: "آهای پسر سواک! بگیراین بابارا روی اجاق" کمیته "سرخ کن!"

دشتی می‌افزاید: "حالا اعتراف می‌کنم که فکر ما خام و نسنجیده بود . . . از من چند هزار ساله که مردم به اصل شاهی عادت کرده اند (!!) غفلت داشتم" آقای دشتی در آستانه رحلت از این جهان این یار داشت هارابد ستر شاه نوشت تا "نفرت‌نامه" ای از ایام جمهوری خواهی خود صادر کرد ه باشد لذا اعتراف می‌کند که "غفلت" را شته، ولی آخر این غفلت آقای دشتی تا همین چند سال پیش هم‌که ایشان "نقشی از حافظ" را نوشته، ادامه داشت! دشتی مجبور است در فرمایی یک عمر را توجیه کند، تفاصیل را پکار روبراه کند. واقعماً کارسختی است .

دلیل آنکه سناتور دشتی در این جریان را کاندالی بسود خود درست زده است و اظهار عهق ایشان به "دلبر سلطنت مآب" تمام حساس‌بگرانه است، زیرا ایشان و امثال ایشان بجز بی‌وجود مبارک خود شان به هیچ پرنسپیلی پابند نیستند، همان‌نطبقی است که بلا فاصله پس از گزیز رضا شاه از ایران، در مجلس شورای ملی در انتقاد ازاوکرد: "او که در موقع خود "عاشق" رضا شاه بود، وقتی این مرد گریخت، در گرها شق را فراموش کرد و آغا زند و پیراه گذاشت . بلبل! این ایشان و سید یعقوب انوار همکار مجلسی ایشان در همان ایام در جراید چاپ شده است . حالا اعماق محمد رضا شاه است زیرا قادر و شرتو مستبدانه در دست این آقا تمصر کرزا است . ایشان مثل همه جاه طلبان فرمایه "عاشق حاکم وقت" هستند نه عاشق "حاکم معزول". راستان که در زیر آسمان کبود ابد امروزی نیست .

برای آنکه برای آقای دشتی و "معشوق" امروزی ایشان تجدید خاطره ای پیشود، بخش هائی از لیبل زبانی آقای دشتی را از روی "اطلاعات" (دوشنبه ۱۴ مهرماه ۱۳۲۰ - ستون اخبار مجلس - سال ۱۶ شماره ۴۶۲) می‌آوریم .

آقای دشتی گفت: "آقای فروضی در جلسه خصوصی یکشنبه حرف دلخیز و حدت نظر بین دو لوت و ملت و بین جلیل زور و لوت بیان کردند و معتقد بودند که هر قدر رهمکاری و همکری بیشتر دو لوت و ملت باشد بهتر است . البته این فکر سیاسی خوبی است . بنظر من فقط با یکی از دو شکل میتوان با این مطلب عالی رسید: یا آنکه مجلس و ملت مطیع دو لوت شد و هر اقدام و عمل اورابد ون چون وجرات تصویب کند و یا اینکه دو لوت هرچهارچی عموی، اتفاقاً عموی، تعامل عاده را در نظر گرفته سعی کند آنها را انجام دهد . رویه اول همان رویه ایست که حکومت ساقط شده تاریخ پیروزی پیش گرفته بود و مبنی ملاحته کرد پید چه محتاج و خیی را در . از جناب سناتور میرسم مگار موزه همان رویه حکومت ساقط شده رضا شاه، آنهم باشد ت بیشتری دنبال نمی‌شود، پس چه شده که شما این باری چای بیان منطق آزاد یخواهانه به تجلیل دیکتاتوری می‌پردازید؟ آیا برای آن نیست که این دیکتاتور هنوز پرچاری بالش قدرت تکیه زده و شما هم که "عاشق حاکم" وقتید؟

آقای دشتی در امامه سخن گفت: "آقای فروضی در جلسه خصوصی گفتند که اثاثیه شاه مستعفی پیر از حرکت از اصفهان دریند رعیا س توسط ماوریان گمرک با زرس بعمل آمده و صورت مجلس آنهم تنظیم گردید که بزودی بعرض مجلس خواهد رسید . اگر یک کمی با مناصف و خدا و وجود آن اهمیت بد هیم باید گفت که این حرف خیلی ضحق است . شاه سابق در اصفهان طوری رفتار میکرد که تا شعاع پانصد مترا کسی حق نداشت در خانه اش عبور نماید . در مدت اقامت در اصفهان

طلاء ارمنتالی ۲۰ تومان به ۵۴ تومان رسید . حال آقایان محترم ! انصاف بد هید که یک مامور چهل تومانی گمرک بند رعبا س چگونه جرات را در شاه را تفتیش کند ؟ کارهای بد گذشته بزرگ و کوچک دارد . بزرگتر همان تصریح به آزادی و املاک مردم میباشد . کارهای غلط کوچک فراوان است . آمده اند و "اداره متبیلیقات" درست کرده اند باید جه سالانه ۸۰۰ هزار تومان ! این اداره چه کرد است ؟ برای ماکه بیشک کاری انجام نداده سهل است ، برای آن هر ده منتوانسته است کاری انجام دهد . آپاتو است موقعیت متزلزل اور اتحکیم نماید ؟ پروژه افکار "جهتغیری داره است ؟ هی رفتند با غردد وس ، دارالفنون ، نمایند اند که ام سلطنت آنمرد را تحکیم کند . ده دوازده سال است یک سیستم اقتصادی غلط که مردم را به ورشکستگی و بد بختی سوق میدهد ، در مملکت حکمفرما بود . هنوز هم وجود را دارد " . آقای دشتی ! هنوز هم وجود دارد . ولی شعاع یک‌گوی فرضت خواهید یافت که "نطیق پسر از این شاه " را داکید تا حریا صفتی ورنگ و وارنگ شدن خود را بارد یک‌منصه ظهر — و بگذرید .

اگر آقای دشتی پنداشته است "پنجماه پینچ" او پرونده اش را نزد معشووق تا جد اراموزبیش می‌آید ، مطمئن باشد که آنرا زبر صاحب اصلی کشوریعنی مردم از همیشه آنوره ترکرده است . ولی دشتی راچه باک ؟ این نوع جانوران پراگماتیک برای "این دم" زندگی میکند و همیشی به قضاوت تاریخ مردم نمیدهد . شمار آنها اینست : "دنیا پرمک ماقه در یاچه سراب " . در تاریخ معاصر ایران مردانی بوده اند از قبیل میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل ، شیخ محمد خیابانی ، دکتر تقی ارانی ، خسرو روزبه که تمام غناً معنوی و سرمایه حیاتی خود را با خاطر دفاع از منافع اصیل خلق شناور کردند و زندگی جوان خود را فدیده آن ساختند . در تاریخ معاصر ایران مردانی نیز بوده اند و هستند از قبیل تقی زاده ، دکتر رضازاده شفق و همین آقای علی دشتی که هر ماشه ای که را شته اند بخاطر بی خورد ای از "لذات عمر" در خدمت ستمگنهادند و بقول شاعر "دانش و آزادگی و دین و مردم" ، آینه همه را برد و درم ساختند و با بگفته انجیل موارید های خود را در ریای خوکان ریختند ، تعلیم غشم خلق و حقیقت ، زنده بمانند وا ذکرس سنابه " بهشت زهراء " منتقل شوند . در نوع جهان بینی ، در نوع زندگی ، در نوع انسان . این موجودات از نظر مردم ، از لعن تاریخ پروا فی نداشند . فلسفة آنها فلسفه " خوشباشی " خود خواهانه و فردگرایانه افراطی محض و وقیح است یعنی آنچه که بآن "زینگی" میگویند . دیگران ، آنها که بخاطر اید هاله خود را با غل و لان وجاد و بیان نیرومند را نداشتند ، بگفته اینها " دیوانه اند " .

ولی ما به سخن ماکسیم گورکی : " دیوانگی قهرمانان خلق را می‌ستاییم " . ط .

## برای سرنگون کردن رژیم دیکتاتوری

---

### محمد رضا شاه متحده شویم !

---

## تشدید مبارزه

### در راه قدرت در رهبری مائوئیستی

در گذشتچوئن لا ئی نخستوزیر جمهوری توده ای چین انگیزه تازه ای بود برای تشیدید وحداد شدن بحران درون رهبری چین و مبارزه برسقدرت .

از واخر ماه مارس سال حاری در مطبوعات چین انتشار مقالاتی درباره مبارزه " د وخط مشی " در رهبری آغازگردید . روزنامه " ژن مین ژیانیو " و هفته نامه " خونتعمی " ارگانهای مرکزی مطبوعاً طی مقالات خود به " کسانیکه در مقامهای رهبری حزب قراردارند و راه سرمایه دار را پیش گرفته اند " و " لید رهوار اران گرا پیش براست که عنود اتفاقی خواهد خورد را اصلاح کند ". بد ون ذکرناش شخص معین شدید احتمل میکردند . اما در روزنامه های دیواری ( د ازتی باو ) که در داشتگاه پکن و دیگر بنگاههای آموزشی و علمی انتشار میباشد این اتهامات به معما و نین نخست وزیر " دن سیما ائو پین " و " لی سیان نیان " ، وزیر فاع ، " یه سیان این " ، وزیر آموزش ، " جوسزیان " و ده ای از مسئولان سازمانهای حزبی پاره ای ایالات چین نسبت داد همیشد و این حملات و اتهامات به گروهی از رهبری زیر عنوان " تحکیم در استوارهای انقلاب فرهنگی " انجا میگرفت . " انقلاب فرهنگی " کمبوسیله مائوتسه د ون و گروه طرفدار اوی در رهبری بمنظور سرکوب مخالفین سیاسی خود برآهاند اخته شد ، برخلاف انتظار مبتکرین آن توانست تفادید رون رهبری راحل کند و مبارزه برسقدرت پایان بخشد . مبارزه مائوتسه د ون و گروه هوار ارانش بالیوشائوچی و طرفداران اوکه در سطح رهبری جریان داشت با سرکوب بشائوچی و ده بسیاری از کار رهای حزبی د و لوثی بنفع مائوتسه د ون خاتمه یافت و در رضمن محیط تورو و حشت " انقلاب فرهنگی " آگاهی به انگیزه واقعی این اختلافات در رون رهبری راد شوار میکرد . از سوی دیگر سرشت ضد انقلابی و ضد کمونیستی سیاست داخلی و خارجی رهبری مائوئیستی هنوز افشا نشده بود . مائوتسه د ون و گروه طرفداری رهبری از این عوامل برای سرکوب مخالفین سیاسی خود حد اکثر بهره برداشی را نمودند . اما امروزکه سرشت ضد انقلابی و ضد کمونیستی سیاست خارجی رهبری پکن در عرصه جهان رسواگشته و این سیاست و مجموعه آموزش مائوئیسم که با موضع اتفاقیگری و چپ گرایانه بمیدان آمد در رموضع ضد کمونیستی و ضد شوروی ، عناد وستیزه جوشی باکشورهای سوسیالیستی ، خرابکاری و تفتره افتکی در جنبش جهانی کمونیستی و جنبش های رهایی بخش ملن ، همکاری و پشتیبانی از زریم ها دیکتاتوری ضد خلقی . فاشیستی و نژادگرا وهم بیوندی سیاسی و نظمی و اقتصادی با ارتقا همراهیالیسم جهانی قرار گرفته است . مبارزات درون رهبری مائوئیستی برسقدرت میان توده های وسیع مردم چین بازتاب میباشد و آنان را به تعقیق در رستی مجموعه اند یشه های مائوتسه د ون و هوار اران وی و سیاست داخلی و خارجی آنها وارد ارمیسازد . تنظا هرا ترزو های اول آوریل اهالی پکن در میدان " تیان آن مین " نمونه ارزی ازین امر است . این تظاهرات که بمنظور بزرگ داشت خا طرفه نخست وزیر قید گوئن لا ئی و نشارتاج گل به پای بنای ایار بود قهرمانان انقلاب تشکیل شده بود به تظاهرات اعتراضی علیه سیاست

رهبری مائوئیستی تبدیل گردید و حتی مطبوعات خود چین هم توanstند محتوی این نظره را مکنوم دارند . روزنامه " ژن مین ژیایشو " درمقاله ایکه بعنایت این نظره را منتشر ساخت ، ناگزیر اعتراف نمود که " لیهتپرا اعتراف شرکت کنندگان در نظر اهارات علیه مصدق را مأوم توجه بود " همین روزنامه درمقاله دیگر خود را برای حوار ث میدان " تیان آن مین " اعتراف میکند که در میان گروهها مختلف رهبری مائوئیستی مبارزه شد یدی برسرقدرت در جریان است و این مبارزه را باشیوه معمولی خود با فرمولهای " موازین و مشخصات مبارزه طبقاتی " و " مبارزه د وخط مشی در رون کمیته مرکزی اخراج کمونیست چین " از زبان و توجیه میکند . بدین ترتیب برکاری دن سیاوشین از مقامهای خوبی د ولتی پس از حوار ث میدان تیان آن مین نشان داد که وی لید رفرنداران یکی از این د و خط مشی بوده و برکاری او از مشاغل خوبی د ولتی در سرنوشت بسیاری از کسانیکه هوا را رایین .

هفت‌آم پریل در جلسه بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین " هواؤگو فن " که پیش از ردگشتن نخست وزیر جوان لای ، بسمت نخست وزیر موقت منصوب شد بود ، رسماً مقام نخست وزیری ( در صورتیکه طبق قانون اساسی چین مجله نمایندگان خلق چین صلاحیت برگماری و برکاری از مقامهای د ولتی را دارد ) و معاون صدر رکمیته مرکزی حزب کمونیست چین منصوب گردید و دن سیاوشین معاون نخست وزیر راهنمایی از مشاغل خوبی ( عضویت بوروی سیاسی ) د ولتی برکار شد . برکاری دن سیاوشین از مشاغل خوبی د ولتی در جلسه بوروی سیاسی کمیته مرکزی خود نمود ار آنستکه رهبری مائوئیستی دیگر شیوه های جنجالی سرکوب مخالفان سیاسی خود را از طریق برآه اند اختن دسته هایی مانند " خون و بین " ( گارد سرخ ) در روان " انقلاب فرهنگی " بصلاح خود نمیداند ، زیرا نظره راه را از هر فرستی علیه مجموعه سیاست داخلي و خارجي رهبری مائوئیستی و نابسامانی که در نتیجه این سیاست جامعه چین بمان دچار رگشته به نظره اهارات اعتراضی دست چینندند .

### مبارزه د وخط مشی

اختلاف نظره کمتوی عمد دن مبارزه برسرقدرت در رهبری و شیوه برخورد به طرز اداره و امور اقتصادی در کشور است همواره بشکلها ی گوناگون تجلی یافته . در ردگشتن چون لای بعد توافقی مائوی د را رکهولت برای شرکت مستقیم و فعال در رهبری ازعماً است که این مبارزات واختلافات در رون رهبری را حاد تر میکند . نخست وزیر فقید چون لای از همان در وان " انقلاب فرهنگی " با استفاده از غنون و وزن خود در رهبری توانست عده ای از کادر رهای خوبی د ولتی را از حوار ث طوفانی آن در وان مصنون بدارد و موفق شد بسیاری از آنها را که در وان " انقلاب فرهنگی " مورد پیگرد قرار گرفته بودند بد ریچ به مقامهای مسئول در حزب د ولت بازگرداند . دن سیاوشین نیزیا حمایت چون لای پر از " براثت " به مقام معاون نخست وزیری و عضویت بوروی سیاسی کمیته مرکزی رسید و در وران بیماری چون لای عمل د راس امور د ولت و خوبی قرار گرفت ، ادامه چنین وضعی موضع جناح دیگر رهبری را که طرف ارنظریه " انقلاب پیوند ریب " مائووا ستحکام داد امه سنن " انقلاب فرهنگی " بودند تضعیف فینمود و خطر رجدی آنرا در برداشت که گروه طرفدار شیوه چون لای و دن سیاوش پیش که در رهبری شکل بییافت بر جناح دیگر تفوق کامل یابد . د وجنایح عده د ردن رهبری مائوئیستی که تاحد و دی شکل یافته به تعییر مطبوعات جهانی گروه " راد پکان " و گروه " پراگماتیک " نام گرفته اند . گروه " راد پکان " که چیانگ چین " همسو

ما نوتسه دون نقش لید ری آنرا اینا میکند مورد حمایت و تایید کامل ما نوتسه دون است و شعارهای عمد ه این گروه برتزی سیاست پرورش اقتصادی و "پرولتا ری کرد آموزش" است . خط مشی این گروه نه تنی وغیرا سیونل است . رهنمود ما نوتسه دون در سال ۱۹۵۷ در ریاره ایجاد کرده های زوب آهن و باصطلاح کمونها ی کشاورزی باسائل ابتدائی از نمونه های این خط مشی است که سوسیالیسم علیع را تا حد کمونیسم د هقاتی هموار طلبانه و فرون وسطائی تنزل میدهد .

گروه "پرآگماتیک" طرفدار رشد و توسعه اقتصاد کشور، عادی کردن سیستم آموزش واستفاده از داشتمدنان و کارشناسان فنی است . گروه "راد یکال" این گروه را به "گروه ضد حزبی لین پیائو" که گویا عنا اعلا گردد اند قصد دارد با "رویزینیست های" شوروی وارد مذاکره شوند ، متم — میسازند .

در سال ۱۹۷۵ گروه "پرآگماتیک" در رهبری تفوق یافت و توانست مواضع خود را در رهبری تشییت کند که وجود نخست وزیر فقید چوئن لا ی در این موقفیت نقش قاطع داشت و مانعی بود برای آنکه گروه "راد یکال" بتواند به اقدام قاطعی علیه این گروه درست بزند .

بیماری وسیس در گذشت چوئن لا بهترین فرصتی بود که بدست گروه راد یکال افتاد واین گروه توانست با استفاده از این فرصت حملات خود را علیه گروه مخالفان را تحریف در رهنمود های ما نوتسه دون و "احراف از ستاره های انقلاب فرهنگی" آغاز نماید و سرانجام یکی از نمایندگان موثر گروه "پرآگماتیک" — دن سیاوشویین را از صحنه سیاسی برکار سازد . و امارهنمود های ما نوتسه دون که گروه پرآگماتیک به تحریف آن تمثیل میشود تهابهانه ایست که گروه راد یکال میکوشد بوسیله آن تماویحیات را در با استفاده ازنا هوی پیروزی و تفوق خود را رهبری تشییت کند و رضمن آیند هشان خواهد دارد که خود این گروه تاجه اند ازه واقعا هوار او پیرو و اندیشه های ماقوه استند .

رهنمود های ما نوتسه دون که سلاхи بدست گروه راد یکال است عبارتند از : ۱ - آموزش نظریه مبارزه طبقاتی و دیکتاتوری و راهنمایان برویزینیسم ، ۲ - تشییت امور حدت ، ۳ - رشد اقتصاد ملی که گویا گروه پرآگماتیک این سهمار ها در یک فرمول بیان داشته و رشد اقتصاد ملی را مقدم برمود دیگر آن قرارداده است . بعقیده گروه باصطلاح راد یکال این مبارزه مطبقاتی است که مقدم است و دشواردیگر جنبه تبعی دارد و مقدم مساختن رشد اقتصاد "اقتصاد گرائی" واکنومیسم ، یک انحراف بورژوازی است . لذا "راد یکال ها" گروه باصطلاح پرآگماتیک را "سرمایه راهان" می نامند .

در ماههای سپتامبر و اکتبر سال گذشته پیروزی و تفوق گروه پرآگماتیک در رهبری کاملاً آشکار گردید و ما نوتسه دون بارگز این مطلب با چنین اظهار نظری به گروه هوار ار خود در رهبری هشدار باش داد و با همین اظهار نظر مرسنو شد دن سیاوشویین رامعلوم ساخت . ما نوتسه گروه "راد یکال" در کمیته مرکزی گفت : "شما که انقلاب میکنید نمیدانید بورژوازی کجاست . بورژوازی درست در داخل حزب است و نمایندگان کسانی هستند که در راس حکومتند و برا سرمایه داری میروند . طرفداران راه سرمایه داری مانند گذشته را سرمایه داری را پیش گرفته اند " . شاید بتوان احتمال راد گمی دن سیاوشویین برای پیشگیری از تصریض گروه مخالف و منظور تشییت مواضع گروه خود را رهبری احساس کشراهای مختلف را نسبت به چوئن لا ی مورد استفاده قرار داده و سبب تظاهرات در میدان تیان آن مین بود و پرخی های این احتمال را هم مذوف نمیدانند که گروه راد یکال که از تفوق گروه "پرآگماتیک" در رهبری نگران شده به تشكیل چنین تظاهراتی پرداخته اند تصریض علی و قاطع علیه اراده در صفحه ۴۰ )

# نظری اجمالی به وضع عمومی کشور

(واقایات دعاوی رژیم را رد میکند)

مقاله‌زیرین بصورت جزوی ای تحقیق تحت عنوان "ایران نمونه کلاسیک نواست‌عمار" بزبان آذری‌جانی از طرف شعبه انتشارات فرقه دموکرات آذری‌جان نشریافته است . مولف مقاله رفیق امیر لاهروندی است . مادر زیل ترجمه، این مقاله را با کمترین تلخیص می‌آوریم .

## ۱ - صنایع ایران در زیرسلطه سرمایه امپریالیستی است

رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک ایران که بزیر خلقهای ایران تحمل شده است ، ثروت ملی ایران را به منبع غارت احصارات امپریالیستی تبدیل کرد و صنایع ملی شده نفت را در زیر سلطه ره کارتل بین المللی نفت قرارداده است . نفت ایران که ۸۲٪ درصد را مدبود جه دلت را تشکیل میدهد ، طبق معامله ای که بین شاه و کسرسیوم انجام گرفت ، طی سالهای ۱۹۷۳-۱۹۹۳ از طرف کسرسیوم تا آخرین قطبه غارت خواهد شد . طبق این قرارداد که در سال ۱۳۵۲ باضاء رسید مقدار نفتی که برای استخراج در نظر گرفته شده ۵۴۴ میلیارد بشکه است که ۶ میلیارد آن برای مصرف داخلی و ۷۷ میلیارد نیز برای باصطلاح فروش "آزاد" بایران را در خواهد داشد و ۲۹۳ میلیارد بشکه بعثایه مبنی انرژی برای بحرکت در آوردن کارخانه ها و با بصورت ماده خام برای بکاراند اختن صنایع پتروشیمی بطور عمد ها به کشورهای اروپای غربی ، ژاپن و امریکا حمل خواهد گردید .

صنایع پتروشیمی کشور نیز مانند نفت در زیرسلط احصارات امپریالیستی ، ازانجمه آموکو انترنشنل ، گود ریچ ، کالیوت ، الاید کیکال ، فلیپس ، ایشلندر (امریکا) ، ایران - نیون با مشارکت کمپانی میتسو بیشی (ژاپن) ، یا پرهوشست (آلمان غربی) و دیگر شرکتهای است . ۲۵ درصد سرمایه کارخانه آلومینیوم اراک که توسط امریکا ، پاکستان و ایران ساخته شد ، متعلق به امریکاست . محصولات این کارخانه برای استفاده در کارخانه های هواپیما سازی بشکل شعش وورق به امریکا صادر میشود .

سپاه کارخانه لوله و نورده اها و متعلق به سرمایه های امریکا ، آلمان غربی و سرمایه داخلی (د ریاروس مایه های وابسته آن) است . پولادی که در این کارخانه مورد استفاده قرار میگیرد نه از کارخانه ذوب آهن اصفهان بلکه از امریکا و آلمان غربی بشکل ورق و شمش وارد میشود . متوسط حقوق ماهانه و هزینه سفر متخصصین خارجی که در این کارخانه مشغول کارند بیش از ۲۰ هزار تومان است .

کارخانه اتومبیل سازی "ایران ناسیونال" قطعات ساخته شده در کارخانه اتومبیل سازی بین المللی "کرایسلر" را مونتاژ کرده، آنرا بنام "پیکان" میفروشد؟ قطعاتی که در کارخانه اتومبیل سازی سیتروئن فرانسه ساخته میشود در کارخانه ای بنام "ایران سیتروئن" مونتاژ شد؛ بنام "زیان" بفروش میرسد، قطعاتی که در کارخانه اتومبیل سازی امریکائی "جنزال موتورز" ساخته میشود در کارخانه "جنزال موتورز" ایران مونتاژ میشود و بنام های "شورلت ایران" (سهام عمدۀ شورلت ایران متعلق به بنیاد پهلوی و شرکت جنزال موتورز امریکائی است) و "جیپ ایران" فروخته میشود.

وارد کردن قطعات ساخته شده برای مونتاژ، استفاده از امتیازهای گرفتی که بشرکتهای اتومبیل سازی دارد شده، بهره برداری از نیروی کارآرzan و استثمار هرچه بیشتر حتمکشان، عواملی است که امکان میدهد ثروتمندی ایران غارت شده و بر استقلال اقتصادی ایران ضربه سنگینی وارد آید.

سرمایه‌های امپریالیستی در صنایع سبک و غذایی و حقیقتی در جرجیا و در ایران بیمارستان‌نمای نیز رخدنده است. فقط سرمایه انگلیسی تحت عنوان شرکت‌های مختلف در پیش از ۱۵ شرکت در ایران مشغول فعالیت است.

سرمایه‌های امپریالیستی بموازات رشتۀ‌های صنعتی به موسسات مالی نیز راه یافته در پیش از ۲۵ بانک کشور سهم بزرگی را بدست آورده اند و با سرمایه‌های کهارد وری مالی ایران در آمیخته اند. فعالیت‌های مالی "کنینتال بانک" در ایران یکی ازدهم‌انومنه ایست برای اثبات صحت این مدعایا. این بانک در سال ۱۹۶۹ مقداری از سهام بانک توسعه صنعتی و بعد نی ایران را خرید و از سال ۱۹۷۳ یکی از سهامداران عده خارجی "بانک داریوش" گردید. بانک "کنینتال" توسط این بانک‌ها به کارخانه‌های ایران وام میدهد و سهام آنها را میخرد.

سرمایه‌های امپریالیستی در آمداد ارزی کشور را از راه بازگانی نابراهنیزگار ترمیکنند. موافق ارتقا که اینک در دست داریم واردات ایران از ۲۶ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۰ برابر با ۱۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۳ افزایش یافت و صادرات آن در همان مدت از ۳۴۰ میلیون دلار به ۸۰ میلیون دلار رسید. شکاف بزرگی که میان واردات و صادرات ایران بوجود آمد و هرچه بیشتر عمیق ترمیگردید، درجه‌وابستگی اقتصاد ایران را به اقتصاد کشورهای امپریالیستی و حقیقتی تبدیل شدن آنرا بهزاده آن آشکارانشان میدهد.

قرارداد ۱۵ میلیارد دلاری که بین ایران و امریکا بامضاء رسیده است یکی دیگر از نمونه هایی است که ماهیت این وابستگی اقتصادی را عیان میکند. طبق این قرارداد، ایران در عرض پنج سال از امریکا ببلغ ۱۵ میلیارد دلار بريطون عده اسلحه، رستگاههای الکترونیک برای استفاده در را تشکیل راکتورهای اتمی (قیمت این راکتورها ۴۶ میلیارد دلار است) و کالاهای با صنایع واسطه ای شرط پرداخت ارزوارد خواهد کرد. توسط متخصصین امریکائی در ایران راهنمایی در رجه یک استراتژیک و یک بند ریزگرگ نظایر ساخته خواهد شد. شاه برای دریافت ۴ راکتور اتمی از آلمان فدرال و فرانسه با این کشورهای نیز قرارداد هایی امضاء کرده است.

برخلاف ادعاهای شاه و دستگاههای تبلیغاتی او، قیمت نفت، درنتیجه عواملی چند که به خواستها و تمایلات شاه ارتباط نداشت، ازانجمله مانند پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی ملک باحیات کشورهای سوسیالیستی و همچنین شدید بحران ارزی، کاهش میزان استخراج نفت در کشورهای عربی، در ارتباط با جنگهای اعراب و اسرائیل و تحریم صد و نرفت به برخی از کشورهای غرب، چندین بار افزایش یافت که باعث بالا رفتن درآمداد ارزی ایران از ۵ میلیارد دلار به

بیست میلیارد دلار گردید . این عامل بعثتیه عامل اساسی "آتش" علاقه "انحصارات امپریالیستی را برای سرمایه گذاری در ایران و خارج کردن را رهای حاصله از فروش نفت با آن بهانه از ایران هرجه تیزکرده است . بهمین منظور مبلغ ۱۰ میلیارد دلار بینونوان وام در اختیار کشورها و خارجی ، در رجه اول ، دولتها امپریالیستی و موسسات مالی و اقتصادی آنها گذاشتند خواهد شد ( از آنجلمه است ۲ میلیارد دلار رهای ایتالیا ، ۱۲ میلیارد دلاری انگلیس ، ۱ میلیارد دلار به فرانسه ، ۱ میلیارد دلاریهانک بین الطلى ، ۱ میلیارد دلاری کمیسریای انژری اتنی فرانسه ۲۵ میلیون دلاریه کهانی هوا پیام سازی نظاعی امریکائی "گروم") . "شاہنشاه آریامهر" با خرید سهام کروب و موسسات دیگر ۲ هزار ارتومبیل سواری هیلمن از کارخانه اتموپلیس سازی انگلیس ، کوشش میکند بسوی این موسسات که با بحران روپوشده اند درست یاری دراز کند . شاهدر مسیر استراتژی امپریالیستی حرکت میکند و یفرکمک به برخی از کشورهای آسیائی و افریقائی نیز افتاده و ۱۲ میلیارد دلاریه مصر ، ۱ میلیارد دلار و سلطان ، ۱ میلیارد دلاری پاکستان ، ۲۵۰ میلیون دلاریه سوریه وعد داد و کشورهای دیگرمانند اردن ، سودان ، زئیر و سنگال رانیز فراموش نمیکند و رهبریک از این اقدامات هدفهای رادنبال میکند که با سرشت "سرمايداری" وابسته "هماهنگی دارد .

## ۲ - اصلاحات ارضی و مسئله کهای خواربار

در بررسی حقیقی اجتماعی رشتکشاورزی ، با وضع بسیار رقت باری روپرموشیویم . با اینکه از آغاز اجرای ماده اصلی "انقلاب سفید" یعنی اصلاحات ارضی ، ۱۳ سال میگذرد ، سران رژیم و در درجه اول شاه به هدفهای اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی موقود خود ، نائل نگردیده اند . و نمیتوانستند هماناشر گردند . زیرا جریان زندگی بزودی پوچ و روضین بود ن "انقلاب سفید" راکه بامانور وعوا مریضی توأم بود آشکار ساخت . از آنجاییکه اصلاحات در رشتکشاورزی بنیادی نبوده دارای خصلت بورزوانی و توأم با غزو سرمایه امپریالیستی است ، ایران از کشور صادر کننده به کشور وارد کننده فراوردهای کشاورزی تبدیل شده است .

برای اینکه سرمایه های امپریالیستی بتوانند مانند موسسات صنعتی و مالی بسوی کشاورزی نمیز سرازیر شوند ، شاه شرایط مساعد بسیار وسیعی ایجاد کرده است : زمینهای حاصلخیزی ، بیویه زمین هایی که را طراف سدها واقع شده است ، در اختیار سرمایه های امپریالیستها امریکا ، انگلیس و زاپن قرار دارد ، در این " تقسیم " والا حضرت ها و والا گهره را " رانیز فراموش نکرد " زمینهای حاصلخیز رضایی و گرگان را به مالکیت آنها عطا فرموده است .

در جریان اصلاحات ارضی زمینهای آباد بنا زمینهای مکانیزه شده ویاغ و قلمستان در اختیار مالکان باقی ماند . ولی د ولت برای کشت در زمینهاییکه به دهقانان فروخته شده هیچگونه معاوضه ای در دسترس آنها نمیگارد و از د اند وام کافی نیز امتناع میورزد . این عوامل مانع رشد کشاورزی و بالا رفتن سطح تولید محصولات آن و تامین زمینهای میرم اهالی به خواربار است . در عین حال سیاست وارد کردن محصولات کشاورزی از خارج ، بیویه از امریکا ضریت سختی به کشاورزی ایران وارد کرد ماست . د ولت تحت عنوان " تامین " نیازمند بیهای اهالی به خواربار فقط در رسال ۱۳۵۳ در حدود ۵۰ میلیون تن گندم ، ۳۰۰ هزارتن روفن ، ۴۰۰ هزارتن بونج ، ۸۰ هزارتن گوشت ، ۶۰ هزارتن شکر همچنین بعقد ارزیاری میوه ، پنیر ، مرغ و تخم مرغ وارد کرد . علاوه بر این د ولت تحت عنوان " تامین " نیازمند بیهای خواربار کشور قرارداد های درازمدت با امریکا ، کانادا ، استرالیا ، فرانسه و یگرگن کشورها منعقد کرده است . طبق این قرارداد ها هرسال ۵۰ میلیون تن گندم ، ۲۸۰ هزارتن روفن ،

۴۰ هزارتن شکر ، ۳۰۰ هزارتن برنج ، ۷ هزار تن گوشت و مقدار زیادی پنیر ، مرغ و تخم مرغ وارد خواهد کرد . که این خود بیش از نصف محصولات خواربار ایران را تشکیل میدهد .

وابستگی اقتصاد کشور به اقتصاد امپریالیستی ، غارت و استثمار امپریالیستیه ثروت طبیعی و نیروی کارزحمتکشان ایران توسط سرمایه‌های امپریالیستی که با سرمایه کپرادر وری ایران درآمیخته است ، صرف عایدات عدم هفت در رشتۀ هائیکه خصلت‌تولیدی ندارند ، بویژه رشته نظامی ، موجب وخیمتر شدن بیش از بیش وضع مردم شده است . بطوطریکه هزینه زندگی با آهنگ سراسام آور افزایش من یابد . اگر وصال پیش کرایه‌منزل هرخانواره کارگری شهرنشین . در رصد درآمد ماهانه آنرا تشکیل میداد ، اکنون این رقم بسی بالارفته است . کارگرانیکه در جنوب ، جنوب غربی و یا جنوب شرقی تهران زندگی میکنند و ارادی کارثابت با ماهانه ۲۵۰ تومان دستمزد هستند ، گاه به گفته " خواندنیها " ( ۲۱ تیر ۱۳۵۴ ) برای یک اطاق مجبورند ۵۰ تومان کرایه خانه بپردازند .

وضع رستاییان از اینهم طاقت فرساست . بیکاری آشنا رونهان ، ظلم و مستمر مالکان بزرگ ماورین رنگارنگ دولت و زندارم ها ، پائین بودن سطح درآمد سرانه رستاییان که بنایه اطلاع مطبوعات ایران بطور متوسط ۸۰۰ تومان است ، موجب مهاجرت رستاییان به شهرها ، بویژه به تهران شده است .

مجله " تهران اکنومیست " به پائین بودن سطح قدرت خرد اهالی رستاد را ربط با عقب ماندگی کشاورزی اعتراف میکند و مینویسد : از آنجاکه کشاورزی قادر به تأمین مواد خام برای صنایع و ارزاق برای اهالی نیست ، این رشتۀ به تمزیزد بخش های دیگر اقتصادی ، منجمله بخش صنعتی ، بدل شده است .

### ۳ - رژیم موجود تزمترفقی واقعی اجتماعی است

زنان میهن مانکنی از اهالی کشور را تشکیل میدهند هنوز رعایت مناسبات قرون وسطایی رهایی نباشند و از ریافت حقوق مساوی در برابر کار مساوی با مردم ها محرومند و توسط سرمایه خارجی و بقا تحاکمه ایران بیحرمانه استثمار میشوند . این عوامل ، پوج و روئین بودن ادعاهای هیئت حاکمه و درباریه‌لوی راد ریاره زن و آزادی اوایلات میکند .

صرف نظر از هیاهوی تبلیفاتی رژیم شاه در برآورده شکل سپاه دانش ، بیارزه علیه بیسواری و " انقلاب سفید " در رشتۀ فرهنگ اکثریت اهالی هنوز هم بیسوارند . طبق آمار رسمی دولت ، در ایران در حدود ۴۰۰۰ دستستان عادی ، ۱۵۰۰۰ دستستان سپاه دانش ( کلاس ۱ و ۲ ) . ۹۰۰ مدرسه راهنمائی ( متوسطه ناتمام - کلاس ۶ تا ۸ ) و ۱۵۰۰ دستستان عمومی وجود دارد . این مدارس فقط ۶۰ درصد کودکانی را که بسن تحصیل رسیده‌اند در بر میکنند . واگرنه نوشته مجله " نیوزویک " باور نکنیم ، این رقم تا سطح ۳۰ درصد کاهش مییابد .

۱۵ هزار مدرسه در کلاسه برای ۶ هزار رستاد و مزمعه بی پایه بودن ادعاهای دولت راد ریاره تعداد بزرگ " آشکار می‌سازد .

در حالیکه اکثریت مطلق جمعیت از تحصیل در مدارس متوسطه و عالی محرومند ، برای اشاعه تهدن غرب و شیوه زندگی امریکائی در ایران از هرگونه وسائل ممکن استفاده نمیشود . فیلمها و نمایش نامه‌های تباشی آ و غرب در سینماها و تئاترها بمعرض نمایش گذارد همیشود . برای مستشاران امریکائی ایستگاه رادیو - تلویزیون مخصوص تاسیس شده که بدون نظرات از طرف دولت ایران مشفهول تبلیغات ریاره شیوه زندگی امریکائی است . شاه در مصاحبه خود با مخبر مجله " نیوزویک " حقیقت از ابراز اینکه ایران آرزومند است در راه " شیوه زندگی " امریکائی گام بردارد ابا عنور زید .

(کیهان هوایی ، ۴ آبان ۱۳۵۳) .

سرقاچاچیان درباری برای شکستن روح مبارز جوانان ، علاوه بر فشار و شکنجه ، به ترغیب و تشویق جوانان به استعمال تریاک ، هروئین و دیگر مواد مخد رنیز متول میشوند .  
 در رارپهبلوی وحایان امیریالیست آن که به جامعه ای روح و جسمابیمارانیا ممندن ، مانند " مبارزه " ظاهروی علیه بیسواری ، برای بهبود بهداشت نیز به " مبارزه " دروغین پرداخته اند .  
 د ولت در طراحت ازایگان شدن تحصیل و بهداشت سخن میراند ، ولی در عمل عکس آن رفتار میکند .  
 طبق اعتراض سران رژیم برای ۳۴ میلیون مردم ایران ۳۶ هزار پیشک و ۳۰ هزار تخت خواب بیمارستان ضروری است . برای رسیدن باین هدف با پذیرفته ادار پزشکان ایران ، هر بروت خنخواب بیمارستانها ۸ هزار فرازیش یابد . اگر ۰ هزار پیشک که در ایران موجود ندر رسا سرکش روپطروم مساوی تقسیم شوند بهتر ۳ هزار فرنگیک پیشک میرسد و این تقریباً ۵ هزار کمتر از مقیاس بین المللی است . نیزی از این ۰ هزار پیشک در تهران ویقه د ر شهرها بزرگ و مراکز استانهای ایران مقیم اند . میتوان گفت که شهرها کوچک و مناطق روستائی از خدمات پزشکی محروم اند . صرف نظر از کمی پیشک ، در شهر هاش همکه پیشک وجود رارد ، در نتیجه گرانی خدمات پزشکی ، برای عمل جر احی آپاند پیشیت ۳۰ تومان باشد پرداخت . کارگری که در آمد ماهانه اش ۲۵۰ تومان است چگونه میتواند از خدمات پزشکی برخوردار شود ؟ در پرسنی تامین کار پیشک برای کشور باید گفت که در پیشبرد این کار نه فقط گام اساسی برداشته شده ، بلکه تعداد اکثری از دانشجویان دانشکده های پیشک تهران و شیراز از طاهرا برای بدست آوردن تخصص ، ولی در عین حال برای جان بد برین از تتروپیلیسی ، از ایران خارج میشوند و اکثریت مطلق آنها پس از اتمام دوره تخصصی نیز از بارگشت به ایران امتناع میورزند .

## ۴ - تسليحات سراسما آورزیم بنفع کیست ؟

شاهکه ثروت ملی ایران را ، درحالیکه صاحبان اصلی آن ، یعنی خلقهای ایران در قدر ره جهالت غوطه ورند ، دودستی تقدیم انصهارات امیریالیستی میکند ، برای انجام وظیفه خود در رفاع از منافع آنها را داخل و خارج از مرزهای ایران : در منطقه خلیج فارس ، در ریای عمان و حتی در ترا آن ، در منطقه اقیانوس هند ، ارتش ایران را بسرعت تجهیز میکند . شاه فقط در رسال ۱۳۵۳ مبلغ ۴ میلیارد لا راز امریکا اسلحه خرید و بدین ترتیب جای اول را در میان خردیاران اسلحه از امریکا بدست آورده است . با این تذکر کشید که امریکا رسال گذشته به کشورهای خارجی فقط ۸ میلیارد لا راسلحه فروخته است .

ایران در رسال ۱۹۷۴ ، ۸۰۰ ، فروندها پیمای جت " اف ۱ " ۲۰۹ ، فرونده " جت فانتوم " ، ۵۰۰ فرونده هلیکوپتر ضربتی ، ۲۰۰ تانک ، ۶ ناوشکن به شرکتهای اسلحه سازی امریکا سفارش داده است و برای خرید زیرد ریائی اتفاق ازانگلیس که قیمتش ۵۰ میلیارد لا راست شفول مذاکره است . شاه ، علاوه بر اینها ، در خرد ارسال جاری به شرکتهای اسلحه سازی انگلیس ، ۱۲۰ تانک " چیفتون " ( قیمت هریک ۵ میلیون لیره است ) ، ۷ زیرد ریائی ( قیمت هریک ۵ میلیون لیره است ) ، ۴۰۰ زره پوش ، موشکهای زمین به هواسفار شدیده است .  
 آهنگ خرید تسليحات ایران بقدرتی سریع است که موفق تصریح روزنامه کیهان ( ۲۶ بهمن ۱۳۵۳ ) نیروی هوایی آن در رسال ۱۹۸۰ از نیروی هوایی تمام کشورهای ناتو ( بجز امریکا ) بیشتر خواهد شد .

طبق نوشته مجله‌امريکائی " نيزوپولك " دولت امريکا تمام سلاحهای راکه شاه ، دستياروفادار امريکابراي حفظ منافع اميرياليس تهار رخليج فارس با اشغال جزایر بوموس و تدبیج کوچك و تدبیج گام‌خستين را در حفظ منافع امريکاد رخليج فارس برد اشت و با این عمل کنترل تنده‌هرمز را بدست آورد . سپس گام دوم ، یعنی جنگ علیه میهن پرستان ظفار ابهرهاي اميرياليس انگليس و مملک‌حسين پادشاه اردن برد اشت . شاه اين اقدام خود را مدت مدیدی از افکار عمومي ايران و جهان پنهان میداشت . اين جنگ برای حفظ شرکت‌هاي که در عمان فعاليت دارند و سلطان عمان را به آلت دست خود تبدیل کرده اند جام ميگيرد . اين شركتها با ارتتداز شركت نفت " عمان پتروليوم دلويمنت " ۸۵ درصد از سهام اين شركت به رویان راچ شل ، ۱۰ درصد آن به " فرانسيز دويترول " و ۵ درصد آن به گلبنگيان تعلق دارد ) ، شركت نفت امريکائي که در رخليج عمان بكاراكتشاف نفت پرداخته است ، شركتهاي امريکائي و کنانداراني که کشف و تغفيه مهام نمس و نيكيل را در دست دارند .

فتنه انگيزى عليه عراق كه موجب برخورد نظامي ميان ايران و هرماق شد ، تحريك جناح راست جمهوره را مکرات کرد سtan عراق ، مداخله در امور داخلی جمهوری عراق و كوشش برای برانداختن رژيم ضد اميرياليسى و با منحرف کردن آن از سياست ضد اميرياليسى و متفرق ، گام ديرگي بود که از طرف شاه برد اشت شد .

شاه يحيى خان راکه رينگلارش به کشتار پرداخته بود با اسلحه و آذوقه و نفت تامين ميکرد و در سرکوب جنبش آزادى بخش خلق بلوجستان مستقيماً شركت راشت .

شاه ، اين دستياروفاد اراميرياليس امريكا ، که از سياست خصمها آن نسبت به منفعت هاي ملي و آزادى بخش در خاور نزد يك و جنوب آسيا دون قيد و شرط تععيت کرده از توظيفه عليه جنبشهاي آزادى بخش طن دست بر نمودارد ، ظهرا سياست اشغالگرگان اسرائيليون را در ميکند ، ولی در عمل نفت و بنزين ارتش اسرائيل را تامين مي‌نماید . وي با اداره جاسوس اسرائيل " موسراد " و با اداره مرکزی جاسوس امريكا " سيا " از زند يك همکاري ميکند . شاه بنا به تصریح روزنامه کيهان ( ۲۶ بهمن ۱۳۵۳ ) به فعالتهاي " سيا " در ایران کمک مالي مي‌نماید و اطلاعاتي راکه برای آن " جا لب " است در اختیار شميگزدارد . یعنی بد گرسخن شاه ، معنای کامل کلمه ، برای امريکا جاسوسی ميکند و حتى از اعتراف باين عمل شرم ندارد .

شاه از طرقى بامحال فل اميرياليسى و افراطى ارجاع هم‌صد اشد همنفاع آنها خدمت ميکند و برای ايجار " ثبات " و " امنیت " از راه سرکوب نیروهای متفرق و برياكدن توطئه عليه دولتها می‌لسى رتلانش است ، از " ضرورت " اخراج " ابرقدرتها " از منطقه باد هانی کف آلويد سخن ميراند ، و از سوي ريگراز ايجار پا يگانظامي امريکادر " دیه گوگار سيا " ، ازنگاهدار نیروهای در بريان و هوئاين در پا يگاه های موجود در بحرین و مصیره پشتيبانی ميکند . شاهکه در راه ايجار پيمان نظامي در راقيانوس هند و خليج فارس کوشاست ، در صدر است کشورهای اين منطقه را در پيمانی که در خدمت استراتجي جهانی اميرياليس بود هوايده دهد پيمان تعاون و کارنظامي سنتوشا شد ، متدد سازد . از پرسوت که سيا است منطقه اي شاه مورد پسند کامل گروههای توپسه دون که در دلت شوروی را در شمن عده خود مینامد ، قرار ميگيرد ( کيهان هوائى ، ۲۳ فروردین ۱۳۵۴ ) .

#### ۵ - رژيم ديرگاتوري شاه باید سرنگون شود

سياست اقتصادي و نظامي شاهکه برآساں خدمت همنفاع اميرياليس طرح‌ريزي گردیده است

دارای خصلت ضد ملی است . در ایران ، خود سری پلیسی حکمرانی میکند ، حقوق انسانی و شخصیت انسان زیر یا کناره نمیشود ، استقلال نبیرونها مقننه و قضائیه لگد مال میگردد ، ماد ۳۵ اعلامیه حقوق بشر که اصول تامین آزادی فردی و موصونیت شخصی راتعین میکند و ماده ۹ که حبس و تعزید خود سرانه را منع مینماید ، رعایت نمیشود . کوچکترین اعتراض با اکتشاف غیر انسانی پلیس را بروموگردد . حبس خود سرانه ، تبعید و احتجاء جسمانی بصورت یک امر عادی در آمد است . ترور پلیس بشیوه اساسی کارد ولت و سازمان امنیت به مرکز عمده متور پلیس تبدیل شده است . پوست زند انسان را با آتش سیگار میسوزانند ، آنها را با شوک بر قی شکنجه میکنند ، وارونه میآیند ، پاها یشان را با سیم خارج از بینند و روی جا سوزان مینشانند . اغلب آنها را میکشند و از هلکوت برید ریا چه حوض سلطان و به کوپلوت پرتاب میکنند . مرا زان مینه بن پرستی که در زیر شکنجه از خود مقامت نشان مید هند در محکوم نظماً محکوم باعد امیشوند ، یا اینکه بی سروصد اسرارهای نیست میگردند .

شاه بموازات حبس ، شکنجه و اعدام ، به عواقب فربین نیز متول میشود . احزاب در برای تشکیل مید هد و کوشش میکند تا خود را مانند "شاه د مکرات" "جلوه گرساز" . رژیم سلطنت را "مهبت الهی" "شعرد آنرا" "رموز دلت ملی" ، "مظہر ترقی" "مینامد و مبنظر اوایجاد" پایگاه معنوی "برای رژیم سلطنتی و کسب "اعتبار" برای دربار پهلوی دست به تبلیغات گسترده ای می زند . مصاحبه شاه در ۱۱ اسفند ۱۳۵۳ که در آن تأسیس حزب "رستاخیزملت ایران" و پاسازمان چدید پلیسی در مقیاس وسیع را غلام نمود ، یکی دیگر از اقدامات رژیم در این زمینه است . شادر این مصاحبه انحلال احزاب باصطلاح "قانونی" موجود رکشور ، یعنی "احزاب ایران نوین و مردم" ، پان ایرانیست و ایرانیان و تاسیس حزب چدید "رستاخیزملت ایران" را غلام نمود .

بنابراین شاه ، رژیم سلطنتی ، قانون اساسی و "انقلاب سفید" پایه های ایدئولوژیک حزب را تشکیل مید هند و وفاداری باین سه اصل ( در حقیقت وفاداری به دربار پهلوی ) برهمه افراد واجب و برای هر ایرانی که میگذرد سالگی بر مدعی پیوست داراین حزب اجباری است . هر کس که از قبول عضویت در این حزب سری از زند از طرف شاهمتم به عضویت در حزب "منحله" توده ایران میشود ، لذای بايد بزندان برود و یا از کشور خارج گردد .

متلقین در را وگوهی از روشنگرانی که خود را به دربار فروخته اند از روز اول تأسیس حزب چدید در ایران کوشش میکند تا این ابتكار "داهیانه" شاه را بمعابه عالیترين شکل دمکراسی شاهانه تفسیر کرده ، توجیه نمایند . شاه با این اقدامات خود گمان میکند که هرگاه هر ایرانی که میگذرد وارد حزب رستاخیزملت پر رژیم سلطنتی ، یعنی در حقیقت بسلسله پهلوی و فار اخواه ماند . لیکن این کوششها بیهوده است . روند حوار و نشان مید هد که پیوند دادن با اقتصاد ایران به اقتصاد امپریالیستی ، حفظ منافع امپریالیستی ، حتی خارج از مرزهای ایران ، ایفا نقش زاند از منطقه پیشبرد ن سیاست ترور و اعدام در داخل بیانگر استحکام پایه های رژیم شاه و دربار پهلوی نیست ، بلکه نمایانگر ضعف آنست .

امپریالیسم با بحران های اجتماعی ، اقتصادی ، مالی و سیاسی دست بگیریان است و در تمام طول جبهه در دربار نبیرونهای ضد امپریالیست عقب نشینی میکند . حوار و تغییراتی که در قصمت غربی و جنوب شرق آسیا و همچنین در افریقا و امریکای لاتین و ختنی در را رویارویان رجریان است ، میدان فعالیت امپریالیسم را محدود تر و تراویبدی اش را نزد یکتر میسازد . شاه افغان ، ظا هر شاه مجبور میشود را بیانیا سکن کند و شاه یونان ، کنستانتین ترجیح مید هد زندگی را در رانگستان بگذراند ، لون نول بدهمیکا و وان تیوهتا یوان فرامیکنند ، سرهنگان سیاه یونان بزند اینها اعزام میگردند و کاپتانو وزیرال اسپینولا به برزیل پناهند میشوند و امپراطور حبشه مجبور میشود در ریا بر جنبش خلق بزاند را بد

وهمه اینها حواری است که طبی دو سه سان رخ داده است . در چنین شرایطی است که تلاش‌های شاه برای ایجاد پیمانهای مختلف نظامی بمنظور سرکوب جنبش‌های آزاد بیخش ملی در خلیج فارس بشمرنگیرسد . و همچنین کوشش اوپرای تشکیل بل—وک اقتصادی و نظامی در منطقه آقیانوس هند به دستور دیگر . بیش از ۱۰ سال جنگ سلطان عمان و امپرالیسم انگلیس و پیش از ۳ سال حمله ارتشارهای ایران وارد ن کرد که به این نیروهای تجاوزکار پیوسته اند نتوانسته است مقاومت یک خلق کوچک ۲۰۰ هزارنفری ، یعنی خلق پراراده ظفار را بشکند . تحریکات علیه عراق بشمرنگید و شاه به عقب نشینی مجبور شد و دست از دخالت در امور داخلی عراق برداشت .

در برآبرام امپرالیسم و عامل ایرانی آن ، محمد رضا شاه ، خلق‌های ایران ، طبقه پیشوونقلابی ایران ، یعنی طبقه کارگروخت مشکل آن ، حزب توده ایران قرار دارد . حزب توده ایران در مردم موجود بیت خود علیه امپرالیسم و ارجاع مبارزه پیگیر و آشتنی ناپذیری کرد و میکند . مهمنترین شعاع مردم حزب مادر شرایط کنونی سرنگون کرد ن رژیم پکتاتوری شاه از طریق ایجاد جبهه ای از همه نیروهای ضد رژیم است .

ترجمه از آذر رایجانی : ت . ن .

## مردم ایران ! بخاطر دفاع از زندانیان سیاسی

## در برابر دُخیمان شاه مبارزه کنید !

"بناله" تشدید مبارزه راه قدرت در رهبری مائوئیستی

گروه مخالف خود را ستا ویزی داشته باشد . امادره صورت تظاهرات در میدان "تیان آن مین " صرف نظر رازگیره و عوامل تشکیل رهند آن بارتابی از تشدید مبارزات در رون رهبری و عدم رضایت جامعه چین از جموعه سیاست داخلی و خارجی رهبری مائوئیستی است . رکن مهم آنست که واکنش‌های کنونی ماقویوارانش نتوانسته است تناقض راکه در رهبری حزب و دولت چین وجود دارد و هم اکنون به قشرهای وسیع اهالی سرا برایت کرده است حل کند ، زیرا این تناقض از خود زندگی برخیزد . قشرهای وسیع مردم چین با سیاست همه‌چیزد رخداد مت سیطره‌جویی نداشی ، "مشک قبیل ازبرنج" که ناسیونالیست‌های مائوئیست با حرارت در نبال میکند ، مخالفند زیرا سطح زندگی عمومی را در حد بسیار زیل نگاهد اشته و سیاست عمومی کشور را برآه کمال زیانباری کشانده است . با این میتوان گفت ، مائوئیسم باین معنا که گفته شده ، ابدآ آینده ندارد .

## مبارزه ادامه دارد

جنبیش اعتراضی - اعتراضی مردم میهن‌ما سال پرشورد یگری را پشت سرنهاد . با پایان سال ۱۳۵۴ بود فتر قطور تاریخ مبارزات توده ای مردم ایران ورق تازه ای افزوده شد . از شهریور ۱۳۲۰ با ینسوی ماسالهای پرنج ، سالهای خونین و پرقریانی و در عین حال امید بخش - امید بخش برای تمامی نهضت ، با توجه به چشم اندام مطلوب پیکارهای آینده زیاد داشته ایم . سالهاییکه درین گسترش وسیع نهضت رهایی بخش خلق با امید و اطمینان بیشتر آینده نگریسته ایم . سال ۱۳۵۴ نیز چنین سالی بود .

در این سال جنبش عمومی خلق مباری آزادی واستقلال طی ، پیکار جمعی آنها برای سرنگون کردن استبداد حاکم سلطنتی توانائی بیشتریافت . رژیم محمد رضا شاه همچنان ، هم در شهر و هم در روستا باموج تازه ای از مقاومت خلق روپرور گردید . رژیم هارتشد . مبارزان بیشتری را بخاک افکند ، خونهای بیشتری ریخته شد . ولی موقعیت رژیم ، علیرغم خونسریزی های بیشتری که انجام داد محکمنشد .

در این سال رژیم محمد رضا شاه برای حفظ موجود پت خود به تهمکاری های فژون تری دست زد . ساواک میدان فعالیت خود را بیش از پیش گسترش داد . حمله بخانه های مردم ، شبیخون بکارخانه ها و روستاها ، بستن خیابانها و بزرگراه عابران و ساکنین محل که بشیوه رایج روز تبدیل شده است فژونی یافت . سینه های پرشور بیشتری آماج گلوه شد ، مردان وزنان بیشتری در پشت میله های زندانها و شکنجه گاه های بیشمار شا قرار گرفتند . ولی مجموع جنبش ضد استعماری خلق مقاوم و بیشتریافت . مقاومت مردم در برآبریا سداران استبداد سلطنتی فژون ترشد و درگیری های طبقاتی همراه با او جنبش اعتصابهای کارگری تقریباً تمام کشور را فراگرفت .

رژیم محمد رضا شاه سال ۱۳۵۴ را با اعدام ۹ زندانی سیاسی - بیژن جزئی و پارانیش در سپیده دم سی ام فروردین آغاز کرد و با ترویج اعدام پنچ میهن پرست دیگر را سفند ماهیان داد . در حالیکه در تمام این مدت بلند کوه های تبلیغاتی شاه از "ثبات سیاسی " رژیم دم میزدند شاه و دارود سته اوازی شباتی وضع موجود نگران بودند . بهمین جهت در سال گذشته آرد مکشان شاه ۱۱۲ میهن پرست ایرانی را در میدانهای اعدام ، در خیابانها ، در جریان تظاهرات و زیر شکنجه بقتل رساندند . از این عدد ۶۹ نفر آنها کسانی هستند که بطور رسمي ، بنام و نشان بقتل رسیده اند . از این ۶۹ نفر ۷۲ نفر آنها تنهاد ریک ماه ازینجا تا ۲۲ بهمن ماه بشهادت رسیده اند .

این ۱۱۲ نفر همه قربانیان رژیم در سال ۱۳۵۴ نیست . رژیم شاه از ترس افکار عمومی همواره قسمت اعظم جنایات خود را بینان میکند . این ۱۱۲ نفر کم و بیش قربانیان رسمی اوست که خود حتی نادر ره پنهان کردن آن نشده است .

رژیم شاه با تشکیل حزب درباری رستاخیزد راستانه سال ۱۳۵۴ واعلام اینکه " یا همه مردم

باید اعضای حزب شوند یا پشت میله‌های زندان قرار گیرند "باتغیر ماد ۳۱ قانون داد رسی وکیل آرش در مردم ادعا می‌کند "اعضا هرگروه مخالف سلطنت تیرباران خواهند شد" کوشید در بررسی جنبش توده ای خلق و اوج مبارزات ضد رژیم سد مقاومت ایجاد کرد . ولی مردم با پخش رهبا هزا راعلامیه در همان روزهای اول تاسیس حزب در براری واد امه مبارزه با استبداد سلطنتی در تمام طول سال امید رژیم را باطل کردند .

موج پرتowan اعتصابهای کارگری در رسال ۱۳۵۴ برای "شاه و ساواک" که مدته پیش از این می‌اند پیشیدند با تورخونی خود و عوامی های تبلیغاتی خویشتوانسته اند طبقه کارگر ایران را از حرکت بازدارنده نگرانی های تازه ای ایجاد کرد . سال ۱۳۵۴ سال رونق فزونتر مبارزات اعتصابی بود . نگاهی کوتاه به رویدارهای سال گذشته کشور از گسترش وسیع تر جنبش کارگری و شکل گیری مبارزات اعتصابی در شرایط کنونی حکایت میکند .

سال ۱۳۵۴ با تجدید اعتصاب یک پارچه کارگران کارخانه اراک شروع شد . کارگران کمازو عده های پوج شاه و ارودسته ای و جان آمده بودند ، با فریاد های "آریا مهر مگرسنه ایم" دست از کار کشیدند . سربازان مسلح شاوموا موران ساواک اعتصاب مسالمت آمیز کارگران کارخانه اراک را با تیراندازی بسوی کارگران بخون کشیدند . آنها بیش از ۱۰۰ نفر از مجموع کردند و رهمنی حدود بزندان بردند . با اینحال اعتصاب کارگران با موفقیت مسلم آنان پایان یافت . اعتصاب کارگران کارخانه اراک هنوز ادامه داشت که کارگران کارخانه آزمایش تهران و همزمان با آن کارگران کارخانه فخر ایران دست از کار کشیدند .

یک از سیمترین و پرتowan ترین اعتصابهای سال ۱۳۵۴ ، اعتصاب کارگران شاهی بود . در این اعتصاب که برای افزایش دستمزد ، تعیین وقتکار ، اجرای قانون بیمه های اجتماعی و قانون کار رویداد ، بیش از ۳ هزار کارگر شرکت کردند .

با اعلام اعتصاب کارگران در شاهی حکومت ناظم اعلام شد و در وصی روز اعتصاب گلوله های رژیمیان شاه چهار کارگر اعتصابی را بخاک افکند . پس از این استبداد بیش از ۱۲ کارگر ایران متروک و صد ها کارگر پیگر این زندان بردند . با اینحال اعتصاب وسیع کارگران شاهی پیش از ۱۰ روز با پیروزی مسلم کارگران پایان یافت .

در همین ایام رانشجویان هنرسرای عالی بابل بعنوان همد ردی با کارگران کلاس های درس را ترک کردند . آنها با برآهافتان در خیابانهای شهر و اعلام پشتیبانی خود از کارگران سنت ریزین همیستگی روش نفکران انقلابی با کارگران اعتصابی رازنده کردند . با پایان اعتصاب کارگران شاهی ، کارگران به شمرد است از کار کشیدند . کارگران به شهر نیز مانند همکاران خود در شاهی ۲۰ درصد اضافه دستمزد میخواستند . ولی ساواک با هجوم مسلحه به کارگران ، با اخراج و بازداشت بیش از ۲۰ نفر از آنها بزحمت توانست "نظم دلخواه شاه" را در راین شهر برقرار کند .

در رسال ۱۳۵۴ ماشاهد اعتصابهای متعدد کارگری در رسما رکشوریم در پیشتر این اعتصاب ها که برای افزایش دستمزد ، اجرای قانون کار و اعتراض به استثمار و حشیانه کارگران صورت گرفت عناصر جدیدی از همیستگی ، ابراز مقاومت بیشتر و اطمینان به پیروزی بچشم میخورد . در کارخانه سیمان صوفیان کارگران یک روز بعد از اعتصاب به دودسته تقسیم شدند . دسته ای در کارخانه و دسته ای دیگر رکانتری محل متحصن شدند . آنها اعلام کردند تا آزادی رفقای زندانی خود و پذیرش خواسته ایشان از طرف کارفرما محل تحصن را ترک نخواهند کرد .

کارگران همچه اپاترک پنهان اعتصاب ، با انتخاب بموقع برای اعلام آن ، با تعیین محل منابع را تظاهرات ، با آرایش قوای خویش و میان کشیدن شعارها مشخص رشد سیاسی لا زده اطمینان بخشی از خود نشان دارند .

سال ۱۳۵۴ می گمان بعنوان یک از سالهای مهم گسترش جنبش اعتصابی در پیام سال اخیر رتاریخ نهضت رهایی بخشنود مردم ایران ثبت خواهد شد . در این سال دهه اعتصاب مهم کارگری رویداد که جادار دارای پیروزی و علناکاً همی هریک از آنها جد اگانه بررسی شود .

اعتصاب کارگران کارخانه های کفشهایلا و جم در مهرماه سال ۱۳۵۴ ، اعتصاب کارگران کبریت سازی توکلی تبریز رخدار ماهه مین سال ، اعتصاب کارگران بخش رگلزموتو کارخانه ای ایران ناسیونال ، اعتصاب کارگران چاپخانه ۲۵ شهریور ، اعتصاب کارگران کارخانه ارج در تیرماه ۱۳۵۴ اعتصاب کارگران کارخانه های مینووالومنیوم سازی اراک که هرد وابن اعتصابها توسط قدام صندان شاه سرکوب شد ، اعتصاب کارگران رسیدگی و افندگی وطن در راصهان ، اعتصاب کارگران قسمت متوری شهرداری تهران ، اعتصاب کارگران کارخانه سیلندرتهران ، تراکتورسازی تبریز ، نورآهواز که در آن بیش از ۱۰۰۰ کارگر شرکت کردند ، اعتصاب کارگران بخشی از کوههای آجرپزی تهران در راواخر مهرماه ، کارخانه نوکار در بیند رعباس ، کارگران ساکا ، کارخانه بافنده متیرکود رجارد هرچه اعتصاب کارگران پتروشیعی آبادان ، اعتصاب کارگران جنرال موتورز که منجره بازداشت ۵ تنفر از کارگران این کارخانه شد ، اعتصاب کارگران کارخانه مارلی نکس ره شهریور ، اعتصاب دوباره کارگران کارخانه سیمان صوفیان ، اعتصاب کارگران پالاشکاه آبادان و بدنبال آن اعتصاب کارگران پالاشگاه تبریز ، اعتصابها برآورده ولی پیکر کارگران شیشه سازی های تهران ، همراه با راه اعتصاب کارگری دیگر کم مطیوعات درباری حقیقت که جنبش کارگری ایران ، بوزیره جنبش اعتصاب اداره وضع رژیم رایبی ثبات نشان دهنده برای حقیقت که جنبش کارگری ایران ، بوزیره جنبش اعتصابی کارگران نیرو و بندگی گذشت خود را و باره بازمی بدد گواهی میدهد .

سال ۱۳۵۴ همچنین سال شدید فعالیت جنبش رهقانی در روستاها کشور بود . نمایش های اعتراض آمیزد هقانی در روستاها اطراف شبستر ، تبریز ، اردبیل و مرند علیه ارزان خریدن محصولات تکشاورزی ، تظاهرات روستاییان اطراف مشهد ، تربت جام ، ملایر و قزوین به رای پندر اختن و امهای عقب مانده خود در خواست برای گرفتن وام جدید با توجه به فقر موشخویش ، تظاهرات وسیع در هقانان بخش نور در ۱۵ کیلومتری آمل علیه مالک خود ، اعتراض جمعی روستاییان قوجان و دشت مغان علیه بن آبی ، گرانی ، کمود مواد خوارک و فقر حاکم در روستاها و همان مایش اعتراض آمیز دیگر هقانی که خبرهیچکدام از آنها انتشار نیافت از بیان یافاقت در وران عواطفی رژیم در روستا های کشور جنوب و جوش تازه روستاییان خبر میدهد .

مراکز آموزشی کشور تبریز رتمام طول سال ۱۳۵۴ میدان پرشور مبارزه علیه رژیم شاه و پادشاه مسلح آن ساوانک بود . در این سال کمتر انشگاه و دانشکده ایست که مورد هجوم پاسداران جهل فرار نگرفت . اعتصابها سیاسی دانشجویی که از تاریخ ماه ۱۳۵۳ اداره راشت در خرداد ماه سال ۱۳۵۴ به اوق خود رسید .

هزار دادم ، هزار دادم ضد مکراتیک ، هر خیانتی که رژیم به منافع کشور انجام داد ، جوانان ماراد رمادرس ، دانشگاه ها و مد ارس عالی بخشم آورد . دانشجویان دانشگاه های تهران ، اصفهان تبریز ، اهواز و شیراز با چند اعتصاب و تظاهرات وسیعی که بدنبال این اعتصابها بریا کردند علیه اعدام ۹ میهن پرست جوان در زندانهای شاه ، قتل عام کارگران شاهی ، انتخابات قلابی در وره

بیستوسوم مجلس شوری ، تشکیل یا صلح کنگره حزب دیاری رستاخیز ، کنکور تحصیلی ، قتل عام میهن پرستان در قم ، گرانی ، فساد و تبهکاری های رژیم شاه اعتراض کردند . جوانان مأبا بخط رانداختن جان خود خاطره تابناک شهیدان ۱۶ آذر ، هوشنگ تیزابی ، خسرو گسرخی و کرامت دانشیان رازند هنگاه داشتند ، آنها علیه خرید شاهی هنگفت اسلحه ، ادامه هنگ پلید شاه در عمان ، اراده غارت نفت ایران توسعه کسرسیوم ، تشدید فعالیت ساواک در مراکز آموزشی کشور و دخالت فزون ترد ربارد رامور اشغاله از اهرا رسیعی راسازمان دارند .

در سال ۱۳۵۴ جنبش انشجوی ایران همگام با جنبش کارگری ایران همراه با همه مردم کشور در مبارزه با استبداد حاکم سلطنتی نقش ارزنده ای ایفا کرد . در تمام مدت سال شمار " مرگ بر استبداد سلطنتی " ، " سرنگون بار رژیم خائن پهلوی " در مراکز آموزش عالی شنیده میشد . گسترش جنبش مترقب دانشجویی کشور آذجان شدید بود که شاه را در رکنفرانس آموزشی رامسر بخشید . در این کفرانس شاه بار سرتیاچگی " لزوم اتخاذ تدابیری " را برای " مهارکردن دانش گاهها " تاکید کرد .

رژیم ارتقا عی شاه در سال جهانی زن سینه پنج زن میهن پرست - نزهت السادات روحی آهنگران ، فاطمه حسن پور ، کاترین عدل ، فاطمه نهائی و فاطمه افدر زنیارا باغلله مشبك کرد و روز پنجم بهمن ماه برای نخستین بار ششمین زن - منیزه اشرف زاده کرامانی را به چوبه اعدام بست . شرکت توسعه زنان در مبارزات سیاسی و اجتماعی کشور ، پیوستن مدارم آنان به جنبش رهائی بخش خلق پدیده امید بخش دیگری است که میهن پرستان ایران را خرسند میسازد .

در سال ۱۳۵۴ کاندوهای شاه با هجوم وسیع وحشیانه خود بهدا من مذہبی قم وقتل عام روحانیون آزاد یخواه صفحه ننگین دیگری بر فخرخونین دودمان پهلوی افزودند . در جریان سرکوب تظاهرات سیاسی دانشجویان مدارس فضیه و دارالشفاق قمکه جریان آن پنج روز بعد از وقوع حادثه نخستین بار توسط خود شاه اعلام شد ، آمد مشکان اوپیش از ۳۰ نفر برقتل رساندند و بیش از ۳۰۰ نفر را مجروح کردند . در جریان تظاهرات ۱۵ و ۱۷ خرداد قم بالغ بر ۱۰۰۰ نفر را سستیرگردند و رشکنجهایها تهران و شیراز و اصفهان بشد شکنجه دیدند .

در این سال روحانیت مترقب ایران به تعییت از مردم مبارزه پرتوان خود را علیه استبداد سلطنتی حاکم گسترش دارد . مأموران ساواک صد ها روحانی را که علیه جنایات بیشمار " بزید زمان " سخن میگفتند از تبریز برکشیدند ، دهه روحانی عالیقدر ، از جمله آیت الله منتظری را بشدت شکنجه دادند و به بخشن های طویل محکوم کردند . با اینحال رژیم نتوانست فریاد خشمگین روحانیت مترقب ایران را در فاع از مردم مطلعه استبداد خونین سلطنتی خاموش کند .

سال ۱۳۵۴ همچنان سال سرخورد گی بیشتر فرنگ و تظاهره همچنانه جهل بود . در این سال عده دیگری از نویسندگان و هنرمندان کشور از جمله انصار حماقی نژاد ، محسن یلغانی ، سعیدر سلطان پور ، محمود رولت آباری ، علی اشرف درویشیان و ناصر زرافشان به جمع نویسندگان و هنرمندان زندان پیوستند . رژیم جهل پرور شاه حتی از تبریز نمایشناهه " انگل " باین عنوان که گویا منظور اجرای کنندگان آن شاوه خانواده اوست جلوگیری کردند . دهه اکتاب دیگر ر " کمیسیون سانسور ساواک " نابود شد و صد ها جلد کتاب و فیلم و قصه و نمایشناهه در میان شعله های آتش سوختند .

روزنامه های دولتی نوشتند : " در سال ۱۳۵۴ تنهاد رتیران ۶ کتابخانه ، ۸ سینما ، ۲ ناشر و ۸ روزنامه موجله تعطیل شدند " .  
باتشدید ترور را ختناق در سال ۱۳۵۴ رژیم شاه برفشار د منشانه خود بر زندانیان سیاسی

افزود ملاقات ها مدد و ترشد ، از آمد و رفت بزندانها جلوگیری بعمل آمد ، خواندن کتاب و روزنامه حتی روزنامه‌های دلتی برای زندانیان سیاسی — معنی گردید . فشارهای روحی و جسمی به زندانیان سیاسی از هرچجه افزایش یافت و وزیر شاه با زیرپا گذاشتن حتی قوانین خود ، با جلوگیری از آزاری آن دسته ارزندانیان سیاسی که در وره حکومت آنها پایان یافته بود سبیعت و بیشمرصی خود را بحد کمال رساند .

در سال ۱۳۵۴ ، حتی ارتش — تکیه‌گاه استبداد سلطنت آرامبود . بازداشت عدد ای از افسران و درجه داران ، تصفیه و خراج و حتی تروعده ای از افسران وطن خواه ارتش از جمله سرگرد علی محی ارشدید تگرانی در راوره ایان او حکایت میکرد .

جنگ پلید شاه در عمان چون بختک پرسینه مرد میمین ما ، بویژه سربازان و افسران ارتش — قربانیان مستقیم این جنگ سنگینی میکند . در این سال آند سته از افسران ارتش که از ظفاریاز گشتند از رویه بد سربازان ، از اداء مقام و متممین پرستان . این سرمهین وی پایگی ادعاهای شاه در رباره پایان یافتن این جنگ میگفتند و آنها که به اسارت درآمدند ، بنناجا راعتراض مرد موطن ماراعله این جنگ امپریالیستی بگوش جهانیان رساندند .

در تهران ، شیراز ، قم و مشهد خانواره های قربانیان جنگ ظفار تاظهرا پرشوری علیه جنگ پلید شاه در عمان ترتیب را زند . آنها علیه بخاک سپردن نهانی عزیزان خود اعتراض کردند . رزیم شاه در سال ۱۳۵۴ با کمک دلا رهای نفتی زیاد کوشید افکار عمومی جهان را از خواست خوبینی که در داخل ایران میگردی خبرنگاه را رد . در مقابله در باری د روزنامه های حامی رزیم شاه در خارج از کشور با قیمت گرافی که برای هر یک از آنها پرداخت میشد اداء میافت . دولت ایران بازden از ندان مردم صد ها ساعت را پوها و تلویزیون های خارجی را بکم خود گرفت تا موقعيت خوبیش را "عادی" و رزیم حاکم راحتی "مورد تایید مردم" قرار دهد . ولی مبارزات پیگیر حزب مادرداخل خارج از کشور ، بویژه افشاگری های راد یوی پیک ایران و تشدید فعالیت جنبش انشجوی مابسا سازمان جدید آن — سازمان جوانان و اشجویان د مکرات ایران نقشه های شاه را ببرهم ریخته افکار عمومی جهان با توجه به واقعیت های امروز ایران رزیم شاه را در روز یاف خشن ترین وضد ملی ترین رزیم های ممکن ، در دریف رزیم فاشیستی شیلی و بد ترا رزیم دیکتا توری فرانکومورد انتقام و اعتراض فرارداد .

رزیم محمد رضا شاه در نتیجه انبوه خیانتی که بمنافع ملی کشور مانجا م دارد است ، در نتیجه انبوه جنایاتی که مرتكب شده ، با کوهي از شکلات اقتصادي ، سیاسی و اجتماعی که در بر رخود بوجود آورده است بیش از پیش زیر پسره چنیش تروده ای مرد مکشور ما قرا میگیرد . آینده ایران تعلق به محمد رضا شاه وارد و سته خاغن ، اونیست سرنگونی رزیم دیکتا توری محمد رضا شاه هدف میر همه نیروها و غماصر مخالف این رزیم خیانت پیشه است .

ادامه "تورو" ، شیوه لینینی مبارزه مسلحه نیست

برای نجات جنبش انقلابی ایران ازانحرفا نات "چپ" و راست ، برای پیشبرد مشی علمی و انقلابی حزب توده ایران با استواری ، پیگیری ، و قاطعیت مبارزه کنیم . و ما مید واریم که در نتیجه این مبارزه و بر اساس تجربه مبارزه بطورکلی ، "چریکها" نیز ازانحرفا افاقت که بدان دجا رند ، نجا ت یابند و نیرو و اثری خود را برای اجرای مشی علمی و انقلابی حزب توده ایران بکاراندازند .

آنارشیسم کفارة اپورتونیسم است .  
لینین

## پیروزی با مشی پیگیر لینینی است \*

لینینیسم بعنوان بسط خلاق آموزش مارکس و انگلیس در شرایط امپریالیسم و انقلابهای پرلتاری ، چنانکه تاریخ مشخص آن نشان میدهد ، در نبردی سخت وی امان علیه اپورتونیسم راست چپ ، در دفاع از سرشت انقلابی آموزش مارکس و انگلیس در رهای روزه با تمدن ساختنش از این سرشت بوسیله منحرفان رنگانگ ، در اطباق آن مراواضع نوین از جهت شوریک و پرلاتریک ، بدید آمد است .

اپورتونیسم راست در " بین الملل دوم " این نکته رامنکریوک که سازمان پیشاهنگ طرازنوین انقلابی پرلاتریا موظف است از شرایط عینی مساعدی که تاریخ برای تحقق یک چرخش انقلابی در این یا آن حلقه ضعیف سیستم جهانی سرمایه پدید میآورد ، استفاده کند و با اعمال قهرانقلابی قهار جنگی بورژوازی و متخد انش را در هم شکند و با استقرار یکتاویری پرلاتریا ، یعنی دیکتاتوری اکثریت بر اقلیت ( در مقابل دیکتاتوری بورژوازی که دیکتاتوری برآورده است ) راه را به سوی فرما سیون نوین بگشاید و انواع موانع اقتصادی ، سیاسی ، معنوی را از سرمه پیشرفت نظام سوسیالیستی بردارد و پیروزی نهائی وی بازگشت آتراتاین کند . لینین از همان آغاز فعالیت انتقلابی خود انحراف و سرد رگی بسیاری از زهیران " بین الملل دوم " را که در واقع خواستار تحول تدریجی " بی درد " سرمایه داری بسوسیالیسم بودند و " دموکراسی " پارلمانی بورژوازی را حد اعلا و اسطقسی کامل دموکراسی در تاریخ بشرمیشمردند و پیران بودند که تمثیل رکشورهای رشد یافته میتوانند تحول بسوسیالیسم روی دهد ، تشخیص را در آن ژرف بینی راهیانه و حیرت انگیز خویش ، مسائل گرهی مورد تابع را زانوبه بفرنج مسائل آن بیرون کشید و مطرح کرد و جریان نوین پدید آورد که بنام اموشح است . این جریان ادامه میشی انقلابی مارکس و انگلیس است و یک تفسیر " محلی " و گذ رانیست بلکه اهمیت جهانی - تاریخی دارد .

اگر تا پیش از پیروزی انقلاب اکابرهم لینین بطور عمد ه صرف افشاء " کائوتیستیسم و منشویسم یعنی اپورتونیسم راست عیشید ، پس از این پیروزی ، لینین توجه فراوانی به افشاء چپ روپهایی که منکر واقع بینی تاریخی ، منکر ضرورت تاکتیک قابل انعطاف در عین حفظ پیگیری در اصول ، منکر در نظر گرفتن ویژگیهای تاریخی و اجتماعی بودند ، معطوف داشت از این " بیماری کودکی " نمود اری از این مبارزه لینین علیه اپورتونیسم چپ است .

اپورتونیسم راست و چپ ، انحرافاتی نیست که فقط در زمان لینین وجود داشته و او را واد اریه نبرد اکائوتیستی گرفته تا ترسکی کرده باشد . مارکس و انگلیس نیز نبودند ، با این دو انحراف در وجود کسانی از لاسال گرفته تا باکونین نبرد کرده اند . این مبارزه پس از لینین نیز از امهه یافت . این مبارزه امروز نیز از امهه را رد . وظیفه کوئیسته نبرد دائمی و مشخص با این انحرافات و حفظ پاکیزگی و پیگیری مشی انقلابی است یعنی حفظ آنچنان مشی انقلابی که هم نسبت به بورژوازی و نیز جو شود بمقالات " درباره دو انحراف در مارکسیسم - لینینیسم " و " در جستجوی عبیث راه سوم " در شماره های گذشته " دنیا " .

نظام استثمار را مستحکم بگرد و نسازش اصولی باشد و با پیگیری بسوی پیروزی سوسیالیسم برود ، و هم واقعیات مشخص تاریخی را در کنوده رهبر لحظه معین شیوه‌ها ، اشکال ، شماره‌های متناسب را که قادر است حد اکثر نیروهار اعلیه دشمن عمدتگردد آورد ، حد اکثر ضربت را وارد سازد ، بد اکثر راه گشایش ، بیابد .

روند واحد انقلابی د وران مایش می‌رود . جنبش انقلابی طبقه‌کارگر ، جنبش کمونیستی که یکی از اجزاء سده‌گانه و جزوی متمم این روندانقلابی است در روزها و پهنه‌بسط می‌یابد یعنی تعدد احزاب کمونیست در کشورهای جهان هرسال بیشتر می‌شود و کمیت اعضاء این احزاب افزایش می‌یابد ، و گفایت این احزاب از جمیت درک جهان بینی انقلابی و انطباق خلاق آن و فراگیری فن مبارزات سیاسی و اجتماعی بهبود می‌پذیرد و برای اجراء رسالت خطیر خود بعنوان عامل ذهنی تاریخ آماره ترمیشوند . جریان وحدت این جنبش‌جهانی نیز ، علیرغم تضاد ریس و زیگ زاگهای که در آن پدید می‌شود ، علیرغم مشکلات و حقیقت برخانهای که در جریان این وحدت پدید می‌آید و نمی‌تواند پدید نماید ، عقا و از حاظ تاریخی در کامستکت و مستحکم شدن است و بدینسان ، چنانکه دیالکتیک تاریخ است ، سیاه نو ، سیاه انقلاب در رژیمهای آبد بد ترمیگرد و بیش از پیش روز قطعی رهای از بیوغ سرمایه راند یکتر می‌کند .

ولی این پیویه ایست کماکان پر فرازونشیب . مادر ربرا برجشم خود زایش و پیدا ایش مائوئیسم را بعنوان یک کژروی بزرگ ، کژیانهای فراوانی به انقلاب خلق چین و انقلاب جهانی وارد آورده و می‌آورد و دیده ایم و می‌بینیم . ما شاهد پیدا ایش نظریات اپورتونیستی راستی از قبلی "سوسیالیسم با چهره انسانی" دوچک ، اشکال مختلف ناسیونال - کمونیسم بوده ایم و هستیم . ما بانتوری های مخد و محسن که "دیکتاتوری پرلتاریا" را مورد تعبیرهای نارسا و یاغلط قرار میدهند ، در ایران گیری به "سوسیالیسم واقعی" ( یعنی تنها تجربه مشخص موجود از سوسیالیسم در جهان ) برخی دعاوی دشمن را تکرار می‌کند و یاد روش اتحاد شوروی ( که بشهادت تاریخ نیروی عمد و فاطمع تکامل سوسیالیسم و بنر علیه سرمایه داری بوده و هست ) آغاز محاجه های مشکوک رامیگزارد و بیویه اهمیت این نقش را در رجا رجوب "انترناسیونالیسم پرلتاری" در پرید همیگارد یا مخدود می‌سازد روپروره استیم . همه این باصطلاح نواز و بیهای از هر منشاء که برخیزد و با هر "استدلال" شبهه توریک که ارائه کردد چیزی جزا پورتونیسم راستنیست .

برای پیدا ایش این کژرویهای رجنبش انقلابی علی‌گوناگون است : میتوان علته تعریفی ذکر کرد : یعنی عدم درک عقیق و جامع و پیگیر و خلاق آموزش مارکسیسم - لنینیسم و انطباق آن بر وران ما . میتوان علله اجتماعی ذکر کرد : مانند تاثیر نوسانات خود ره بروز واقعی در رجنبش انقلابی پرلتاریا ، نقش فشاره‌جهانی بروز و ایجاد سرمایه ای از گسترش جنبش درینها و غیره وغیره .

ولی علله هرچه باشد ، پدیده د ربرا برجشم ماست ، ماباچ پر روی که بصورت شوآنارشیسم در آمده و بار است روی که گاه تا حد نوعی سوسیال دموکراتی ولى با ترتیب نولوئی مارکسیستی پیش می‌رود ، روپروره استیم . اخلاف لا سابلها و کاٹوتسکیها ، باکونین ها و ترسکی ها بکار خود اراده می‌هدند .

مادر ربرا بین کژرویهای هم وظیفه را می‌که بانهایت صبر و نمرش بکوشیم تا واحد ترا هرچه بیشتر حفظ کنیم و از تفرقه نیروی انقلابی و متفرق باتمام قوی و درگاه ریشمها ای علمی صبورانه و رفیقانه و تکیه ببروی عوامل وحدت افرا ، جلوگیری کنیم ، وهم وظیفه را می‌کنم بانهایت اصولیت بکوشیم تا پاکیزگی مشی و صحت روش انقلابی را که امر عده است فدائی ملاحظات درجه روم نکنیم . چرا ؟ زیرا بگواهی تاریخ ، مشی های اپورتونیستی را است و چپ ، که گاه یک در وران "جرجر" و رونق را مینگد رانند

( زیرا بهره‌جست قرجه‌های هستند که برروی یک واقعیت معین رشد کرده‌اند ) ، طی زمان ، از این رونق می‌افتد و آن چهره‌واقعی که در آغازینهای بوده ، از پرده بدرقه افتاد . گاه شنی د رست در آغاز اشاید ناتوانتر نظر مرید ولی طی زمان دیدم نیرومند ترمیشود . مثل زمانیکه ولا دیمیراولیانف جوان علیه اوتوریته پرطنه کارل کائوتسکی در " بین العلل " دوم ، سخن میگفت نبرد نبرد نابراابری بود ، ولی زمان گذشت و اینک دیگر کارل کائوتسکی خارجیته خشکیده ایست د ربرا برگو معظیم شخصیت انقلابی لعنی که صحت مشی راهیانه خود را در تاریخ انسانی به شیوه رسانده است . می‌تواند می‌تواند " می‌گذشت و خود را ستون جهان و غلبه‌ناپذیر میانگاشت ، در واقع توهمند را طراف شخصیت او سیاست را شایع بود ولی اینک نیز بینیم که از آن همه هیمنه چیزیزیاری بر جای نمانده است و سریانجام ابد چیزی بر جای نخواهد ماند .

آنچه که در طول مدت فاتح است مشی درست است . عظمت اشخاص بهمش آنها است ، نه عرکس . کسی که اینرا نفهمیده ، چیزی از مارکسیسم - لینینیسم نفهمیده است . کسی که بخاراط محسبات پراگماتیک ، قوانین تاریخی را فراوش میکند ، مسلمابای زنده است .

ما برآن بوده ایم و هستیم که آموزش لعنین نه از جهت این یا آن حکم جد اگانه ، بلکه از جهت سرشت و اسلوب انقلابی خود تازگی و فعلیت خویشا را حفظ کرد ، آموزش ریکتاوری پرلتاریا کمنه نشده وازنگاهی پایه ای آموزش مارکس و انگلیس و لعنین است . ما برآنیم که درک صحیح نقش تاریخی و کنوئی شوروی و حفظ همبستگی با آن و دفاع از آن و مقام موقع تاریخی آن یکی از اجزاء اساسی مشخص انتربنیونالیسم پرلتاری زمان ماست . این نکته ایست که لعنین بارها تصریح کرده است . ما برآنیم که سوسیالیسم یعنی آن سوسیالیسم واقعی ، موجود که بعثت به سیستم مشخص ، در ارای پوست و گوشتا استخوان ، طی دهه‌ها پررنج ، بدست صد های مامیلوں زحمتشک ، در کشور های سوسیالیستی بوجود آمده است . تجارت سیاسی - اقتصادی و فرهنگی آن سیارگران بهم است . مدل های بد و پشتونه اماثل فیشرها ، گارودی‌ها ، اتابشیک ها و مدیعیان دیگر جماعی نمیرسد . ما برآنیم که اتحاد باد پیشنهادها ضرور است ولی نهبهای قربانی کردن اصول و توجه به مختصات محلی ، ولی نه بحساب فراموش کردن انتربنیونالیسم . مابنده خود این روش اصولی خود را فدای مصلحت های روز ، حسابهای ملتگرایانه ، وجهه طلبی ، وغیره وغیره نمیکیم و از مشکلات راه و فشار دشمن نصی هراسیم ، بد و آنکه نرم شعلی و خلاقیت و نوآوری فکری خود را زدست بد هیم زیرا میدانیم مشی اصولی مسلمابرمونان غلبه خواهد یافت و دشمنان سه‌مگین را از پای د رخواه ر اورد .

با وجود آنکه برخی پدیدهای اپورتونیسم راست ( ونه انتباط خلاق مارکسیسم - لینینیسم بر شرایط ویژه این با آن کشور یا نرم‌شہای تاکتیک ضرور که مورد تایید هر کسی است که در یالکتیک تاریخ را در رک میکند ) اکنون در جنبش کمونیستی جهانی نیده میشود ، ولی ما مید فراوان داریم که این پدیدهای جد اگانه نخواهند توانست ، چنانکه آرزوی دشمن طبقاتی است ، بیک جریان تبدیل شود و جنبش انقلابی وحدت خود را مقابل امپریالیسم و نیز رقبا مانعیسم حفظ خواهد کرد .

## حل بحران خاور نزدیک

### بلون تأمین حقوق ملی خلق عرب فلسطین

#### در میهن خود ممکن نیست

بحران خاور نزدیک همچنان ادامه دارد . کانون جنگ در این منطقه حساس نه تنها خاموش نشده بلکه درنتیجه پیک سلسه حواز خونین که محصول سیاست تجاوز و تعریض حکومت صهیونی و نژادگرای اسرائیل به پشتیبانی امپرالیسم امریکاست ، تشدید گردیده است . سیاست مزورانه " پابیای " کیسینجر که هدف آن ایجاد جدائی و شکاف در جبهه کشورهای عربی و تثبیت موقعیت اسرائیل بود از پیره بیرون افتاده و از جانب خلقهای عربکوکشورهای عربی با استثنای مصر که راه شاخص با امپرالیسم امریکارا بزیان مردم مصروفما برخلقتها ی عرب در پیشگرفته ، حکوم شده است . اسرائیل با استفاده از سیاست اسلام زکارانه انورالسارات نه تنها از تخلیه زمینهای اشغالی و شناسائی حق ملی خلق عرب فلسطین برای تعیین سرنوشت خود در رخاک فلسطین سرباز میزند و قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل متحد را بهیچ میشمارد ، بلکه با شتاب هرچه بیشتری ایجاد " کنسن " های بیهودی در زمینهای اشغالی سرگرم بیهودی کردن این مناطق و تصفیه کردن این سرمینهای از اعراب فلسطینی است . هم اکنون در مناطق اشغالی بیوه دزغب روادار و حاشیه غربه نبرد بین اعراب و حکومت اسرائیل درگیر است . مبارزه علیه مصارف زمینهای اعراب و علیه فشار و ترور و ختناق بصورت اعتراض و تظاهرات خونین ادامه دارد . خبرگزاریها کشورهای امپرالیستی پنهان نمیکنند که روز سی ام مارس بیش از نیم میلیون از اعراب در زمینهای اشغالی دست باعتراف زدند . در جریان این اعتراض تیرهای امنیتی اسرائیل مردم را بامسلسل بستند ، عددی را کشند و صد هانفرار و رشمرهای مختلف بزندان اند اختند . این اعتراض که راهنم آن تاقلب اسرائیل کشیده شد و عربها تبعه اسرائیل نیزدان پیوستند ، بصهیونیست هاشان دار که تدبیرآنها در طول چندین سال برای سرکوب خلق عرب فلسطین بحاجت نرسید و سیاست ریشه کن کرد نفوذ سازمان مقاومت فلسطین باشکست روپوشده است . ظاهر کنندگان زیرپرچم سازمان آزادی فلسطین و باد ادن شمارهای این سازمان در ۲۴/۴/۱۹۷۶ اراده تزلزل ناپذیر این خلق را برای دفاع از حقوق ملی خود در دشوارترین شرایط بجهانیان نشان دادند .

در ریاره تظاهرات اعتراضات ، کیهان در ۴ فروردین نوشت که " بعلت شرکت در اعتراض ، عمومی اعراب هزاران عرب در اسرائیل از کار خارج شدند . صد های بیهودی بطریق داری از اعتراف تظاهرات کردند . اعراب فقط بشرطی خواهند توانست بسرا کار خود بازگردند که حقوق پیک روز خود را

تقدیم بود جه دفاعی اسرائیل کنند " همین روزنامه نوشت که " اوضاع در منطقه اشغالی ساحل عربی رود اردن همچنان منشجن است . در رتیله هرات در یروز ۴ عرب دستگیر شدند " .

" اسوشیتد پرس " در رارهتیله هرات اعراب نوشت که " در هر فته گذشته با شورش ۵۰۰ هزار نفر عرب در اسرائیل عامل شوم جدیدی علیه کشور بیهود ظهر کرد ۰۰۰ و قتی دلت اسرائیل در منطقه جلیله سرزمینهای آنها را مصادره کرد این اقدام چون جرقه ای شورش آنها را بوجود آورد است " .

انتخابات محلی در سرزمینهای اشغالی غرب اردن و حاشیه غزه با وجود تدبیرگران اشغال گزان در ماههای اخیر است رد بررسینه سازشکاران عرب نزدیک مقامات اسرائیل زد و نمایندگان سازمان آزادی فلسطین در این مناطق انتخاب شدند . هم اکنون که این مقاله را مینویسیم مازده اعراب بصورت تناهی اهراست و فاعل در مقابل حملات پاییز و ارتضیان اسرائیل که با گازشگ آروگوله های مرگ را میخواهند مقاومت سرخشنانه اعراب را در هم شکنند ادامه دارد . روز سوم ماه مه جلسه شورای امنیت سازمان ملل متحد برای رسیدگی بوضعی که در مناطق اشغالی پدید آمده تشکیل جلسه داد . در این جلسه نمایندگان سازمان آزادی فلسطین بعنوان نماینده رسمی خلق عرب فلسطین علیرغم مخالفت اسرائیل شرکت کرد تا خواجه و حنایاتی را که اسرائیل در هر فته های اخیر مرتکب شده در آنجا شرح دهد و مجازات این حکومت تجاوز کار را ایشواری امنیت سازمان ملل متحد بخواهد و جهانیان را ایستگیریهایی که برای خلق از طرف نژاد پرستان صهیونیست میورد ، آگاه سازد .

مقامات حاکمه اسرائیل باتعا مسائل ارزییدن خلق سه میلیونی عرب فلسطین بحقوق ملی و تاسیس کشور و حکومت خود در خاک فلسطین علیرغم شناسائی این حقوق از طرف سازمان ملل متحد و با وجود قبول سازمان آزادی فلسطین بعنوان نماینده قانونی خلق عرب فلسطین در این سازمان جلوگیری میکنند . حقایقت خلق عرب فلسطین که ایشانی بید ریغ جامعه کشورهای سوسیالیستی و در پیش آنها اتحاد شوروی و خلقهای عرب و نیروهای دموکراتیک جهان برخورد ارادت ، تا آنچاروشن گردیده که بیشتر کشورهای غرب اروپا نیز این رشد اند راظه هرات خود با وجود پیوند های نزدیک که با اسرائیل دارند ، بدان اعتراض کنند . اما حکومت صهیونیستی اسرائیل بجای آنکه ازشکست سیاسی خود در رصنه جهانی پند بگیرد و در سیاست تجاوز و توسعه طلبی خود تجدید نظر کند ، بخوبی هرچه بیشتر اسلحة از امریکا و کوشش برای دست یافتن بسلاحمهای این و انواع اتوطئه هار در منطقه خاورمیانه بمنظور نگهداری زمینهای اشغالی و نابودی خلق عرب فلسطین از راه زور ، ادامه میدهد و بد نیال استراتژی جنایت با خود که با استراتژی امپریالیسم امریکا در خاورمیانه پیوند دارد ، میورد .

#### استراتژی جنایت با اسرائیل

از همان آغاز تاسیس حکومت اسرائیل استراتژی صهیونیست ها را نمود ، نابود کردند و مصادره زمینهای اراضی خلق عرب فلسطین ، تجاوز کشورهای عربی همسایه برای توسعه خاک اسرائیل وايجار پایگاه طعمتی برای گسترش نفوذ سیاسی ، اقتصادی و نظامی امپریالیسم امریکا در خاورمیانه و نزدیک بود . برای رسیدن باین هدفها اسرائیل ایضاً بردن هیچ چگونه وسیله ای خود را از نکرده است . آنچه در اینجا مورد نظر ماست بررسی سیاست حکومت صهیونیستی اسرائیل نسبت بخلق عرب فلسطین و نبرد جانانه و لیرانه ایست که بیش از یک ربع قرن این خلق در داخل و خارج میهنش

برای تامین حق تعیین سرنوشت خود در خاک فلسطین میکند . در سال ۱۹۴۸ که اولین حکومت اسرائیل در قلسطین بوجود آمد ، خلق عرب فلسطین که میرفت از چنگ تسلط جابران<sup>۱۴</sup> مپریالیسم انگلیس رها شود را چاریک از گمنگیزترین سرنوشتهاشد . سازمان ملل متحد بجزیره سرگردان فاشیسم هیتلری بر قوم یهود با تقسیم فلسطین بدمخشن عرب و یهودی "اجاقی" باین قوم فاشیسم زده دارد . اما چیزی نگذشت که این "اجاق" تبدیل به جمیعی برای خلق عرب فلسطین و خطر بزرگی برای کشورهای عربی همسایه وصلح منطقه و جهانی گردید . صهیونیسم و امپریالیسم امریکا این "اجاق" را بیانگاهی برای تجاوز و توسعه طلبی در منطقه خاور نزدیک و میانور آنداز ارمنی برای پاسداری از هدفهای اقتصادی ، سیاسی و نژادی پلید خود تبدیل گردند . اسرائیل در سمه جنگ تهاجمی نزدیک بد و میلیون از اعراب فلسطین را از میهن خود باید از گریهای وحشیانه بیرون راند و بخش های بزرگی از کشورهای همسایه یعنی از مصر ، سوریه و اردن را بزور تصادبکرد . خلق عرب فلسطین که بنادر دریخشی از خاک فلسطین حکومت خود را در کار "اجاق" اسرائیل بوجود آورد به "پناهندگان فلسطینی" تبدیل و وزیر جا در رهای "مرحمتی" سازمان ملل متحد در بیانهای سوزان اردن ، خرابهای لبنان و گوشه کنارهای سوریه و مصر گردان و یگرستگی و بی خانمانی را چارگردید . حکومت صهیونیستی اسرائیل زمینهای دارای این "پناهندگان" را صاف و ساده بالا کشید و لعید و سرانجام از اعراب رانده شده را که برای دفاع از حقوق حقه بمعابر پر رختند "تورویست" ، "راه زن" و "آر مکن" خواند ! صهیونیست های با صادر غاصبانه زمینهای رانده شدگان و آنها که هنوز رزمنهای اشغالی مانده بودند در اطراف واکناف جهان بگرد آوری یهود<sup>۱۵</sup> واستقرار آنها راین کارهنجویم اراده دارد . اکنون وضع بدین قرار است که قریب د و میلیون عرب فلسطینی در خارج از میهن خود بطریق عمد د رکشورهای عربی مجاور اسرائیل در شرایط سیار دشواری زندگی و پراز رسیدن بحقوق ملن خود نبرد میکنند . بخش دیگری در داخل خاک فلسطین و سرزمینهای اشغال شده در قسمت غربی رود اردن که در جنگ سال ۱۹۶۷ به تصرف اسرائیل در آمد زیریوغ حکومت نژاد پرست اسرائیل د جا رستمهای گوناگون است .

#### رفتار اسرائیل در زمینهای اشغالی

- مقامات حاکم اسرائیل براساس "قوانين" که بنام "قوانين دروض فوق العادة" تامیده میشوند در سال ۱۹۴۵ از اطراف استعمارگران انگلیس وضع شده واژجمله آنها اخراج ازکشور محدود کردن آزادی حرکت ، سانسور مطبوعات و جلوگیری از آزادی بیان است ، در سرزمین های اشغالی حکومت میکند . ماده سوم یکی از این "قانون ها" بمقامات اداری و حکام نظامی حق میدهد که هر کس را بخواهند بدون هیچ گونه اتهام برای مدت نامعلوم بازداشت و زندانی کنند . ۱ زیال ۱۹۶۷ بعد باستانداری "قوانين" ۲۰ هزار نفر را در زمینهای اشغالی بازداشت و بشورهای همسایه رانده اند . جالب توجه است که این "قوانين" در درون اشغال انگلیس ها بشد تمور اعراض یهودیان در قلسطین بود . بعقوب شیمشن که بعد هاراد ستان و سپس وزیر راد گستری اسرائیل شد در سال ۱۹۴۶ چنین میگفت : "سیاستی که در قلسطین پس از وضع قوانین " فوق العادة " اجرامیشو د در هیچ یک از کشورهای متده نظایر نداشت . از این نوع "قوانين" حتی در آلمان نازی هم وجود نداشت . . . وظیفه ما اینستکه بگوییم " قوانین حالت استثنای " که از طرف حکومت بریتانیا در وراث تحت الحمایگی فلسطین وضع شده پایه و اساس داد گستری را در راین سرزمین نابود میکند " . ولی همین "شیمشن" خود ناظر و مجری این "قوانين" هنگام دادستانی

وزارت شرعيه خلق فلسطين و اعراب ساكن مناطق اشغالی شد . طبق این " قوانین " رفاصله سالهاي ۱۹۶۲ و ۱۹۷۲ د هزارواز ۷۳ تا ۷۴ هزاروسیصد و هشتاد و سه هزار دون دادرسی واعلام جرم بازداشت شده اند .

۲ - مقامات اشغالگار اسرائيلى در زمينهاي اشغالى يك شكه از زندانهاي وحشتناك بوجود آوردند

زنده ان پيت المقدس ، رمله ، نابولس ، هيرن ، غزه ، تلهم ، اشكلون ، بئرشعبه ، يروكوه ، تولکارم ينهين ، الجلام موقفيه . وضع عمومي اين زندانها راتنهاباواه و حشت انگيزمتowan بيان کرد . کم غذا ، نبودن پرشك و دارو ، ستم زندگاني زندانيان ، آزار و ستم زندانيان جنائی نسبت به زندانيان عرب ، نداشت ملاقات با خانواره پاره اي ازویزگيهای اين زندان هاست . از ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۴ بيسوت و هفت هزار فلسطیني در اين بجهه وله ها زندانی شده اند .

۳ - شکنجه جسمی و روحی بشدت درباره بازداشت شد کان اعمال ميشود . افسران و اعضاي سازمان " شين بت " يعني سازمان " امنيت " اسرائييل ، چه د رمور زنان و چه مردان دستگير شده خشن ترين و تکامل يافته ترين اشكال وسائل شکنجه رابكار ميريتد ( ماموران شکنجه گر ساوانک از اين جنایتکاران درس گرفته اند ) . تنها شکنجه در مراحل بازپرس بكار ميرود بلکه مانند ايران تمام زندانيان محکوم نيز رخطر شکنجه هستند . ماموران شکنجه وعد اباب ناماها مستعار و عنابين ساختگي دارند . اينچند نمونه از شکنجه ها : وارد کردن ( شوك ) الکتریکی در قسمتهاي حسام بدن ، سوزاندن با آتش سیکار ، ویران کردن ازیاسقف ، استفاده از سگمای د رنده ، فروبردن بازداشتني در حمام الکتریکي ، کشاندن زنها روی زمین ازموي سر ، وارد کردن موی انسپ در رضوتنالي مرد ، فروبردن با توم يا اشيا ظبيز در رضوتنالي زنان و بازیشت بعد از اینها شمه اي از انواع شکنجه هاست که بطوريکميد ائم ماموران پست فطرت ساوانک هم آنها را در ایران بكاری بندند . در بر ابراهيم نوع غذ اهابا جباره ليسيدين کثافات مستراحها ، نوشاندن ادرار ، کافتکردن بروی زندانيان از شکنجه هاي " نرم " بحسب ميآيد !

۴ - فلسطيني هاى که در زمينهاي اشغالى باقدامى عليه اشغالگران شده باشند در بيدار گاه هاى نظامي طبق " قوانين استثنائي " بدون مراعات کمترین اصول قضائي به مکوميتهای که از پيش تعين شده محکوم ميشوند ( درستعانتند ايران ) .

۵ - اخراج ازکشور بطور سیستماتيك بکشو رهای مجاوا بر ائيل نیز جزئی از شیوه هاى است که برای " حل نهائی مسئله فلسطین " در هم شکستن مقاومت اعراب فلسطین بكار ميرود . طبیعی گزارش سازمان ملل متحده تا سال ۱۹۷۱ بيسوت و هزار فرار ابدون دليل اخراج کرده اند . بيشتر اينها از اشخاص سرشناس و يا از روشنگرها بوده اند .

۶ - آزاد ببيان ، آزاد مبومات و آزاد سازمان دادن در مناطق اشغالى برخلاف گفته در پيير ازان اسرائيلى باشد تمام ازاعاب سلب شده است . نزد يك به يك ميليون نفر فلسطيني از ابتداي ترين حقوق انساني محرومند . حتى آن فعالیت هاي فرهنگي كدهيگونه خصلت سياسي ندارند ، منوع است . تبلیغات مذهبی اسلامی در مساجد باید قبل از مسانس مرقات نهاده اسرائيلى بگذرد . هر گونه فعالیت اجتماعي و فرهنگي منوع است . هيئت هاي مد پرها سازمانهاي ورزشي زير نظر مقامات اسرائيلى انتخاب ميشوند و اگر اشخاص مورد نظر آنها انتخاب نشند ، آنقدر انتخابات را تجدید ميکنند تا افراد مورد نظر آنها انتخاب شوند و گرنه با شگاره باشگاران بندند . اين-

فشارهای اعراب مسلمان وارد نمیشود ، بلکه با سیحیان عرب نیز همین طور فتار میکنند . در اکتبر ۱۹۷۴ مقامات اسرائیلی از باشگاه ( ارتکس ) های " بیت السحور " و " رمله " خواستند که افراد " ناطلوب " را از مدیریت این باشگاهها بیرون ببریزند ! سند یکاهای کارگری و صنفی زیر نظر قیق پلیس اسرائیل قرارداد رن و رهبران آنها امکر زندانی و یا اخراج کرده اند . اطاعت‌های تجا ری اعراب پیوسته در خطرپرسه شدن و روسای آنها رخطر باز است . ظاهراً مسالمت آمیز واعتصاب بکلی ممنوع است و باشدت سرکوب میشود . فروشگاه‌های که بعلام متعارض کارخود را تعطیل میکنند با زوریا زوکار کن آنها زندانی و جریمه میشوند .

در مرود مطبوعات کافی است گفته شود که متینهای عرب خطر باز است و در مواردی سریعه نیست شدن را دارد . برای مثال از مدیر روزنامه ( الفجر ) آقای یوسف نصیریاد میکنیم که اورا ریووه و سریعه نیست کردن ( شیوه ساوان ) . تنهایز کرلمه فلسطین یا فلسطینی برای توقیف روزنامه و پیگرد صاحب آن کافی است . روزنامه " الشعب " بهمین دلیل توقیف و مدیر آقای علی الخطیب در رایان سال ۱۹۷۴ تبعید شد .

۲ - مصادره مزمین‌ها و اراضی اعراب خود ستم را پیگیریست که بی پروا رزمنهای اشغالی انجام میگیرد از ۱۹۶۷ بعده این ستمگری شدت بیشتری یافته ، مقامات اسرائیلی زمینهای خلق عرب فلسطین را بنام " امنیت " غصب میکنند و بلا فاصله به روهمای تازه‌وارد بیهود میدهند . باین ترتیب در هرون ، نابولس الخا ن ، الا حمر ، بیت المقدس وغیره ایسال ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۳ بیش از ۴۰ کلنی بیهودی در مناطق مصادره شده ، بوجود آورده اند . نابود کردن کشتزارها ، بستن مجاري آب و خراب کردن خانه‌ها و روستاهای فلسطینی بمنظور زیکردن جا برای تازه‌واردان بیهودی امری عادی است . در حاشیه " غزه " درست کم پیک سوم زمینهای را بای عنوان که متعلق بد ولت بوده ، مصادره کرده اند و بیش از ۲ هزار د نونم ( هر ۸ د نونم تقریباً یک هکتا راست ) از زمینهای اعراب بساختن کلنی‌های اسرائیلی اختصاص را داشده شده . در سال ۱۹۷۲ " بد وین " ها را بر ترک زمینهای خود نزدیک " رفه " در حاشیه غزه جبور کرده که مساحت آنها صد هزار د نونم بود . از ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۲ شش هزار جهار صد خانه‌پناهندگان فلسطینی ویران و نزد یک بهده ۳۶ روستا زیر رورو کردن . هدف تمام این اقدامات بیهودی کردن زمینهای اشغالی و نابود کردن اعراب فلسطینی سکنه زمینهای غصبه شده است . گلداز امیر ، نخست وزیر سابق این هدف را بروشتن چنین اظهار کرد : " ما هرگز از جایی که کلنی ایجاد کرده ایم بیرون نخواهیم رفت " .

۳ - فشار اسرائیل به شهرداری‌ها و شوراهای محلی یکی دیگر از مستمرگری‌های اشغالگران است . این مقامات از طرف ساکنان مناطق اشغالی انتخاب میشوند و کارآئنها رسیدگی به نیازمندی‌های محلی ارقیل آب و برق و وسائل بهداشتی و نظائر آنهاست . مقامات اسرائیلی که توانسته اند آنها را وسیله خفه کردن احساسات مردم علیه اشغالگران قرار دهند ، در آمد شهرداری‌ها و شوراهای روستاها را ضبط و شهردارها را با عاضی شوراها را مورد پیگرد قرارداده اند . آقای روحی خطیب شهردار بخش عربی بیت المقدس ، عبد الجوار صالح شهردار " البيره " ، دکتر مصطفی معافون شهردار " هلموں " و سیاری دیگر که زیریا را جرای دستورات ضد عربی اسرائیلیها نرفته اند ، بازداشت ، شکنجه و اخراج شده اند .

۴ - اسرائیل قوانین بین المللی ، قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد ، شورای امنیت و قطعنامه‌های یونسکو را نقض و از جرای آنها سریا میزند که ماباره از موارد آنها در بیت المقدس را شاره میکنیم :

الف - الحق بخش عربی بیت المقدس به بخش یهودی نشین در ۲۸ زوئن ۱۹۶۷

ب - انحلال شورای شهرداری بخش عربی بیت المقدس در ۲۹ زوئن ۱۹۶۷

ج - الفای تمام قوانین و مقررات محلی اردن و جانشین کردن قوانین اسرائیل بجا آنها در این شهر.

د - انحلال رادگاههای عربی واجبار مردم عرب برای جمیع بدادرگاههای اسرائیلی در بیت المقدس.

ه - حذف تمام محکم شرعی اسلامی واجبار ساختن مسلمان برای جمیع بمحکم شرعی اسرائیل (یافا) برای مسائل مذهبی در بیت المقدس.

و - مصادر و سلب مالکیت ۲۰۰۰ د نون از زمینهای اعراب در بیت المقدس.

ز - خراب کردن بیش از ۸۰۰ ساختمان متعلق به اعراب در این شهر.

ح - ساختن ۱۳ محله یهودی نشین در زمینهای اعراب در بیت المقدس.

ط - برقراری کترول شدید بر سیستم آموزش پژوهش اعراب، تغییربرنامه و کتابهای آموزشی اگاهها.

ی - تغییرتکیب سکنه شهر بوسیله اخراج اعراب و در این یهودان بجا آنها - شماره

اعراب در بیت المقدس رسال ۹۴۸ ۱ صد و چهل هزار نفر بود رسال ۹۷۴ ۱ به

هزار نفر بسیدۀ در حالیکه شماره یهودان در این مدت از صد هزاری ۵۰ هزار نفر بالا

رفته است.

در ریاره یهودی کردن شهریت المقدس سازمان علمی، فرهنگی و تربیتی ملل متحد (يونسکو) مکراز ولت اسرائیل خواسته است که از تغییرساختهای تاریخی و فرهنگی این شهر خود را ریار کند. قطعنامه شماره ۴۴۴ مصوب شورای عمومی اجرایی یونسکو در ۲۴ مه ۱۹۷۴ اقدامات اسرائیل را در این شهر بشدت محکوم کرد.

۹ - انتشار ترتیب نزدی علیه‌مردمها - در این باره ماذکر قاله "تامار مارت" نویسنده اسرائیلی در رضیمه روزنامه (هارتس) ۲۰ سپتامبر ۱۹۷۴ بسند همیکنیم. او مینویسد که "یکی از پدیدهای بسیار اضطراب‌آور رابطهای برا کودکان در کشور ما کتابهای هستند که بطور معمی برای کودکان منتشر می‌شود و کودکان آنها را با شور می‌خوانند. این کتابهای تعریف می‌کنند که چگونه این کودکان را لیمیت‌وانند بر عریهای گیج و غمهم پیروز شوند!".

آنچه ربراک گفته شد بخش اقدامات ضد انسانی حکومت صهیونیستی اسرائیل در سرزمین های اشغالی و داخل خاک اسرائیل است. بیست و نه میلیون مجمع عمومی سازمان ملل متحد بر اساس گزارش‌کمیسیون ویژه مامور سیدگی بوضع اعرب در سرزمینهای اشغالی، در رسال ۱۹۷۴ نگرانی عمیق خود را زانگونه اقدامات اعلام و دریند ۴ آن سیاست اسرائیل را محکوم کرد و آنرا "مابع برقراری یک صلح عادلانه و پایدار در خاور نزدیک" دانست.

#### اقدامات اسرائیل در خارج علیه‌خلق فلسطین

جبهه مقاومت مسلح فلسطین که مرکز آن در خارج از خاک فلسطین بوجود آمد و شبکه خود را در اردن، لبنان، سوریه و مصر و تقلب اسرائیل گسترش دارد، ظرف مدت ۲۸ سال توانست موجودیت خلق عرب فلسطین را بامارزات خونین و اردن هزاران نفر قربانی بسازمان ملل متحد و جهانیان بقبلا ند. جنبش آزادی فلسطین موفق شد بعنوان نماینده خلق عرب فلسطین از طرف سازمانهای بین‌المللی شناخته شود و مسئله "پناهندگان فلسطینی" را که در مذاکرات و قطعنامه‌های بین‌المللی

از حل آن یاد میشد ، تبدیل بشناسائی حق ملی خلق عرب فلسطین برای تعیین سرنوشت ایجاد د ولت وکشور خود رخاک فلسطین ، تبدیل نماید . این پیروزی در درجه اول مهون جنبش مسلح و متفق د و میلیون راند مددگان و بیکمیلیون ساشار مناطق اشغالی فلسطینی و همیستگی اعراب ساکن خاک اصلی اسرائیل و جامعه کشورهای سوسیالیستی در پیش آنم اتحاد جماهیر شوروی و تماذیوهاى مترقبه د رکشورهای عربی و جهان است .

در برآورده از میکرایاراب فلسطین در رخارج ، اسرائیل از سیاستنا بود کرد مقاومت مسلح فلسطینی ها با گفت ارتقا عرب ، پیشتبانی امریکا و حملات هواپی و زمینی و دریائی به مرازی لادفاع پنهاندگان ، پیروزی کرد . حکومت ارجاعی اردن هزاران نفر از مبارزان فلسطینی را درین نبرد نایاب را زیارت د رآورد ، مراکز مقاومت آنها را در رادن نابود کرد و تماذیوهاى مسلح این جنبش را وارد ار بترک ارد ن ورفتن بسویه نمود . اما این ضربت سخت به مبارزه مسلح جبهه آزادی فلسطین پایان نداد . مرکز سازمان مقاومت فلسطین از اردن به لبنان که صد ها هزارینا هنده فلسطینی در آنجار روضه بسیار د شواری د رار و گاهها زندگی میکنند ، منتقل شد . از این پرلبنان هدف تهاجم و حملات اسرائیل قرار گرفت . با آنکه لبنان با اسرائیل در حالت جنگ نبود هنوز است ، راه زنان صمیمونیستی با نقغی کلیمه مقررات بین الملل ، برای دردم شکستن جنبش مسلح خلق عرب فلسطین این کشور را از راه دریا و زمین و هوا مورد حمله قرار داد و هزاران نفر از کواد کان و زنان و مردم غیر مسلح راچه فلسطینی و چه لبنانی کشتند ، د هادروستا ایلبنان را در رهم کوفتند و چندین بار به شم ربیروت دستبرد هواپی زند . این حملات هم اثنوں نیز ادامه دارد . غالباً برای این جنایات اسرائیل با فرستادن جا موسان خود بدداخ سازمانهای مقاومت کوشش کرد که بین سازمانهای گوناگون جبهه مقاومت اختلاف و نتفا ماند از آنرا ازد رون تضییف کند . در حواله داخلی لبنان نیز سنت جنایتکار اسرائیل پیشتبانی آن امپریالیسم امریکا را کار است . در جنگ داخلی لبنان سازمان آزاد ایل فلسطین کوشش بسیار کرد نا از کشاند هشدن بینک د داخلی ایلبنان احتران کند ولی جنگ افزوران با هجوم و حمله به ار و گاهها ن پنهانندگان ، جبهه مقاومت فلسطین راچا از دید فاع و ورود د رزد و خورد رست هنگام د رگری با این جبهه با سازمان فاشیستی " کتابخانه " که از اشرف امپریالیسم امریکا و اسرائیل تزویت میشود ، تماذیوها ای اسرائیل از هدواد ریا و زخا اسرائیل بخاک ایلبنان و پنهانگاهها را راند هشدن بینک د داخلی ایلبنان احتران کردند و این ما جراهم چنان اراده دارد . در صریح حکومت اوراسیارات که در راه سازش بـ امریکا و اسرائیل پیش میرود بـ شارخود بر سازمانها ی پنهانندگان فلسه اینی و مراکز تبلیفات آنها افزوده است . با تمام این احوال و علی رغم تلافات گوناگونی که بجهه مقاومت و موارد آمد ، سازمان آزاد ایل فلسطین از هر وقت دیگر نیرومند تراست ، هزاران نفر عرب فلسطینی در کره جنگها ی طولانی آبدیده شده و ارتضی را بوجو آورد که بخش بزرگ آن در رخاک سوریه و لبنان مستقر است . در داخل سرزمینهای اشغالی اشغالی و خاک اسرائیل شبهه این سازمان مرتباضربات سختی بد شمن وارد می کند . سیاست د رهم شکستن مقاومت اعراب فلسطین و حل مسئله فلسطین از رانابودی این خلق با شکست و بروزگزیده مشکل خاور زد بـ همچنان خود باقی است و خط رانجاريک جنگ دیگرین اعراب و اسرائیل هر روز بـ شترمیشود . بـ نسبت این حالت خطرناک است که د ولت اتحاد جماهیر شوروی بـ عنوان عضو ائم شورای امنیت سازمان ملل متعدد و بـ خاطر علاوه ایکه به تحکیم مسلح و تنشیز د ای دارد در ماه آوریل ۷۶ طی اعلامیه ای نگرانی خود را روضه خطرناکی که در این منطقه بـ وجود آمده ابرازد اشت . در این اعلامیه در برآورده سیاست اسرائیل نسبت بـ خلق عرب فلسطین چنین میخوانیم :

" مقامات حاکم اسرائیل از تحقیق یافتن حق خلق فلسطین برای ایجاد کشور خود جلوگیری میکنند . خلق سمهیونی فلسطین که مانند تمدن خلقهای خاور نزدیک و دیگر خلقهای جهان دارای چنین حق است ، از آن محروم و رانده شده وابن در حالی است که حق ایجاد کشور رخاک فلسطین از طرف سازمان ملل متحد تایید گردیده و سازمان آزادی فلسطین بعنوان نهادی قانونی این خلق بطور وسیعی شناخته شده و احتمال توده مردم در زمینهای اشغالی برخوردار است . . . . ."

### سیاست دولت ایران

دولت ایران سالمها از شناسائی حق خلق فلسطین سربازیزد و نهادها چنین خلق و چنین حق را نمیشناسی خلق فلسطین را از طرف ایرانیان جزو قابل پیگرد می شمرد . هنوز خاطره جوانانی که برای کمک باین خلق قصد خروج از ایران را داشتند و شکنجه و زندان و حق اعدام محکوم شدند ، زنده است . امروز حکومت ایران تنها رحرف از تصمیمات شورای امنیت سازمان ملل متحد وبالنتیه از حق خلق فلسطین ظاهرا پشتیبانی میکند . اما د عمل در تمام زمینه های با حکومت صهیونیست تجاوز کار اسرائیل همکاری نزدیک را دارد . چرخ ماشین های جنگی اسرائیل عنیه اغراط را نفت ایران بحرکت می آورد ، سازمان ساواک با سازمان " د مسار " اسرائیل همکاری و پیوند نزدیک دارد ، کارشناسان اسرائیلی در کنار امریکاییان در ارتش وقوای " تامینی " ایران فعالیت را نزد سرمایه های اسرائیلی و ایران در افریقای مرکزی است بگردن به بهرگشی مشغولند ، ایران و اسرائیل هر دو و نقش زاندارم امیری بالیسم امریکا را در خاور میانه و نزدیک بازی میکنند افسران ارتش ایران و آذتشان ساواک در اسرائیل تعلیم میگیرند و . . . اگر امروز دولت ایران بوجود چنین خلقی معترض است ، به هیچ وجه دلیل آن نیست که از سیاست همکاری با اسرائیل و پیروی از سیاست امریکا در منطقه رستکشیده و پیار آن واقع تغییری را دارد . شناسائی خلق فلسطین از سوی معلوم شکست سیاست اسرائیل و انفار آن در صحنه جهانی و از سوی دیگر معلوم سیاست مزور اهای است که امریکا را در خاور میانه ناقص در جبهه کشورهای عربی دوپیش گرفته و حکومت ایران نیز در اجرای این سیاست نقد لال را بهمده دارد .

تامین حق خلق عرب فلسطین و اخراج اسرائیل از زمینهای اشغالی تنها راحمل بحران است اعلاه میه دولت اتحاد جماهیر شوروی که بربالا بدای اشاره کرد به بدرستی را محمل مشکل خاور نزدیک رانشان دارد است . در این اعلامیه گفته میشود : " نهادها اسرا و پایه واقع بینانه و عادلانه ای برای حل مشکل خاور نزدیک وجود دارد ، بلکه همچنین یک مکانیسم بین المللی برای تنظیم توافقهای متناسب با آن نیز وجود دارد . این مکانیسم کنفرانس صلح خاور میانه در زیرنواست " . سپس این اعلامیه یار آور میشود که هیچ کس ، حتی امریکا ، نمیتواند منکر آن شود که کنفرانس زن و قادر رحل این مشکل است بشرطی که تمام کشورهای ذینفع حقیقتاً بخواهند که آنرا حل کنند . کنفرانس ژنو میتواند برمبنای اصول سهگانه زیل که با هم پیوند ارگانیک دارند بوضع بحرانی خاور میانه خاتمه دهد :

- ۱ - خروج نیروهای اسرائیل از تمام سرزمینهایی که اسرائیل در سال ۱۹۶۷ اشغال کرده است .
- ۲ - تحقق بخشیدن به حقوق قانونی ملی خلق عرب فلسطین از جمله حق ایجاد بد ون قیصر و شرط کشور خود نه .
- ۳ - تضمین بین المللی برای امنیت و غیرقابل تغییر بودن مرزهای تمام کشورهای خاور نزدیک

وبرای حق موجود بیت ورشد مستقل هریک از آنها .  
برینهای این سه اصل میتوان وید به بحرانی که صلح منطقه و جهان را تهدید میکند  
پایان رار .

### سیاست امریکا و اسرائیل درین بست

اعلامیه دولت اتحاد شو روی که هدف اصلی آن برطرف کردن کانون خطر جنگ در خاور نزدیک و تحکیم صلح و امنیت را بین منطقه ازراحت امن و تضمین حقوق همه خلقها ای منطقه از جمله خلق عرب فلسطین و اسرائیل براساس سه اصل فرق است ، بازتاب گسترده ای در میان خلقها عرب یافت . حتی در میان قشرهای ای از همودان ساکن اصلی اسرائیل نیز با حسن قبول مواجه شد . زیرا ماضیمن راه حل عال لانه ، روشن و صلح‌جویانه است . اما سیاست لجوچانه صهیونیست های اسرائیل که توأم با اسلام کلی های یهود رزمینهای اشغالی ، اخراج اعراب بعنای وین کوگان و تسلیح روزافرون اسرائیل با مردن ترین سلاحها و پیشوایکه متاب غربی میگویند مسلح شدن اسرائیل بسلاحهای اتفاق است ، نشانه‌آنستگه ها ترین محاذ صهیونیست و امریکائی هنوز از سیاست‌جاوزه‌بلعیدن ابدی زمینهای اشغال شده دست برداشته اند . ولواهین سیاست هم اکنون به بن بست رسیده ، زیرا هنتماً با مقاومت خلقهای عرب از جمله اعراب ساکن زمینهای اشغالی ، اعراب تبعه اسرائیل ، کشورهای عربی و محا لفت افتخار عومن جهان وحتی مخالفت بعض از کشورهایی که مد تماد رنتجه پیوند با اسرائیل موضع منفی نسبت به کشورهای عربی و خلق عرب‌فلسطین در مقابل اسرائیل داشتند ، روپرواست ، بلکه محا فل از هیئت حاکمه اسرائیل نیز کاملاً اینده ای برای سیاست لجوچانه نژاد پرستان و پشتیبان امریکائی آنها نعی بینند دست به مخالفت با سیاست حکومت فعلی یعنی حکومت که در آن شرکت دارند در مردم اسلام کلی های نوز زمینهای غرب اردن و حاشیه‌غره با پریاکردن تظاهرات زده اند . درده اول ماه امسال حزب "ماپام" متینگی با شرکت هزاران نفر علیه سکوت داشتند و ربرا بتصرف غاصبان سرزمینهای اشغالی از طرف راست‌ترین عنصر صهیونیستی و پریاکردن کلی های نود ، پریاکرد . بدیهی است که تظاهرات این حزب با ابراز هم‌ستگی هزاران نفر از حمتشان یهود نسبت با اعراب فلسطینی که بندای حزب کمونیست اسرائیل علیه سیاست حکومت‌مبارزه میکنند ، تفاوت اصولی دارد . اما بهرحال نشانه آنستگه سیاست‌زورتجاه و زوجوچانه اسرائیل به بن بست رسیده است .

### مردم ایران و حزب ما

خلقهای ایران و حزب ما از همان آغاز همبستگی خود را نسبت بخلقهای عرب‌بوبیزه خلق عرب فلسطین در برابرها جم حکومت صهیونیستی اسرائیل ابراز داشته اند . حزب توده ایران ، حزب طبقه‌کارگر ایران با وجود مشکلات فراوانی که با آن روپروا است همواره از حق ملی خلق عرب فلسطین در حدو دی که برای آن امکان داشته پشتیبانی کرده است . گروههای از جوانان ایران در سنگر های جیهی‌همقاومت فلسطین در مردم اسرائیل بی‌ازمان فلسطینی پیوسته و از دل جان دریغ نکرد مانند حکومت صهیونیستی اسرائیل و پشتیبان امریکائی او تنهاد شمن خلقهای عرب نیستند ، بلکه در شمن تمام خلقهای خاورمیانه و نزدیک ، از جمله مردم ایران و از همکاران نزدیک حکومت استبدادی محمد رضا شاه هستند . حزب‌ها و مردم ایران جانبدار حمل مشکل خاورمیانه را قطعنامه های شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد که تامین حق ملی خلق عرب فلسطین برای تعیین سیزدهنست خود را خاک فلسطین را به انتصیر شده میباشد و از همه محققانه بین خلق پشتیبانی کامل میکنند . حزب ما با توجه به تغیراتی که روحانیت و مسیاست تجارت و توسعه طلبی حکومت صهیونیستی اسرائیل با شکست روپروخوا هد شد پیش را در کامیا سیاست تجارت و توسعه طلبی حکومت صهیونیستی اسرائیل با خود خواهد رسید . و خلق عرب‌فلسطین بحقوق ملی خود خواهد رسید .

مقاله‌زیرین را فرق ارد شیر آ و انسیان ، از پیشکسوتان  
جنیش کمونیستی در ایران ، در آستانه برگزاری ۳۵ میان  
سال تاسیس حزب توده ایران برا می‌ارسال داشته و ما  
آنرا بصورت خاطرات درباره مبارزات حزب ماعلیها امپریالیسم  
و فاشیسم نشر می‌دیم . نویسنده این خاطرات در زانویه  
۱۹۷۶ وارد هفتادمین سال زندگی خود شده ، اینکه  
۳۵ سال است که در صوفی حزب توده ایران است .  
بمناسبت ۳۵ سالگی حزب توده ایران مجله "دنیا" -  
ویژه نامه ای جداگانه نشرخواهد دارد . "دنیا"

## حزب توده ایران ، مبارز پیگیر علیه فاشیسم و امپریالیسم

(صفحاتی چند از این مبارزه )

پس از سرنگونی دیکتاتوری رضاشاهی زمینه<sup>۲</sup> برای فعالیت دموکراتیک بوجود آمد . احزاب و  
جمعیت‌های گوناگون تشکیل شد و حزب توده ایران در پیش‌پیش نهضت دموکراتیک قرار گرفت .  
اعضای حزب کمونیست که از زندگانی‌های تبعیدی گاهها با زمینگشتند این حزب را بجود آوردند و فعالیت  
حزب توده ایران در آغاز کار رسیار شواربود . ارتاج ایران و امپریالیست‌های انگلیسی و امریکایی  
به انواع وسائل در برای برخوب توده ایران کارشناسی می‌کردند . آنان چه حد ماتی که به حزب توده  
ایران وارد نیاوردند . چند رکارگرفتمان حزبی را از کارخانه‌های اخراج و تبعید و حبس نکردند و چقدر  
از کارگران و هقانان مبارزه کردند تکشند .

اما در شواری کارتهنامه کارشناسی‌های ارتقا هوا امپریالیسم بر نمیخاست . اوضاع سیاسی و وضع  
روحی مردم در آغاز فعالیت حزب توده ایران بفرنج بود . زیرا مردم ایران و عناصر مملو امپریالیسم  
انگلیسی را می‌شناسند و با آن رشمی عقیق داشتند . در حالیکه امپریالیسم انگلیس در جنگ خسر  
هیتلری جزو متفقین بود . میباشد ماهیت فاشیسم را بمردم شناساند و آنان را متوجه این واقعیت  
کرد که در لحظه‌کنونی خطرفاشیسم هیتلری خطرناکی است و برای مقابله با این خطر باید از تصادر  
امیر پالیست‌های استفاده کرد ولایم است که جبهه واحد ضد هیتلری حفظ شود . از سوی دیگر  
میباشد مبارزات ضد امپریالیستی مردم واژگله مبارزات آنان را علیه امپریالیسم انگلیس - و سپس  
امریکا - که جزء متفقین هم بودند مشکل کرد . ترکیب اینه مهوظ اتفاق بفرنج ، آنهم برای حزبی مثل  
حزب توده ایران که برویانه‌ها ای دیکتاتوری رضاخانی تشکیل می‌شد آسان نبود .

تبلیغات فاشیستی و سمعت داشت و موفق شد که عدد ای از عناصر مملو را تیز فریب دهد .  
عدد ای از کسانیکه دشمن انگلیس بودند این شعار را پایه معلم خود قرارداده بودند که "دشمن  
د شمن مادر و ستماست" . در میان اینگونه عناصر که افکار محدود و ناسیونالیستی ناپخته داشتند

د شعنی با کمونیسم رسخ داشت . گروهی از آنان که در داشگاه تهران بودند ، روزنامه مسردم ضد فاشیستی را پاره میکردند . بیاردارم که آنزوژها اخترکا میخوردانشجوی داشگاه بود .

دانشجویانیکه زیرنفوذ فاشیستها بودند روی میزوصندلی که اخترکا میخشند نشست ، روی خته سیاه ، و درود پوارکلاس اوصلیب شکسته می کشیدند . آنزوژها کتاب و جزوی روشن کننده بسیار کم بود . و داشجوبیان بسیار کم کتاب میخواندند . روزی در خیابان برخورد کرد م به آقای حسین جودت ( کرمانی ) . اود وست قد بیم من بود و رحیب سوسیالیست مرحوم سلیمان محسن اسبکدری با هم کارکردند بودیم . رئیس ساختمانها در داشگاه بود . دعوت کرد که از داشگاه رفته دیدن کنم . با کمال میل پذیرفت . وقتی به کتابخانه داشگاه وارد شدم ، خواهش کرد م دفتری را که نام خواندن گان در آن ثبت میشود نشان دهنده . با حیرتمشاہد کرد که تقریباً سفید است نه کتابخانه کتاب درست و حسابی داشت و نه کمی کتاب میخواند .

اما حزب توده ایران علی رغم این دشواری ها ، فد اکارانه برای روشن کرد م مرد میکوشید .

نبرد استانیگار نه تنها نقطه متعطفی را رنجنگ ضد هیتلری شد ، بلکه چشم بسیاری از ایرانیان را هم باز کرد و رمارات ضد فاشیستی ماهمنطق متعطفی شد . ازان پس جوانان بیشتر مطبوعات ضد فاشیستی را خواندند . به حزب توده ایران نزد پکرشدند . رفته رفته کاربجایی رسید که فاشیسم چنانکه باید . حکم ناسراخود گرفت . داشگاه به یک درصد امپریالیستی و ضد فاشیستی بدلت شد که هنوز هم چنین است .

البته عده ای از همان عناصرنا سیونیالیست ضد کمونیست که روزگاری چشم به فاشیسم هیتلری داشتند بعد ها هوار ارامیکاشدند . امپریالیسم امریکارا "آزاد یخواه" . و مد افع مرد ایران قلمد اکردند و پسرهای سنتگینی به جنبش ما وارد آوردند و از آن پس جوانان بینند هوار اری از امریکا دشوار است ، چشم به جای دیگر مید و زند . ولی سهر صورت جنبش مرد ایران بطور عموم و عده در همان نخستین سالهای نبرد حزب توده ایران ماهیت فاشیسم را در ریافت وازان جد آشد .

مارزه حزب توده ایران با امپریالیسم انگلیس نیز مبارزه بسیار دشوار بود . امپریالیسم انگلیس در هیئت تحاکمه ایران نفوذ فراوان داشت و از متیازات ویژه ای در کشور خورد ارسود . ارتجام ایران نیز علاوه بر آن ، برای دفاع از منافع طبقاتی خویش اتحاد خود را بنا امپریالیسم انگلیس تحکیم میکرد . میباشد میستم را زلطانیه امپریالیسم انگلیس را در مقیاس نتام کشور سازمان داد ولی مراقب بود که به مبارزات ضد فاشیستی و اتحاد ضد هیتلری زیان نرسد .

سفارت انگلیس در تهران مرکز تعالیت های وسیع جا سوسی و مرکز بارزه سیاستاتیک و پیگیر علیه حزب توده ایران بود . انگلیسیهار رکمیکردند که اکرجزی بتوانند مرد ایران را در رمارات ضد امپریالیستی بسیج کند ، حزب توده ایران است . آنان برای مقابله با حزب توده ایران انواع سازمانها و گروهها و احزاب تشکیل داره بورند . اما احساس میکردند که برای مقابله احزاب توده ایران باید بینکنونه همه مرتعین کشور را تحد کرد و از همه سنن ارتجاعی وعقب ماندگی و جهل بهره گرفت . آنان برای انجام این مقصود سید ضیاء را رنظر گرفته بودند ، به این امید که او من تواند مرکزی برای جمع آوری همه قوا ارتجاع ایران باشد .

سید ضیاء بیش از ۲۰ سال از کشور وریود . اود بیرونی مجتمع ظاها مدد هبی وازنگران مارکدار انگلیس بود . آوردن سید ضیاء به ایران در جراید منعکردند . حزب توده ایران برای نبرد با این توطئه امپریالیسم ارتجام ع آماده گشت . در تهران و شهرستانها مقندهای کارفرآهم میشدند . سید ضیاء هنوز بایران نیامده بود . کیتھایالی حزب توده در آذربایجان موضوع آمدن سید ضیاء را در ایران مورد مطالعه قرارداده تصمیماتی در این باره گرفت . تصمیم کمیته ایالتی دوجیزی بود :

بیانیه‌ای در این زمینه منتشر و نوشته امیریالیسم را بر ملانموده مرد هر آر رمبارزه علیه این نقشه تجهیز نماید . در عین حال متنینگ بزرگی تبریز بهمین مناسبت دعوت شد . در این بیانیه از طرف حزب بنام کمیته ایالتی حزب توده ایران - سازمان آذربایجان سید ضیاء راعمی نموده و نقشه اوراکه انگلیس‌ها تنظیم کرد و بودند بر ملا ساخت . درین بیانیه امیریالیسم بود سوم اسفند ( ۳ حوت ) تشکیل دهنده کابینه صدر روزه " سیاه " عامل رسمی امیریالیسم بوده ، کسی است که بارضا خان در کودتای حوت ۱۲۹۹ شریک بود و رنتیجه عمل مشترک آنها ۲۰ سال تمام دیکتاتوری در ایران حکمران‌گردید . درین بیانیه اشاره شده بود که سید ضیاء مانند همیشگه عواطف‌بیان نموده خود را وستارکشور سوسیالیستی معرفی میکند . در صورتیکه رشمن سرخست سوسیالیسم و ملت ایران است . با وجود کثیرین اعتقادی نیایستی داشت . درین بیانیه از ملت دعوت شد که " با تمام قواعله نیروهای دیکتاتوری مبارزه کند . علیهم جراحتی ارتقی و غیر ارشی پیکار کند " در خاتمه بیانیه‌آمد است " با استنی تمام امیروهای متفرق متجلی شد متحفظ هر بری حزب توده باشد ت هرچه بیشتر برای حق و شرف و آزادی خود مبارزه کنیم " بلا فاصله سازمان حزب توده متنینگ بزرگی در قالعه ارک در مرکز شهر تبریز علیه ورود و سیاستی که سید ضیاء خواهد داشت تشکیل دارد . در همین هزار نفر در این متنینگ اشتراک گرفتند . یکی از اعضاء رهبری حزب ( رفیق علی امیر خیزی ) ناطق اصلی متنینگ بود . ناطق درین متنینگ کشته سید ضیاء الدین طباطبائی رایان نمود و نقشه شیطانی اورا فاش کرد . کسیکه در رسابق مد پروروزنامه " رعد " ویلنگوی قرارداد ننگی و شوق الدوله و مبتکر کودتای سوم حوت بود و حالا هم از جرائد میشد را کرد که " آقا " ادامه دهنده همان سیاست است . او جاسوس مارک ارامیریالیسم است .

چند روز پیش از متنینگ تبریز سفیر انگلیس یادداشت اعتراض آمیزید ولت ایران دارد . در این یار داشت سفیر انگلیس حزب توده ایران - سازمان آذربایجان را تمثیم به در شمنی علیه متفقین ضد هیتلری " نمود . سفیر که میخواست حقایق را در گروگون کشید تو شته بود که ناطقین حزب توده هوار اری از آلمان فاشیستی گردید و در عین حال علیه متفقین ضد هیتلری نطق نموده اند . تا آج گاییکه حافظه ام یاری میکند ، در آن روزها سهیلی نخست وزیر بود . دریاخ یار داشت سفارت انگلیس نخست وزیر وقت سوالی از استاندار اروشهر بانی تبریز ریاره این متنینگ نموده بود . ( بیانیه حزب که سند بوده و مطالعه در آن روشن بود ) شهریانی تبریز تمام جزئیات متنینگ و تقدیمه افراد حزب راعینا به نخست وزیر گزارش را داد . باینکه این گزارش سراپا علیه حزب توده متنینگ شد مبوب ولی بهیچوجه نمیتوانست این اتهام مسخره را تایید کند که گویا اخراج حزب توده طرفداری از آلمان فاشیست کرده باشد . بنابراین بشکل صوری یار داشت سفیر انگلیس فاقد ارزش حقوقی بود . موضوع بدین شکل رو شد . شهریور ۱۳۲۲ سید ضیاء الدین طباطبائی خاص را بشیریفات خاص وارد تهران نمودند . انگلیس‌ها تمام قدر تخدود را بکار گیرید و بودند تازرق و برق این تشریفات چشمگیر باشد و از لحاظ روانی ، مردم را مروع نماید . عده‌زیادی روسای ادارات و عمال انگلیسی با اتو میل های شیک خود باسلام و صلوات " آقا " را وارد تهران نمودند . این عده ای که ازا و استقبال نمودند کسانی بودند که حتی داشتند " آقا " نخست وزیر شد و پست و مقام مهمی بآنها خواهد سپرد . در واقع این آقایان مگسان در ورشیرینی بودند .

چند روز پیش از زور دید ضیاء به تهران حزب متنینگ بزرگی در تبریز شماره ۴۰ اسفند ۱۳۲۱

ها هزارنفر از مردم در آینه میتینگ جمع شد و بودند . این میتینگ علیه سید ضیاء و در واقع بر علیه کسانی بود که اریاب و هاری سید بودند . افراد اران سید ضیاء با یکنعد ه چاکوش بطرف تربیتون میتینگ حمله نمودند . آنها سنگ های خود را بطرف ناطقین توره پرتاپ کردند . عده ای در آینه میان زخمی شدند . اما پلا فاصله عده ای از اشتراک گشتن گان میتینگ که بیشتر کارگر ، دانشجو و معلم و کارمند اداره بودند بدفاع برخاستند . دوستان سید فرار را برقرار ترجیح دادند . راتومبیلیس نشستند و رفته اند .

میتینگ تهران اهمیت فوق العاده‌ای را مبارزه علیه ارتقا داشت. سید طباطبائی چند صباخی بعد ازورود ش با ایران یک هوسرازند و ق انتخابات بیزد ر آورد. اولاً او پاسپورت خارجی را داشت، در گرتایپ ایران شناخته نمیشد. ثانیا جگونه مردمها میتوانستند را ب دهندر ریصورس که را د هندگان اورا جز به بدی نمیشنا ختنند و اصلاً در هرچیغ دفتری نیز نام ازاویت نمود. یکی از روزنامه‌ها تهران در این زمینه نوشت: "درما شهریور ۱۳۲۲ سرتیپ قدر فرمانده لشکار اصفهان عد مای سربا زیر فرمانده هی ستوان وجدانی به بیزد فرستاد و این واحد ارتشد سید ضیاء را از صندوق انتخاب برآورد.".

د رواحه نيز سيد ضياء طباطبائي باكمك مستقيم عمال انگليس در ستگاه ولتني وازحمله د را رتش  
ود رياراز صندوق بزر بيرون آمد . مرحله بعدی مبارزه درون مجلس شورا بود که ممایي است در مرقوم—  
تصويب اعتبارنامه هاعليه اعتبارنامه سيد ضياء برخاست . در خود مجلس عده ای ازوکلاه علیه تصويب  
اعتبارنامه ای بودند . در درجه اول فراکسيون توده ، بعلوه عده ای هم به سرگردگي دكترمصدقه  
هنگام طرح اعتبارنامه طباطبائي دكترمصدقه گفت : "اگرکلاي توده ای بخواهند علیه سيد  
ضياء نطق گند من در اين امر خالتنکرده و علیه اوصحيت نخواه كرد " . اتفاقاً ونفر ازوکلاي  
توده اسمنويسي نموده ، ميخواستند نطق هاي ميسوط علیه باشند . با اينكه روش دكترمصدقه قنست  
به کلاي توده درست نمود ، ولی فراکسيون توده فروتنی بخرج داد و سکوت كرد . با اينكه کسی حق  
ندارد مجبور گند ، فراکسيون در اين امر حیاتان خاموش شود ، ولن ظریباينکه حزب زینفع بود که جبهه  
واحد ملو عليه سيد ضياء و اريابانش بوجود بيايد ، و انگهي برای حزب منافع ملى مافق همه چيز بود  
گذشت نموده از تعقبي خود صرف نظر كرد . و اجازه داد که مصدق از طرف مخالفين صحبت گند .  
مصدق از جمله گفت : " سيد ضياء رود كوجك است که به رود خانه تيمس ميرز " او جمله زير را نيز گفت :  
" بعياد حالا کاري کنيم که پرجم در آران آزاری بدست جلادان ارجاعي نيقتفت " البتة در نطق  
مصدق ضعفهای هم وجود داشت . مثلاً گفت : " من در ميان رسپولوماتهاي انگلستان با شخصان  
خوبی هم برخوردي كرد ، قرارداد ۱۹۱۹ را سرپرسی کاسن بد ون اطلاع دلت انگلیس تنظیم و امضاء  
کرد بود " . ولی مصدق خادم بهملت بود هنخائين بطلت . ازاينرو حزب توده ايران او را از رجال  
من ميشناسد . روپه مرفتنه نطق دكترمصدقه علیه امپراليسم انگليس بود . کس که از نطق اوناراضی  
ماند سيد ضياء ، اريابانش بودند .

یک ازولای مجلس یعنی فرهمند این اظهار کرد: «سید ضیا» الدین هنوز نخست وزیر شده این همه افاده میفروشد و با تکریباً محرف میزند، وقتی اون خست وزیر شود با ماجرا در چگونه حرف خواهد زد، از اینرو است که مردم میگویند مارگزیده ازیسمان سیاه وسفید میترسد». اما جاردن کلمه هم از قوهای سید ضیا الدین بیاید. ایشان فرمایشاتی کردند مانند فراعنه بدین شکل: «این من بودم... که فلان کارفلان کارکردم رایئما میگفت: «این من بودم...»! اوضاعنا گفت: «من نخست وزیر بودم، هرچه دلم خواستکردم «بایینه عذر کنی علیه تصویب اعتبار نامه سید ضیا» رای دارند، اما الاحظ سیاسی و اخلاقی هم سید ضیا وهم انگلیسیها شکست خورده

این اوایل فعالیت سید ضیا و مبارزه حزب توده علیه ایجاد . بعد ها سالمانی متمنادی این مبارزه شدید تر شد . و قهرمان مبارزه علیه اخورد توده ها بارند بر همین حزب توده ایران . نقش سایر عناصر متفرق و مولی علیه سید ضیا را نایاب ناچیز شمرد ولی چندان چشمگیر نبود . سید ضیا و درود سنته اش شده بود نه مرکز غربی ارتقای وساله ابدین منوال گذشت . ناد است آخر سید ضیا از لحاظ سیاسی و روشکست شد که در واقع معنیش و روشکست سیاست انگلیس بود . لکن مبارزه با سید ضیا هم جنبه ایدئولوژی و هم جنبه عملی داشت . سید ضیا در عین حال ما مرتع شمال را مسلح کرد و بجان نازگرها و حزب توده اندداخت .

اما مشیوه های اوجهمبور ؟ تما معمليات تشکیل همکاری مغربی ها ، چاقو ، اسلحه ، ترور بود . اوضیح و است بمردم بهم ماند که چون سید است میسیون خاصی را دارد که با پیشنهاد انجام نداده . خانه اونکه در روحانی فیشر آباد بود بزنگ سیزده رآمد . تمام اشیاء خانه ( مبل و غیره ) سیزده بودند . تسبیح او بیسیور ، جای ایشان نیز سیزده ( نعنای ) . درید و فعالیت اونکه های انتلیسی بننام " اتحاد یه کشاورزان ترقیخواه " و " کروه " وطن خواهان " از سید ضیاء پشتیانی میکردند . روزنامه های اقدام ، کوشش ، وظیفه وغیره حامی ایجاد بود . سید ضیا در آذرماه ۱۳۲۲ " اتحاد جرايد ملی " را بوجود آورد . روزنامه های کم تیراژ ارتجاعی در این سازمان عضویت پیدا کردند . اینان عبارت بودند از روزنامه های وظیفه ، کاروان ، کانون ، حورکشور وغیره . این سازمان را در مقابله حزب توده و جنبه آزادی علم کردند . جنبه آزاد این مرکزو سازمانی بود که تمام جرايد متفرق در آن اشتراک داشتند .

در رتبستان ۱۳۲۳ سید ضیا " حزبی ساخت بنام " وطن " . بعد از آغاز سال ۱۳۲۴ بوجود آورد بنام " اراده ملی " که توده هردم با ملک یگفتند حزب " اراده ملی " . بجا کلمه حزب و زره کلمه " حلقه " بکار میبرد که با زمود مسخره توده ها شد . در جراید و نطق ها ، سید ضیاء جملاتی بکار میبرد ، مثل " عنعنات " ( بمعنای سنت ها ) که مزدور مسخره مردم بود . اما از لحاظ سیاسی رجوع عیکیم یا سنوار خود او که بشکل بروشور یا تکب یا خبرد رجر اید جا پیشید . در اول بر زنگ اراده ملی " آمده است " بنام خداوند ایران . خدا افراد بر جسته ای دارد . آنجه این اشخاص بر جسته میخواهند خواست خود خدا است " . این آنکه را شریط یا جا نشین خدا امعرفی میکرد . در برنامه " اراده ملی " برای شهرستانه استقلال عمل مطلبید . بخصوص در تواحی اپلات نشین . حتی اوتوناست بوسیله هماورین دلت شعبه یا دار ارخا صابرای ایلات در روزارتکش رو بیرون آورد . هدف این آنکه این بقیه دستورات نگذیم آن بورکه شهرستانه استقلال بدست آورد و هر وقت لازم آمد شورشی راه بیاند ازند . و این کار در رجه اول بایستی در جنوب ایران علی میشد یعنی در مرکزی که فکور ال های آنکه میکردند . او توانت بادست کسان شیخ خزعبل سازمانها ای سیاسی و مسلح بوجود آورد . روزنامه " دارایا " در شماره ۱۷۴ ، ۲۲۷ مزاد ۱۳۲۵ نوشت که شیخ جاسب یعنی پسر شیخ خزعبل از صدر بخوزستان وارد و در تفتیش اینگلیسی با خود آورد و است . روزنامه " مردم " مورخ ۲۲ بهمن ۱۳۲۴ نوشت : " پیر از اینکه سید نتوانت در خوزستان حزب اراده ملی را بوجود بیاورد . او کوشید تا شاید بادست شیخ جاسب حزب " قیام سعادت " را احیاء کند " مامن رانیم که این حزب " قیام سعادت " حزبی متعلق به شیخ خزعبل و هدفش استقلال خوزستان و ملحق کردن این سرزمین ایران بصریق بود . اینکه سید ضیاء شمارا استقلال شهرستانه اداره بور ، هدف این استقلال خوزستان یا فارس بدد است فکور المهاور که این اپلات را میدل بیدایا گذاشتی از اینکه نماید و با دموکراسی خلیق ایران مبارزه کند . پیکلا م هدف او آن بود که امپرالیسم انگلیس را درین ایلات آغازی کند . اور ماه ۶ ۱ بر زنمه خود نوشتند بور : " منحل کرد ن تدریجی نظام وظیفه وسیو جو آوردن

ارتش را اطلب " یعنی در واقع او وانگلیسیها میخواستند ایران ارتش مزد وری داشته باشد . اول در برنامه پیشنهاد ایجاد ژاندارمری را کرد بود تا بدین وضعیه نهضت دهستان را خفه کند . ما زد روزنامه مترقب جند جمله میآوریم تا بدین شور هدف سید ضیا " وحشیشجه بود . روزنامه سروش شیاز در شماره ۱۴۸ خود مورخ ۲۸ بهمن ۱۳۲۴ نوشت : " هدف سید ضیا " برگشت به فئودالیسم وضعیف کرد دولتمرکزی و تقویت ایلات ، استقلال نواحی جنوب ، جدائی آنها از مرکز ، لفونظاً وظیفه است " روزنامه شهباز در شماره ۱۸ خود مورخ ۴ اسفند ۱۳۲۴ نوشت " سید ضیا " لا ورنس ایران سعی میکند ایران را به " اتحاد اسلام " ملحق کند و قرارداد سعدآباد را حیا و ایران راوارد جرگه ضد شوروی کند " .

اما در ریاره شیوه کاراین سید ضیا " . حاکم تبریز نام احتشامی که عضو حزب سید ضیا " بود ر میتبینگ حزب توده ( دریاغ گلستان ) بمعنی منفجر کرد که باعث مرگ عده ای شد از آنجمله یک کودک . روزنامه مردم مورخ ۸ اسفند ۱۳۲۵ نوشت که سید ضیا " بایمین اسفند ریاره هزار عدد رفندگ بوسلیه عابدی به شهریابل فرستاد که این تفندگ ها علیه دهستان آزاد بخواه بکارافت . اعدام چاقوکش در همه جا است . در جراید آذربایجان و حتی رمجلسر گفته شد که رکتمیلیسپو مریکائی که عمل سلطان بی تاج ایران بود ( با اختیارات زیادی دارد بودند که جماعت اموال ریاران این اختیارات را نداشتند ) یک باره نهضت هزار علیه بمقیم ارزان به رسید یان نامی فروخته است . این رشید یان از عمل سید ضیا " بوده ، این جنس را خیلی ارزان بقیمت دلیل خردیه در ریازاسیاه به چندین نیز برادرگرانتر فروخته و میلیونها پول بدست آورد . این پولهایه صندوق یا جیب سید ضیا " میرفت . اما کترمیلیسپو این ککهای را با میکرتا میدستواند علیه حزب توده ایران مبارزه کند .

سید ضیا " الدین طباطبائی چندین سال مرکزشل ارجاع ایران ( مرکز ضریتی ) بر بھری دشمن شماره یک آذربایجان یعنی امیریالیسم انگلیس علیه حزب توده مبارزه شد یدی انجام میداد . این مبارزه زیاد شد ید طولانی و همه جانبه بود . تدریجاً حزب توده ایران میان مردم نفوذ زیاد پیدا نموده ، سید ضیا " و امیریالیسم انگلیس را رسماً نمود . مردم سید ضیا " رانیک شناخته از این ورن کردند . سید ضیا " نقش خود را بازی نمود و بحاجت نرسید . نهضت د مکراسی در ایران زیاد قوی شد . نیروی اجتماعی قوی ترازانگلیسیمیدان آمد و آن امیریالیسم امریکا بود . مردم ایران آذربایجان را هنوز امیریالیسم امریکا نه اینکه نهیشناخت بلکه خیلی هامعتقد بودند که امریکا " آزاد بخواه ولیمیرال " است . یگانه عنصری که همان روزها و قبل از آنهم امیریالیسم امریکا را شناخته بودند آنها کمونیست های ایران بودند که د امام علیه این امیریالیسم مبارزه میکردند . در دوران انتقالی امریکا قوام را بجلوکشید . او هم مد تی عامل اصلی و عدمه ارجاع دشمن آزاد شد . او هم نقش خود را بازی نموده ، جای خود را به محمد رضا شاه داد . در پایان بود که قتل عامی علیه مردم را هدایت . امیریالیسم امریکاییها بانی قتل عام آذربایجان شدند . آنها افسران رشید و افراد حزب توده را کشتنند . شاه بیکم امریکا را ولتغلی مصدق راسنگون کرد . مردم را به بد بختی کشید . جنایات امریکا حد و مرزی ندارد ( کشتار در کره ، ویتنام ، کامبوج ) . امریکا باعث ویانی کودتاهای گوناگون اجتماعی جهان و ژاندارم بین المللی است . مردم ایران این ژاندارم را شناخته ، ولی نباید فراموش کرد که این حزب توده ایران بود که قبل از همه روی اطلاعات دقیق علمی و سیاسی دشمن آزادی خلقت را شناخته بمردم معرفی کرد .

D O N Y A  
 Political and Theoretical Organ of  
 the Central Committee of the  
 Tudeh Party of Iran  
 May 1976, No 3

Price in :	بهای تک رو شی در کتاب فروشی ها و کوپسک ها :
U.S.A. ....	0.4 dollar
Bundesrepublik ....	1.00 Mark
France ....	1.50 franc
Italia ....	250 Lire
Österreich ....	7.00 Schilling
England ....	4 shilling

بهارهای کشانی که مجله رادرخان از کشور بوسیله پست دریافت می‌کند  
۲ مارک و معادل آن به سایر ارزها

**« دنیا » را بخوانید و به پخش آن یاری رسانید !**

حساب بانکی ما :

Sweden  
 Stockholm  
 Stockholms Sparbank  
 N: 0 400 126 50  
 Dr. Takman

با مابهانه رس نظر مکاتبه کنید :

Sweden  
 10028 Stockholm 49  
 P.O.Box 49034

دنیا

نشریه سیاسی و تئوریک کمیته مرکزی حزب توده ایران  
 چاپخانه "زالتس لاند" ه ۳۲۵ شتاب سفروت  
 بهار را بران ۱۵ هیال

Ind. x 2